

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هزینه مطالعه این جزوه، برای دانش‌آموزان، دبیران و دیگر علاقه‌مندان به ادبیات شیرین فارسی، قرائت یک فاتحه به نیت پدر و مادر مرحوم است.

سلام و درود خدمت شما دانش‌آموزان، دبیران و علاقه‌مندان زبان و ادبیات فارسی

نسخه ۵ جزوات بنده جدیدترین ویرایش جزوات من است که بعد از کنکور تیر ۱۴۰۲ تالیف شده است. پیش از این، جزوات بنده به صورت نسخه‌های ۱ و ۲ و ۳ و ۴ در اختیارتان قرار گرفته بود. جزوات قبلی نیز بسیار کامل بودند ولی با توجه به اینکه اکثر تست‌ها تالیف دو سه سال قبل بودند، در پی فرصتی بودم که سطح سوالات را کمی بالاتر ببرم تا مطابقت بیشتری با کنکورهای جدید داشته باشند. لذا مهمترین تغییر جزوات نسخه ۵ با نسخه‌های قبلی، در تست‌های آن است. تست‌هایی که اگر کمی به سطح آن‌ها دقت کنید، متوجه خواهید شد سوالات بسیار قوی و پرمحتوایی هستند. برخلاف دبیران دیگر من معتمد دانش‌آموز باید در حل این تست‌ها، عرق بریزد تا در کنکور نفس راحت بکشد! ولی در بسیاری از کتاب‌ها و پکیج‌ها اینگونه نیست و تست‌های آسان و حل آن‌ها هیچ کمکی در کنکور به دانش‌آموز نمی‌کند. با اطمینان کامل می‌گویم؛ مطالعه این جزوات و حل این تست‌ها و یادگیری آن‌ها شما را از هر تست و درسنامه‌ای بی‌نیاز خواهد کرد. پس پر قدرت و با خیال راحت این جزوات را بخوانید تا درصدی عالی کسب کنید.

۱ - با مطالعه بخش‌بخش و جزء‌جزء این جزوات خواهید فهمید که این جزوات کامل‌ترین درس‌نامه‌ها را دارند. برای بنده خیلی راحت و اقتصادی‌تر بود که این جزوات را در اختیار موسسه و انتشاراتی قرار دهم و از مزایای مادی و معنوی آن برخوردار شوم. ولی در این صورت اجازه نداشتیم که این جزوات را در کانال قرار دهم تا همه افراد به صورت رایگان از پی‌دی‌اف آن استفاده کنند.

۲ - قطعاً برای تالیف هر جزوه و کتابی، زحمات بسیاری کشیده می‌شود. با نگاهی سطحی بر این جزوه و دیگر جزوات بنده، خواهید دید که برای تالیف آن زحمت بسیاری کشیده شده است. اینجانب علاوه بر ساعت‌ها تمرکز و نوشتن، برای تایپ و صفحه‌آرایی این جزوه و جزوات دیگر، مبلغ قابل توجهی هزینه کرده‌ام.

۳ - سال گذشته دبیری پیام داد و گفت: «با اجازه شما این جزوات را داده‌ام تایپ کرده‌اند و در انتهای جزوه از شما یاد خواهیم کرد!!!» به چند دلیل این کار دور از انصاف و ناصحیح بوده‌است؛ اول اینکه بنده اصلاً چنین اجازه‌ای به هیچ دبیری نداده‌ام. دوم اینکه با این تایپ و صفحه‌بندی زیبا چه لزومی داشت مجدداً تایپ شود جز اینکه قضیه‌ای در کار بوده باشد؟ سوم اینکه بسیاری افراد به اعتبار علمی یک مؤلف آن اثر را می‌خوانند و با حذف نام بنده از هر صفحه و انتقال آن به آخر جزوه، عملاً با یک غلط‌گیر - توسط هر فردی - این اثر بی‌شناسنامه خواهد شد. چهارمین دلیل که از دلایل دیگر بسیار مهمتر است این است که صادقانه و حقیقتاً خدمتتان عرض می‌کنم که پس از تایپ این جزوات توسط تایپست‌های گران‌قیمت موسسات مطرح، برای ویرایش و صفحه‌بندی هر کدام، حداقل بیش از ۳ ماه وقت گذاشته‌ام (اگر ملاحظه کنید می‌بینید در تمام این جزوه حتی «تشدید» و «نیم‌فاصه» و دیگر علائم ویرایشی رعایت شده است تا زیبایی جزوه، مطالعه را برای دانش‌آموز دلنشین‌تر کند). تالیف این جزوات، اینطور نبوده که پس از تایپ با یک ویرایش خدمتتان ارائه شده باشد. اگر آن دبیر محترم، نهایت انصاف را به خرج دهد و نام بنده را هم در هر صفحه جزوه بیاورد، باز هم در حق من جفا کرده است، چرا که قطعاً جزوه‌ای خواهد بود با هزار غلط تایپی و ...

با توجه به ۳ مورد فوق، از دبیران ارجمند، خواهشمندم، برای ارج نهادن به تالیف و کار بنده، از تکثیر جزوات اینجانب، بدون نام بنده خودداری کنند و با توجه به اینکه اسم خود را نیز از وسط صفحه (واترمارک) برداشته‌ام، توصیه می‌شود برای تدریس از همین پی‌دی‌اف استفاده کنند.

هر گونه کپی‌برداری از این جزوه و جزوات دیگر من، برای تالیف، پیگرد قانونی دارد.



دانش آموزان عزیز؛

جزوه پیش روی شما بدون شک کامل ترین، زیباترین و کارآمدترین جزوه‌ای است که برای علوم و فنون تالیف شده است. با مطالعه جزوه درمی‌یابید برای تالیف آن زحمت بسیاری کشیده شده است. حساسیت بنده در زیبایی منابع درسی دانش‌آموزان، باعث شد برای کلمه به کلمه جزوه وقت بگذارم. در تمام صفحات جزوه حرکت‌گذاری اصطلاحات عروضی همچون «فاعلاتن، مُستَفعلُن و ...» رعایت شده است تا این اصطلاحات را به طور دقیق و درست و راحت یاد بگیرید. در تمام مثال‌هایی که تقطیع شده‌اند، ما بین حروف کلمات، خط کشیده آمده است تا کلمات و حروف از همدیگر تفکیک شوند. مشخص است که این کار بسیار زمان‌بر فقط برای این منظور انجام شد که شما با جزوه‌ای زیبا، مطالب را بهتر یاد بگیرید. این جزوه - و دیگر جزوات بنده - حاصل چندین سال تحصیل بنده در مقاطع عالی دانشگاهی و همچنین ۱۸ سال تدریس بنده در کلاس‌های کنکور است. لذا این اطمینان را به شما می‌دهم، در صورت مطالعه جزوه و مشاهده فیلم‌های آموزشی، قطعاً و حتماً علوم و فنون را به بهترین شکل ممکن یاد خواهید گرفت. نکته دیگر اینکه هم در جزوه و هم در درس‌نامه ویدئویی، تدریس به صورتی بوده است که تمام تکنیک‌های علوم و فنون ادبی از جمله عروض سمعی را نیز یاد بگیرید و این شاء الله و به امید خدا یاد خواهید گرفت. بدون شک علوم و فنون مهمترین و ضروری‌ترین درس رشته علوم انسانی و معارف اسلامی است و برای آموختن آن باید تلاشی درخور داشته باشید. توصیه می‌شود حتماً تمرین‌های جزوه را انجام دهید و سپس جواب آن را در جزوه ببینید.

از ویژگی‌های منحصر به فرد این جزوه ارائه بهترین راهکارهای تستی و آموزش نکات تست‌زنی و عروض سمعی به جدیدترین و بهترین روش‌هاست. بدون شک با یادگیری و مطالعه جزوه، هر سوال سختی در درس علوم و فنون را پاسخ خواهید داد.

توجه: مجدداً اعلام می‌دارم در پکیج‌های VIP تمام این جزوه به همراه حل و تحلیل تمام سوالات به صورت ویدئویی و مفصل توضیح داده شده است.

توجه: برای دریافت سایر جزوات به سایت بنده مراجعه کنید.

شاد و سلامت باشید

دوستدار شما: دکتر ابوذر احمدی



فهرست مطالب

بخش اول: عروض و قافیه

فصل هفتم: تقسیم به ارکان عروضی ۵

فصل دوم: اوزان همسان تک‌لختی و دولختی (دوری) ۲۰

بخش دوم: آرایه‌های ادبی

کلیات ۴۲

تشبیه ۴۳

استعاره ۵۰

مجاز ۵۸

کنایه ۶۴

بخش سوم: تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی

درس یکم ۶۷

درس چهارم ۷۶

درس هفتم ۸۲

درس دهم ۸۷

پاسخنامه ۹۵

توجه: این جزوه صرفاً برای دانش‌آموزان **سال یازدهم** رشته انسانی است. اگر سال دهم یا دوازدهم هستید، با مراجعه به سایت یا کانال، جزوه سال دهم یا جزوات جامع را تهیه نمایید.



فصل هفتم

تقسیم به ارکان عروضی

در مثال‌های پنج فصل قبل، از چندین نوع وزن متفاوت استفاده کردم. به تعداد هجاها یا نوع چینش هجاهای کوتاه و بلند آن‌ها دقت کردید؟ یک بار دیگر از هر کدام یک بیت را با هجاهای آن می‌آورم. به تعداد و ترکیب آن‌ها دقت کنید.

۱- مرنجان دلم را که این مرغ وحشی
ز بامی که برخاست مشکل نشیند
--- U --- U --- U --- U --- U --- U --- U --- U

۲- بیا تا برآریم دستی ز دل
که نتوان برآورد فردا ز گل
--- U --- U --- U --- U --- U --- U --- U --- U

۳- دید پر روغن دکان و جامه چرب
بر سرش زد گشت طوطی گل ز ضرب
--- U --- U --- U --- U --- U --- U --- U --- U

۴- چو در وقت بهار آبی پدیدار
حقیقت پرده، برداری ز رخسار
--- U --- U --- U --- U --- U --- U --- U --- U

۵- گشت یکی چشمه ز سنگی جدا
غلغله‌زن چهره‌نما تیز پا
--- U --- U --- U --- U --- U --- U --- U --- U

۶- هر نفس آواز عشق، می‌رسد از چپ و راست
ما به فلک می‌رویم، عزم تماشا که راست
--- U --- U --- U --- U --- U --- U --- U --- U

۷- ای پادشه خوبان، داد از غم تنهایی
دل بی تو به جان آمد، وقت است که باز آبی
--- U --- U --- U --- U --- U --- U --- U --- U

۸- تنگ چشمان نظر به میوه کنند
ما تماشاکنان بستانیم
--- U --- U --- U --- U --- U --- U --- U --- U

۹- باز این چه شورش است که در خلق عالم است
باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است
--- U --- U --- U --- U --- U --- U --- U --- U

گفتیم وزن تکرار منظم یک حرکت، رفتار، صدا و ... است و «وزن شعر» تکرار صدایی است که گوش با شنیدن آن، نظم خاصی را درک می‌کند. با دقت در هجاهای پنج مثال اول، در می‌یابیم که هر مصراع از تکرار الگوی هجایی خاصی به دست آمده است. با جدا کردن این الگوها از همدیگر، نظم خاصی را در مصراع برقرار می‌کنیم. این فاصله‌ها، مرز پایه‌های آوایی هستند.

--- U	--- U	--- U	--- U	۱- مرنجان دلم را که این مرغ وحشی
--- U	--- U	--- U	--- U	۲- بیا تا برآریم دستی ز دل
--- U	--- U	--- U	--- U	۳- دید پر روغن دکان و جامه چرب
--- U	--- U	--- U	--- U	۴- چو در وقت بهار آبی پدیدار
--- U	--- U	--- U	--- U	۵- گشت یکی چشمه ز سنگی جدا

وزن شعر مثال اول ۴ بار تکرار الگوی هجایی « U — — » شد. اما وقتی وزن این شعر را از ما بپرسند؛ نمی‌گوئیم چهار بار « U — — » بلکه ساختار « U — — » در علم عروض، معادل خاصی دارد و آن «فَعولُن» است. در واقع اگر وزن این شعر را از ما پرسیدند؛ می‌گوئیم: فَعولُن فَعولُن فَعولُن. «فَعولُن» یک «رُکن» یا «وزن‌واژه» یا «پایه‌ی آوایی» است.

رُکن، وزن‌واژه، پایه آوایی

مهمترین ارکان عروضی فارسی ۱۹ مورد می‌باشند و در ۳ دسته جای می‌گیرند، که ذیلاً با آن‌ها آشنا می‌شوید:

الف) ارکانی که هم در پایان مصراع می‌آیند و هم غیرپایان می‌توانند قرار بگیرند.

۱	فاعِلَاتُنْ	— — U —	۷	فاعِلُنْ	— U —
۲	مَفَاعِلِیْنْ	— — — U	۸	مَفَاعِلُنْ	— U — U
۳	مُسْتَفْعِلِیْنْ	— U — —	۹	فَعِلُنْ	— U U
۴	فَعولُنْ	— — U	۱۰	مَفْعولُنْ (مُسْتَفْعَلْ)	— — —
۵	مُفْتَعِلِیْنْ	— U U —	۱۱	فَع لُنْ (مُسْتَف)	— —
۶	فَعَلَاتُنْ	— — U U			

ب) ارکان غیر پایانی، که در آخر مصراع قرار نمی‌گیرند. (زیرا آخرین هجای آن‌ها کوتاه است)

۱	فاعِلَاتُ	U — U —	۴	مُسْتَفْعِلُ	U U — —
۲	فَعَلَاتُ	U — U U	۵	مَفْعولُ	U — —
۳	مَفَاعِلِیُّ	U — — U	۶	مَفَاعِلُ	U U — U

ج) ارکان پایانی که فقط در آخر مصراع می‌آیند:

۱	فَعَلْ	— U	۲	فَعْ	—
---	--------	-----	---	------	---

توجه: خوبی این وزن‌واژه‌ها، هم‌وزنی با الگوی هجایی آن‌هاست. به الگوی هجایی آن‌ها توجه کنید.

فاعِلَاتُنْ	فا ع لا تُنْ	— — U —
مَفَاعِلِیْنْ	مَ فا عِیْ لُنْ	— — — U
مُسْتَفْعِلِیْنْ	مُسْ تَفْ عِ لُنْ	— U — —
مُفْتَعِلِیْنْ	مُفْ تَ عِ لُنْ	— U U —
فاعِلُنْ	فا عِ لُنْ	— U —
فَعولُنْ	فَ عو لُنْ	— — U
فَعَلْ	فَ عِلْ	— U

تشخیص مرز پایه‌های آوایی و رسیدن به ارکان یا وزن‌واژه‌های یک مصراع به دو روش انجام می‌شود.

الف) با توجه به تقطیع و چینش هجاها، تشخیص بدهیم که هجاها را «چند تا چند تا» جدا کنیم تا به ترتیب منظمی برسیم. مثلاً در مثال ۱ و ۲ اگر هجاها را «۳ تا ۳ تا» جدا کنیم به ترتیب منظمی می‌رسیم. حال اگر ابیات مثال‌های ۳ و ۴ و ۵ را «۳ تا ۳ تا» جدا کنیم، نظمی در آنها دیده نمی‌شود. ولی اگر «۴ تا ۴ تا» جدا کنیم، نظم می‌گیرند و همسان می‌شوند. اوزان ۱ تا ۵ را **اوزان همسان یا همسان تک پایه‌ای** می‌گویند. در مثال ۶ ابتدا هجاها را ۳ تا ۳ تا جدا می‌کنیم، نظمی ندارد، ۴ تا ۴ تا جدا می‌کنیم، باز هم نظمی ندارد. ولی وقتی «۴ تا ۳ تا» جدا می‌کنیم، متوجه می‌شویم، هر مصراع از الگوی منظمی پیروی می‌کند، به این صورت که رکن اول در رکن سوم، و رکن دوم در رکن چهارم تکرار شده‌اند. این‌گونه اوزان را نیز همسان می‌گوئیم ولی چون با اوزان همسان ۱ تا ۵ تفاوت دارند و ارکان، کلاً یکسان نیستند، و از ۲ پاره یا ۲ لخت تشکیل شده‌اند، آنها را **اوزان همسان دولختی (دوری)** می‌گویند. مثال ۷ نیز همینطور است با این تفاوت که اگر هجاها را «۳ تا ۴ تا» جدا کنیم، شاهد این تناوب خواهیم بود.

در مثال‌های ۸ و ۹ ابتدا هجاها را «۳ تا ۳ تا» جدا می‌کنیم، نظمی مشاهده نمی‌شود. بار دیگر هجاها را «۴ تا ۴ تا» جدا می‌کنیم، باز هم نظمی مشاهده نمی‌شود. مدل‌های مرسوم دیگر مانند «۴ تا ۳ تا» یا «۳ تا ۴ تا» را امتحان می‌کنیم ولی باز هم هیچ نظمی مشاهده نمی‌شود. این‌گونه اوزان را که هیچ نظم مشخصی ندارند ولی در کل آهنگین هستند، **اوزان ناهمسان** می‌گوئیم.

در واقع با توجه به نظم هجاها سه نوع نظم در آنها دیده می‌شود:

- الف) **همسان تک پایه‌ای:** شعری که هر سه یا چهار رکن آن یکسان هستند. مانند: مثال‌های ۱ تا ۵
- ب) **همسان دو لختی:** شعری با چهار رکن که «رکن ۱ و ۳» و «رکن ۲ و ۴» یکسان هستند. مانند: مثال‌های ۶ و ۷
- ج) **ناهمسان:** شعری که حداقل سه رکن متفاوت داشته باشد. مانند مثال‌های ۸ و ۹

توجه: پایه‌ی آوایی، وزن‌واژه و رکن آوایی یا عروضی هر سه اصطلاحاتی هستند که برای الگوهای هجایی منظم درون مصراع به کار می‌روند. فاصله یک رکن و رکن دیگر را «مرز آوایی» می‌گویند.

دَر بُ نَ اِیْن	پَر دِ نِی	لَوْ فَ رِی
-- U U --	-- U U --	-- U --
مُفْتَعِلُنْ	مُفْتَعِلُنْ	فَاعِلُنْ

ب) روش دیگری که مرز پایه‌های آوایی را مشخص می‌کند، **روش سمعی** است. در این روش، بدون تقطیع هجایی با توجه به فراز و فرودهای آوایی، متوجه مکث‌هایی درون یک مصراع می‌شویم. مثلاً وقتی بی‌تی را می‌خوانیم، در محل‌هایی مکث می‌کنیم، آن مکث، محل مرز آوایی وزن‌واژه‌هاست.

به خوانش و مکث‌های موجود در بیت زیر دقت کنید.

غمش در نهان‌خانه‌ی دل نشیند به نازی که لیلی به محمل نشیند
غمش در نهان‌خا نه‌ی دل نشیند به نازی که لیلی به محمل نشیند

اکنون برای قسمت‌های تفکیک‌شده «وزن‌واژه» مناسب را می‌آوریم.

غمش در نهان‌خانه‌ی دل نشیند	به نازی که لیلی به محمل نشیند
غمش در نهان‌خا نه‌ی دل نشیند	به نازی که لیلی به محمل نشیند
فَعُولُنْ فَعُولُنْ فَعُولُنْ فَعُولُنْ	فَعُولُنْ فَعُولُنْ فَعُولُنْ فَعُولُنْ

چند مثال دیگر:

ای ساربان آهسته ران کارام جانم می‌رود	وان دل که با خود داشتیم با دلستانم می‌رود
ای ساربان آهسته ران کارام جا نم می‌رود	وان دل که با خود داشتیم با دلستا نم می‌رود
مُسْتَفْعِلُنْ مُسْتَفْعِلُنْ مُسْتَفْعِلُنْ مُسْتَفْعِلُنْ	مُسْتَفْعِلُنْ مُسْتَفْعِلُنْ مُسْتَفْعِلُنْ مُسْتَفْعِلُنْ

من از آن حُسن روزافزون که یوسف داشت دانستم	که عشق از پرده‌ی عصمت، برون آرد زلیخا را
من از آن حُسن نِ روزافزون که یوسف دا شت دانستم	که عشق از پر ده‌ی عصمت برون آرد زلیخا را
مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ	مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ

ای نام تو بهترین سر آغاز	بی نام تو نامه کی کنم باز؟
ای نام تو بهترین سر آغاز	بی نام تو نامه کی کنم باز
مَفْعُولُ مَفَاعِلُنْ فَعُولُنْ	مَفْعُولُ مَفَاعِلُنْ فَعُولُنْ

توجه داشته باشید در این روش باید بدون تقطیع هجایی و از راه شنیدن به مرز آوایی و وزن‌واژه‌ها برسیم.

به خوانش و تقطیع بیت زیر توجه کنید.

وقتی دل سودایی، می‌رفت بستان‌ها
بی‌خویشتم کردی، بوی گل و ریحان‌ها
وقتی این شعر را می‌خوانیم، در وهله اول متوجه مکثی میان هر مصراع می‌شویم. و هر مصراع را دو پاره می‌کنیم.

وقتی دل سودایی	می‌رفت به بستان‌ها	بی‌خویشتم کردی	بوی گل و ریحان‌ها
----------------	--------------------	----------------	-------------------

در مرحله دوم متوجه مکثی درون نیم‌مصراع‌ها می‌شویم.

وقتی د	ل سودایی	می‌رفت	به بستان‌ها	بی‌خویش	تم کردی	بوی گ	ل ریحان‌ها
--------	----------	--------	-------------	---------	---------	-------	------------

در هر دو روش اولین و اصلی‌ترین شرط، درست‌خواندن شعر است.

تمرین: ابیات زیر را به خط عروضی بنویسید و تقطیع هجایی کنید.

قبله هرکس به جایی قبله سعدی سرایت
 کاو نخواهد ماند بی شک وین بماند یادگاری
 یا مگس را پر ببندد یا عسل را سر بیوشد
 که تو انگشت‌نمایی و خلاق نگرانت
 زهرم از غالیه آید که بر اندام تو ساید
 دوست ما را و همه نعمت فردوس شما را
 کز عشق آن سرو روان گویی روانم می‌رود
 بر جای بدنامی چو من یک دم نکوکاری کند
 بر باد قلّاشی دهیم این شرک تقوا نام را
 یار تویی غار تویی خواجه نگهدار مرا
 راه شدی تا نبدی این همه گفتار مرا
 مفتعلن مفتعلن مفتعلن کشت مرا
 به خال هندویش بخشم سمرقند و بخارا را
 صبا را گو که بردارد زمانی برقع از رویت
 تو صبر از من توانی کرد و من صبر از تو نتوانم
 دری باشد که از رحمت به روی خلق بگشایی
 به نازی که لیلی به محمل نشیند
 مبادا غباری به محمل نشیند
 که مخصوص بادی به تأیید سرمد
 گر امید وصل باشد همچنان دشوار نیست
 قامت است آن یا قیامت عنبر است آن یا عبیر
 که به پیمانہ‌کشی شهره شدم روز الست
 پیرهن چاک و غزل‌خوان و صراحی در دست
 که گناه‌دگران بر تو نخواهند نوشت
 ورنه اندیشه این کار فراموشش باد
 این زمان سر به ره آرم چه حکایت باشد

۴۸ - هرکسی را دلربایی همچو ذره در هوایی
 ۴۹ - عمر سعدی گر سرآید در حدیث عشق شاید
 ۵۰ - هر که شیرینی فروشد مشتری بر وی بجوشد
 ۵۱ - نه من انگشت‌نمایم به هواداری کویت
 ۵۲ - رشکم از پیرهن آید که در آغوش تو خسبد
 ۵۳ - گر مخیر بکنندم به قیامت که چه خواهی
 ۵۴ - محمل بدار ای ساروان تندی مکن با کاروان
 ۵۵ - آن کیست کز روی کرم با ما وفاداری کند
 ۵۶ - برخیز تا یک سو نهیم این دلق ازرق‌فام را
 ۵۷ - یار مرا غار مرا عشق جگرخوار مرا
 ۵۸ - این تن اگر کم تندی راه دلم را زندی
 ۵۹ - رستم از این بیت و غزل ای شه و سلطان ازل
 ۶۰ - اگر آن ترک شیرازی به دست آرد دل ما را
 ۶۱ - تو گر خواهی که جاویدان جهان یک‌سر بیارایی
 ۶۲ - چنانست دوست می‌دارم که گر روزی فراق افتد
 ۶۳ - تو از هر در که باز آیی بدین خوبی و زیبایی
 ۶۴ - غمش در نهان‌خانه‌ی دل نشیند
 ۶۵ - به دنبال محمل سبک‌تر قدم زن
 ۶۶ - خردمند شاها رعیت پناها
 ۶۷ - ای که گفתי هیچ مشکل چون فراق یار نیست
 ۶۸ - فتنه ام بر زلف و بالای تو ای بدر منیر
 ۶۹ - مطلب طاعت و پیمان و صلاح از من مست
 ۷۰ - زلف آشفته و خوی کرده و خندان لب و مست
 ۷۱ - عیب زندان مکن ای زاهد پاکیزه‌سرشت
 ۷۲ - صوفی از باده به اندازه خورد نوشش باد
 ۷۳ - من که شب‌ها ره تقوا زده‌ام با دف و چنگ

هر کسی را دلربایی همچو ذره در هوایی														بیت ۴۸			
هر کسی را دلربایی همچو ذره در هوایی														خط عروضی مصرع اول			
هَـ	کَـ	سِی	رَا	دِل	رُ	بَا	یِی	هَم	چَـ	ذَر	رُ	ذَر	هَـ	وَ	یِی	هجاهای مصرع اول	
—	U	—	—	—	U	—	—	—	—	U	—	—	U	—	—	علامت هجایی مصرع اول	
																اختلاف هجاهای روبه‌روی هم	
—	U	U	—	—	U	—	—	—	—	U	—	—	U	—	—	علامت هجایی مصرع دوم	
قَب	لِ	یِ	هَـ	کَس	بِ	جَا	یِی	قَب	لِ	یِ	سَـ	دِی	سَـ	رَا	یَت	هجاهای مصرع دوم	
قَبِلِ یِ هَر کَس بَ جَا یِی قَب لِ یِ سَـ دِی سَـ رَا یَت														خط عروضی مصرع دوم			

عمر سعدی گر سرآید در حدیث عشق شاید														بیت ۴۹			
عَمْرِ سَعْدِی گَر سَر آید دَر حَدِیثِ عَشْقِ شَآید														خط عروضی مصرع اول			
عَم	رُ	سَـ	دِی	گَر	سَـ	رَا	یَد	دَر	حَـ	دِی	ثَـ	عِشَـ	قَـ	شَا	یَد	هجاهای مصرع اول	
—	U	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	U	—	—	علامت هجایی مصرع اول	
																اختلاف هجاهای روبه‌روی هم	
—	U	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	U	—	—	علامت هجایی مصرع دوم	
کُو	نَـ	خَا	هَدَـ	مَا	نَدَـ	بِی	شَک	وِیْن	بِ	مَا	نَدَـ	یَا	دِ	گَا	رِی	هجاهای مصرع دوم	
کُو نَخَا هَدَ مَانَدِ بِی شَک وِیْن بَمَانَدِ یَا دِ گَا رِی														خط عروضی مصرع دوم			

هر که شیرینی فروشد مشتری بر وی بجوشد														بیت ۵۰			
هَر کِ شِیرِیْنِی فُرُوشَد مُشْتَرِی بَر وِی بَ جُوشَد														خط عروضی مصرع اول			
هَـ	کَـ	شِی	رِی	نِی	فَـ	رُ	شَد	مُش	تَـ	رِی	بَر	وِی	بِ	جُ	شَد	هجاهای مصرع اول	
—	U	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	U	—	—	علامت هجایی مصرع اول	
																اختلاف هجاهای روبه‌روی هم	
—	U	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	U	—	—	علامت هجایی مصرع دوم	
یَا	مَـ	گَس	رَا	پَر	بِ	بِنَـ	دَدَـ	یَا	عَـ	سَلَـ	رَا	دَر	بِ	پُ	شَد	هجاهای مصرع دوم	
یَا مَگَس رَا پَر بِنَدَدَ یَا عَسَل رَا سَر پِوشَد														خط عروضی مصرع دوم			

نه من انگشت نمایم به هواداری رویت														بیت ۵۱				
نَ مَن اَنگِشْت نَمَایَم بَ هُوَادَارِی رُویْت														خط عروضی مصرع اول				
نَـ	مَـ	نَـ	نَـ	گِشَد	تَـ	نَـ	مَا	یَم	بِ	هَـ	وَ	دَا	رِی	یِ	کُو	یَت	هجاهای مصرع اول	
—	U	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	علامت هجایی مصرع اول	
																	اختلاف هجاهای روبه‌روی هم	
—	U	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	علامت هجایی مصرع دوم	
کِ	تَـ	اَن	گِشَد	تَـ	نَـ	مَا	یِی	یِ	خَـ	لَا	یَقِ	نَـ	گِ	رَا	نَت	هجاهای مصرع دوم		
کِ تَ اَنگِشْت نَمَایِی یِ خَلَا یَقِ نِگَرَانَت														خط عروضی مصرع دوم				

رشکم از پیرهن آید که در آغوش تو خسبد														بیت ۵۲			
رَشکَم از پِیرِهَن آید کِ دَر آغُوش تُو خُسبَد														خط عروضی مصرع اول			
رَش	کَـ	مَز	پِی	رَ	هَـ	نَا	یَد	کِ	دَـ	رَا	غُ	شِ	تَـ	خُس	بَد	هجاهای مصرع اول	
—	U	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	علامت هجایی مصرع اول	
																اختلاف هجاهای روبه‌روی هم	
—	U	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	علامت هجایی مصرع دوم	
زَه	رَـ	مَز	غَا	لِ	یِ	آ	یَد	کِ	بَـ	رَنَـ	دَا	مَـ	تَـ	سَا	یَد	هجاهای مصرع دوم	
زَه رَمَز غَا لِ یِ آ یَد کِ بَر نَدَام تَ سَا یَد														خط عروضی مصرع دوم			

گر مخیر بکنندم به قیامت که چه خواهی دوست ما را و همه نعمت فردوس شما را														بیت ۵۳			
گَر مَخِیْر بَکْنَنْدَم بِ قِیَاْمَتِ کِ چِ خَا هِی														خط عروضی مصرع اول			
گر	مُ	خَیْ	بِر	بُ	کُ	نَنْ	دَم	بِ	قِ	یَا	مَت	کِ	چِ	خَا	هَی	هجاهای مصرع اول	
—	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	علامت هجایی مصرع اول	
														اختلاف هجاهای روبه‌روی هم			
—	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	علامت هجایی مصرع دوم	
دو	سَ	مَ	ا	رَ	وُ	هَ	مَ	یَ	مَ	تَ	فَیْرَ	دُو	سَ	شُ	مَ	رَا	هجاهای مصرع دوم
دوست ما را و همه نعمت فردوس شما را														خط عروضی مصرع دوم			

محمل بدار ای ساروان تندی مکن با کاروان کز عشق آن سرو روان گویی روانم می‌رود														بیت ۵۴		
مَحْمَلِ بَدَا رِی سَا رَوَا نَ تَنْدِی مَکْن بَا کَا رَوَا نِ														خط عروضی مصرع اول		
مَح	مِل	بِ	دَا	رِی	سَا	رِ	وَا نِ	تَنْ	دِی	مَ	کُن	بَا	کَا	رِ	وَا نِ	هجاهای مصرع اول
—	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	علامت هجایی مصرع اول
														اختلاف هجاهای روبه‌روی هم		
—	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	علامت هجایی مصرع دوم
کَز	عِشْ	قِ	آ	سَ رِ	وِ	رَ	وَا	گَ وِ	یِی	رَ	وَا	نَم	مِی	رَ	وَدِ	هجاهای مصرع دوم
کز عشق آن سرو روان گویی روانم می‌رود														خط عروضی مصرع دوم		

آن کیست کز روی کرم با ما وفاداری کند بر جای بدنامی چون یک دم نکوکاری کند														بیت ۵۵		
آ کِیْسْت کَ ز رَوی کَرَم بَا مَا وَفَا دَا رِی کُنْد														خط عروضی مصرع اول		
آ	کِی	سَ	تَ	کَ ز	رَوی	کَ	رَم	بَا	مَا	وَ	فَا	دَا	رِی	کُ	نَ دِ	هجاهای مصرع اول
—	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	علامت هجایی مصرع اول
														اختلاف هجاهای روبه‌روی هم		
—	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	علامت هجایی مصرع دوم
بِر	جَا	یِ	بَدَ	نَا	مِی	چُ	مَنْ	پِکِ	دَم	نِ	کَ وِ	کَا	رِی	کُ	نَ دِ	هجاهای مصرع دوم
برجای بدنامی چو من یک دم نکوکاری کند														خط عروضی مصرع دوم		

برخیز تا یک سو نهیم این دل ازرق فام را بر باد قلاشی دهیم این شرک تقوا نام را														بیت ۵۶		
بَر خِیْز تَا یَک سَو نَهِیْم اِیْن دَلَقِ اَز رَقِ فَا مِ رَا														خط عروضی مصرع اول		
بِر	خَیْ	ز	تَا	یَک	سَو	نَ	هَیْ	مِیْن	دَل	قِ	اَز	رَقِ	فَا	مِ	رَا	هجاهای مصرع اول
—	—	U	—	—	—	U	—	—	—	—	—	—	—	U	—	راعلامت هجایی مصرع اول
														اختلاف هجاهای روبه‌روی هم		
—	—	U	—	—	—	U	—	—	—	—	—	—	—	U	—	علامت هجایی مصرع دوم
بِر	بَا	دِ	قَل	لَا	شِی	دَ	هَی	مِیْن	شِرْ	کِ	تَقِ	وَا	نَا	مِ	رَا	هجاهای مصرع دوم
بر باد قلاشی دهیم شرک تقوا نام را														خط عروضی مصرع دوم		

یار مرا غار مرا عشق جگر خوار مرا یار تویی غار تویی خواجه نگه دار مرا														بیت ۵۷		
یَا رَ مَرَا غَا رَا مَرَا عِشْقِ جَکَرِ خَا رَا مَرَا														خط عروضی مصرع اول		
یَا	رَ	مَ	رَا	غَا	رَا	مَ	رَا	عِشْ	قِ	جَ	گَر	خَا	رَا	مَ	رَا	هجاهای مصرع اول
—	—	U	—	—	—	U	—	—	—	—	—	—	—	U	—	علامت هجایی مصرع اول
														اختلاف هجاهای روبه‌روی هم		
—	—	U	—	—	—	U	—	—	—	—	—	—	—	U	—	علامت هجایی مصرع دوم
یَا	رَ	تُ	یِی	غَا	رَ	تُ	یِی	خَا	جَ	نِ	گَ هَ	دَا	رَا	مَ	رَا	هجاهای مصرع دوم
یار تویی غارت یی خاج نگه دار مرا														خط عروضی مصرع دوم		

بیت ۵۸	این تن اگر کم تندی راه دلم را زندی راه شدی تا نبدی این همه گفتار مرا
خط عروضی مصراع اول	ای نَنگَر کم تندی راه دَلِم را زَنَدی
هجاهای مصراع اول	این تَن نَ گَر گَم تَن دِی را هَ دِ نَ دِی
علامت هجایی مصراع اول	— U U — — U U — — U U —
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم	
علامت هجایی مصراع دوم	— U U — — U U — — U U —
هجاهای مصراع دوم	را هَ شُ دِی تا نَ بُ دِی این هَد مَ مَ رَ مَ رَ
خط عروضی مصراع دوم	راه شدی تا نبدی ای هَم گفتار مَرا

بیت ۵۹	رستم از این بیت و غزل ای شه و سلطان ازل مفتعلن مفتعلن مفتعلن مفتعلن کشت مرا
خط عروضی مصراع اول	رَسْتَمَزین بیتْ غَزَلِ ای شَه سُلْطَانِ اَزَلْ
هجاهای مصراع اول	رَس تَ مَ زین پی تَ غَ زَلِ ای شَه سُلْ طَا نِ ءَ زَلْ
علامت هجایی مصراع اول	— U U — — U U — — U U — — U U —
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم	
علامت هجایی مصراع دوم	— U U — — U U — — U U — — U U —
هجاهای مصراع دوم	مُف تَ عَ لَن مَف تَ عَ لَن مَف تَ عَ لَن مَف تَ عَ لَن مَف تَ عَ لَن مَف تَ عَ لَن
خط عروضی مصراع دوم	مُفْتَعِلِن مُفْتَعِلِن مُفْتَعِلِن مُفْتَعِلِن کُشت مَرا

بیت ۶۰	اگر آن ترک شیرازی به دست آرد دل ما را به خال هندویش بخشم سمرقند و بخارا را
خط عروضی مصراع اول	اَگَر آن تَرک شِیرازی بَ دَسْت آرد دِل ما را
هجاهای مصراع اول	ءَ گَر آن تَر کِ شِی را زِی پَ دَس تا رَدِ دِ لِ ما را
علامت هجایی مصراع اول	— U — — U — — U — — U — — U — — U —
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم	
علامت هجایی مصراع دوم	— U — — U — — U — — U — — U — — U —
هجاهای مصراع دوم	بِ خَا لِ هِن دُ وِیش بَخْشَم سَمَرَقَنْدُ بَخارا را
خط عروضی مصراع دوم	بِ خَا لِ هِن دُ وِیش بَخْشَم سَمَرَقَنْدُ بَخارا را

بیت ۶۱	تو گر خواهی که جاویدان جهان یکسر بیاری صبا را گو که بردارد زمانی برقع از رویت
خط عروضی مصراع اول	تَ گَر خَاهی کِ جاوِیدانِ جَهانِ یَکسَر بَیاری
هجاهای مصراع اول	تَ گَر خَا هِی کِ جا وِی دان چَ ها پِک سَر بِ یا را یِی
علامت هجایی مصراع اول	— U — — U — — U — — U — — U — — U —
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم	
علامت هجایی مصراع دوم	— U — — U — — U — — U — — U — — U —
هجاهای مصراع دوم	صَ با را گو کِ بَرِ دا رَدِ زَ ما نی بَرِ قَ عَزِ رو یَت
خط عروضی مصراع دوم	صَبا را گو کِ بَر دَا رَدِ زَمَانِی بَر قَعَز رُویَت

بیت ۶۲	چنانست دوست می‌دارم که گر روزی فراق افتد تو صبر از من توانی کرد و من صبر از تو نتوانم
خط عروضی مصراع اول	چَنانست دُوست می‌دارم کِ گَر روزِی فِراقِ افتد
هجاهای مصراع اول	چَ ناست دُوست می دا رَدِ مِ ست دُ وِ نَت نا چَ تَد
علامت هجایی مصراع اول	— U — — U — — U — — U — — U — — U —
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم	
علامت هجایی مصراع دوم	— U — — U — — U — — U — — U — — U —
هجاهای مصراع دوم	تَ صَب رَز مَن تَ وا نی گَر دُ مَن صَب رَز تَ نَت وا نَم
خط عروضی مصراع دوم	تَ صَب رَز مَن تَ وَا نِی گَر دُ مَن صَب رَز تَ نَت وَا نَم

تواز هر در که باز آیی بدین خوبی و زیبایی													بیت ۶۳																
دری باشد که از رحمت به روی خلق بگشایی													خط عروضی مصرع اول																
تُ اَز هَر دَر کِ بازایی بَدیـ خُوبی یُ زیبایی													هجاهای مصرع اول																
تُ	اَز	هَر	دَر	کِ	بَا	زَا	یِی	بِ	دِیْن	خُو	بِی	یُ	زِی	بَا	یِی	U	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم													علامت هجایی مصرع اول																
علامت هجایی مصرع دوم													اختلاف هجاهای روبه‌روی هم																
هجاهای مصرع دوم													علامت هجایی مصرع دوم																
دَ رِی بَا شَد کِ اَز رَح مَت بِ رَو یِ خَلَق بَگ شایِی													خط عروضی مصرع دوم																
دَری باشَد کِ اَز رَحْمَتِ بِ رَوِی خَلَقِ بَگشایِی																													

غمش در نهان خانه‌ی دل نشیند													بیت ۶۴														
به نازی که لیلی به محمل نشیند													خط عروضی مصرع اول														
غَمَش دَر نَها یِ دِل نِشِیْنَد													هجاهای مصرع اول														
غَم	ش	دَر	نَ	ها	خَا	نَ	یِ	دِل	نَ	شِی	نَد	U	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم													علامت هجایی مصرع اول														
علامت هجایی مصرع دوم													اختلاف هجاهای روبه‌روی هم														
هجاهای مصرع دوم													علامت هجایی مصرع دوم														
بِ نَازی کِ لَیْلِی بِ مَحْمِلِ نِشِیْنَد													خط عروضی مصرع دوم														
بِ نَازی کِ لَیْلِی بِ مَحْمِلِ نِشِیْنَد																											

به دنبال محمل سبک‌تر قدم زن													بیت ۶۵														
مبادا غباری به محمل نشیند													خط عروضی مصرع اول														
بِ دُنْبالِ مَحْمِلِ سَبْکِ تَر قَدَمِ زَن													هجاهای مصرع اول														
بِ	دُنْ	بَا	لِ	مَح	مِل	سَ	بُک	تَر	قَ	دَم	زَن	U	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم													علامت هجایی مصرع اول														
علامت هجایی مصرع دوم													اختلاف هجاهای روبه‌روی هم														
هجاهای مصرع دوم													علامت هجایی مصرع دوم														
مَ بَا دَا غُ بَا رِی بِ مَح مِل نَ شِی نَد													خط عروضی مصرع دوم														
مَبادَا غُبارِی بِ مَحْمِلِ نِشِیْنَد																											

خردمند شاها رعیت پناها													بیت ۶۶														
که مخصوص بادی به تأیید سرمد													خط عروضی مصرع اول														
خِرْدَمَنْد شَها رَعِیْتِ پَناها													هجاهای مصرع اول														
خِ	رَد	مَد	د	شا	ها	رَ	عی	یْت	پَ	نا	ها	U	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم													علامت هجایی مصرع اول														
علامت هجایی مصرع دوم													اختلاف هجاهای روبه‌روی هم														
هجاهای مصرع دوم													علامت هجایی مصرع دوم														
کِ مَخْ صو ص با دی بِ تَأْ یِی دِ سَر مَد													خط عروضی مصرع دوم														
کِ مَخْ صو ص با دی بِ تَأْ یِی دِ سَر مَد																											

ای که گفتی هیچ مشکل چون فراق بار نیست													بیت ۶۷															
گر امید وصل باشد همچنان دشوار نیست													خط عروضی مصرع اول															
اِی کِ گُفتی هِیچ مُشْکِل چُن فِراقِ یار نِیست													هجاهای مصرع اول															
اِی	کِ	گُف	تِی	هَی	چ	مُشْ	کِل	چُن	فِ	رَا	قِ	یا	ر	نِیست	U	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم													علامت هجایی مصرع اول															
علامت هجایی مصرع دوم													اختلاف هجاهای روبه‌روی هم															
هجاهای مصرع دوم													علامت هجایی مصرع دوم															
گَر اَمِیدِ وَصَلِ باشَد هَمْچُنانِ دُشْوار نِیست													خط عروضی مصرع دوم															
گَر اَمِیدِ وَصَلِ باشَد هَمْچُنانِ دُشْوار نِیست																												

فتنه ام بر زلف و بالای تو ای بدر منیر														بیت ۶۸	
قامت است آن یا قیامت عنبر است آن یا عبیر														خط عروضی مصرع اول	
فَتْنَمُ بَرِ زَلْفُ بَالَايِ تِ اِي بَدْرٍ مُنِيرِ														هجاهای مصرع اول	
فِت	ن	اَم	بِر	زَل	ف	بَا	لَا	ي	ت	اِي	بَد	ر	م	نِير	علامت هجایی مصرع اول
—	U	—	—	—	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	اختلاف هجاهای روبه‌روی هم
—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	علامت هجایی مصرع دوم
قَا	م	تَس	تَان	يَا	قِي	يَا	مَت	عَن	ب	رَس	تَان	يَا	ع	بِير	هجاهای مصرع دوم
قَامَتَسْتَانِ يَا قِيَامَتِ عَنبَرَسْتَانِ يَا عَبِيرِ														خط عروضی مصرع دوم	

مطلب طاعت و پیمان و صلاح از من مست														بیت ۶۹	
که به پیمان‌کشی شهره شدم روز الست														خط عروضی مصرع اول	
مَطْلَبُ طَاعَتِ پِيْمَانِ صَلَاحِزْ مَنِ مَسْتِ														هجاهای مصرع اول	
م	ط	كَب	طَا	ع	ت	پِي	مَا	ن	ص	لَا	حَز	م	ن	مَسْت	علامت هجایی مصرع اول
U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	اختلاف هجاهای روبه‌روی هم
U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	علامت هجایی مصرع دوم
ك	ب	پِي	مَا	ن	ك	شِي	شِه	ر	ش	دَم	رُو	ز	ء	لَسْت	هجاهای مصرع دوم
كِ بِ پِيْمَانِ كَشِي شَهْرِ شَدَمِ رُوژِ اَلَسْتِ														خط عروضی مصرع دوم	

زلف آشفته و خوی کرده و خندان لب و مست														بیت ۷۰	
بیرهن چاک و غزل‌خوان و صراحی در دست														خط عروضی مصرع اول	
زَلْفِ اَشْفَتِ وَ خُوِي كَرْدِه وَ خَنْدَانِ لَبِ مَسْتِ														هجاهای مصرع اول	
زَل	ف	آ	شَف	ت	و	خِي	كِر	د	و	خَن	دَان	ل	ب	مَسْت	علامت هجایی مصرع اول
—	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	اختلاف هجاهای روبه‌روی هم
—	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	—	—	—	علامت هجایی مصرع دوم
پِي	ر	هَن	چَا	كُ	غ	زَل	خَا	ن	ص	رَا	حِي	دَر	دَسْت	دَسْت	هجاهای مصرع دوم
پِيْرَهَن چَاكُ غَزَلْخَاَنُ صُرَاحِي دَرِ دَسْتِ														خط عروضی مصرع دوم	

عیب رندان مکن ای زاهد پاکیزه‌سرشت														بیت ۷۱	
که گناه دگران بر تو نخواهند نوشت														خط عروضی مصرع اول	
عِيْبِ رِنْدَانِ مَكْنِي زَاهِدِ پَاكِيْزِ سِرْشْتِ														هجاهای مصرع اول	
عِي	ب	رِن	دَا	م	ك	نِي	زَا	هَد	د	پَا	كِي	ز	س	رِشْت	علامت هجایی مصرع اول
—	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	اختلاف هجاهای روبه‌روی هم
U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	علامت هجایی مصرع دوم
ك	ب	رِن	دَا	م	ك	نِي	زَا	هَد	د	پَا	كِي	ز	س	رِشْت	هجاهای مصرع دوم
كِ گِنَاهِ دِگَرَا بَرْتُ نَخَاَهَنْدِ نُوِشْتِ														خط عروضی مصرع دوم	

صوفی ار باده به اندازه خورد نوشش باد														بیت ۷۲	
ور نه اندیشه این کار فراموشش باد														خط عروضی مصرع اول	
صُوفِي ار بَادِه بَه اَنْدَازِه خُورْدِ نُوِشْشِ بَادِ														هجاهای مصرع اول	
صُو	فِي	بِر	بَا	د	ب	اَن	دَا	ز	خ	رَد	نُو	شْش	*	بَاد	علامت هجایی مصرع اول
—	—	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	—	—	—	اختلاف هجاهای روبه‌روی هم
—	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	—	—	—	علامت هجایی مصرع دوم
وَر	ن	اَن	دِي	شِ	ي	اَيْن	كَا	ر	فَا	رَا	مُو	شْش	*	بَاد	هجاهای مصرع دوم
وَر نَ اَنْدِيْشِ ي اَيْنِ كَارِ فَرَاْمُوْشْشِ بَادِ														خط عروضی مصرع دوم	

من که شب ها ره تقوا زدهام با دف و چنگ											این زمان سر به ره آرم چه حکایت باشد			بیت ۷۳
مَنْ كِ شَبِّهَارَهْ تَقْوَا زِدِ اَمِّ بَا دَفْ چَنگ														خط عروضی مصراع اول
مَنْ	كِ	شَبِّ	هَارَهْ	تَقْوَا	زِدِ	اَمِّ	بَا	دَفْ	چَنگ					هجاهای مصراع اول
—	U	—	—	U	U	—	—	U	—	—	—	—	—	علامت هجایی مصراع اول
														اختلاف هجاهای روبه روی هم
—	—	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	—	علامت هجایی مصراع دوم
این	زَ	مَ	سَرِّ	بِ	رَ	هَ	رَمِّ	چَ	حَ	کَا	یَتِّ	بَا	شَدِّ	هجاهای مصراع دوم
این زمان سَرِّ بَ رَهَارَمِّ چَ حِکَایَتِّ بَاشَدِّ														خط عروضی مصراع دوم

تست فصل هفتم

تست ۱ کدام مصراع از چهار با مفاعیلین ساخته شده است؟

- (۱) نساخت داروی دردم نکرده مرهم ریشم
 (۲) چه کردهام به جای تو که نیستم سزای تو
 (۳) چو گل سلطان بستان است بلبل سر مپیچ از گل
 (۴) گه سینه ز غم سوختم و دوست نبخشید

تست ۲ کدام مصراع بر وزن «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن» نیست؟

- (۱) روضه‌ی دولت به اقبال تو رضوان یافته
 (۲) نظری کردم و در عین عذاب افتادم
 (۳) کز تو می‌باید روان بی‌قرار ما قرار
 (۴) می‌فروزی آتش و خود کور می‌گردی به نور

تست ۳ در کدام مصراع وزن‌واژه محذوف وجود دارد؟

- (۱) به تنهایی اندر صفایی نبینی
 (۲) بالای سرو بوستان رویی ندارد دلستان
 (۳) گر تو شیرین زمانی نظری نیز به من کن
 (۴) همه‌کس را مگر این ذوق نباشد که مرا

تست ۴ مرز وزن‌واژه کدام گزینه به‌درستی نشان داده نشده است؟

چند گویی که چه چاره است و مرا درمان چیست				(۱)
چند گویی	که چه چارَس	تُ مرا در	مان چیست	
تو دیدی هیچ عاشق را که سیری بود از این سودا				(۲)
تو دیدی هیب	چ عاشق را	که سیری بو	د از این سودا	
آتش زدی در عود ما نظاره کن در دود ما				(۳)
آتش زدی در	عود ما نظ	ظاره کن در	دود ما	
همچو آبی دیده در خود آفتاب و ماه را				(۴)
همچو آبی	دیده در خود	آفتابُ	ماه را	

تست ۵ وزن عروضی کدام موارد به درستی آمده است؟

- (الف) ز پی تو هیچ مرغی نبرد که پر نریزد
 (ب) دلَم آن جاست که آن دلبر عیار آن جاست
 (ج) گلدسته‌ی امیدی بر جان عاشقان نه
 (د) داد خود را هم ستانم گر کند وصلت حمایت
- فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن
 فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن
 مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن
 فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن

- (۱) الف - ب (۲) ج - د (۳) الف - د (۴) ب - ج

تت ۶ وزن عروضی چند مورد به درستی نوشته شده است؟

- (الف) وفا را به عهد تو دشمن گرفتم (فعلون فعلون فعلون فعل)
 (ب) تو کجا نالی از این خار که در پای من است (فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن)
 (ج) روز فراق دوستان شبخوش بگفتم خواب را (مفتعلن مفتعلن مفتعلن مفتعلن)
 (د) چه ریحان دسته بندم چون جهان گلزار می بینیم (مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن)
 (ه) خشم است و آتش نگاهش یعنی تماشا ندارد (مستفعلن فاعلاتن مستفعلن فاعلاتن)
- (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

تت ۷ کدام موارد هم وزن می باشند؟

- (الف) می چکد شیر هنوز از لب همچون شکرش
 (ب) من همان روز بگفتم که طریق تو گرفتم
 (ج) گسر ملالی بود بود و گر خطایی رفت رفت
 (د) آخر ای بی رحم باری از دلی بر گیر باری
 (ه) بیم آن است دمادم که چو پروانه بسوزم
- (۱) الف - ج (۲) ب - ه (۳) ب - ج (۴) د - ه

تت ۸ کدام مصراع بر وزن «مفتعلن مفتعلن مفتعلن مفتعلن» نیست؟

- (۱) دانه تویی دام تویی باده تویی جام تویی
 (۲) من نه حریف رفتنم از در تو به هر دری
 (۳) جسم مرا خاک کنی خاک مرا پاک کنی
 (۴) هر که درآمد به صفش یافت امان از طلبش

تت ۹ کدام بیت از نظر وزنی با ابیات دیگر یکسان نیست؟

- (۱) من از کجا پند از کجا باده بگردان ساقیا
 (۲) تو جان جان افزایشی آخر ز شهر ماستی
 (۳) سجده کنم پیشکش آن قد و بالا چه شود؟
 (۴) ای رشک ماه و مشتری با ماه و پنهان چون پری
- آن جام جان افزای را برریز بر جان ساقیا
 دل بر غریبی می نهی این کی بود شرط وفا
 دیده کنم پیشکش آن دل بینا چه شود؟
 خوش خوش کشانم می بری آخر نگویی تا کجا

تت ۱۰ چند مورد از مصراع های زیر از چهار وزن واژه دقیقاً یکسان تشکیل شده اند؟

- (الف) تو برا بر آسمانها بگشای طریق و مذهب
 (ب) بز آن پرده نوشین که من از نوش تو مستم
 (ج) ای وصال یک زمان بوده فراقست سالها
 (د) از من مدان چون باغ اگر هر دم به رنگی می شوم
 (ه) از رفیقان سبک پرواز تنها مانده ایم
- (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

تت ۱۱ مرز وزن واژه کدام گزینه به درستی نشان داده نشده است؟

مرا چشمی است خون افشان ز دست آن کمان ابرو				(۱)
مرا چشمی	ست خون افشان	ز دست آن	کمان ابرو	(۲)
پادشاهها لشکر توفیق همراه توآند				(۳)
پادشاهار	لشکر تو	فیق هم	راه توآند	(۴)
تا بو که یابم آگهی از سایه ی سرو سهی				(۱)
تا بو که یا	بم آگهی	از سایه ی	سرو سهی	(۲)
می صوفی افکن کجا می فروشند				(۳)
می صو	فی افکن	کجا می	فروشند	(۴)

ت۱۲ کدام موارد رکن محذوف ندارند؟

- (الف) به کار است آتش به شبها و روزان
(ب) به آب خرابات غسلم دهید
(ج) گل خندان که نخندد چه کند
(د) رقص کنان شعله زنان بر چه از این کار و مترس
(ه) تو چه پرسی که تو چونی و چگونه است دلت

(۱) الف - د (۲) ب - ج (۳) د - ه (۴) ب - ه

ت۱۳ وزن واژه های کدام گزینه به درستی نشان داده نشده است؟

گر نه چون پروانه سوزی شمع را روشن چه بینی	(۱)		
گر نه چون پر	وانه سوزی	شمع را رو	شن چه بینی
صبر بسیار مفرمای من سوخته را	(۲)		
صبر بسیا	ر مفرما	ی من سوخ	ته را
ناقوس دیر عشق را بر چرخ بوقلمون زنیم	(۳)		
ناقوس دی	ر عشق را	بر چرخ بو	قلمون زنیم
چرا هر لحظه چون طاووس در بوم دگر گردی	(۴)		
چرا هر لح	ظه چون طاوو	س در بوم	دگر گردی

ت۱۴ مرز وزن واژه کدام گزینه به درستی نشان داده نشده است؟

چون سرو سهی می کرد از قدّ تو آزادی	(۱)		
چون سرو	سهی می کرد	از قدّ	تو آزادی
حاصل من ز خطّ تو نیست به جز سیه‌رخی	(۲)		
حاصل من	ز خطّ تو	نیست به جز	سیه‌رخی
زلف تو هندو نژاد لعل تو کوثر نهاد	(۳)		
زلف تو هن	دو نژاد	لعل تو کو	ثر نهاد
که آنجا که قاف عشق است دستان چه کار دارد	(۴)		
که آنجا که	قاف عشقس	ت دستان چه	کار دارد

ت۱۵ در کدام گزینه وزن واژه محذوف وجود ندارد؟

- (۱) از سر جان در گذر گر وصل جانان بایدت
(۲) جان ز دست تو ندانم به چه بازی ببرم
(۳) چنین گفت که این تاج و تخت و کلاه
(۴) صبا گو باد می‌پیما و سوسن گو زبان می‌کش

ت۱۶ تمام مصراع‌ها وزن واژه‌های یکسانی دارند به جز گزینه‌ی

- (۱) نتوان در خم ابروی سیاهش پیوست
(۲) گفتمش روی تو صد ره ز قمر خوبتر است
(۳) چند سوزیم من و شمع شبستان همه شب
(۴) گر تو انکار کنی مستی ما را چه عجب

ت۱۷) مرز آوایی کدام مصراع به درستی مشخص نشده است؟

طالع اگر مدد دهد دامنش آورم به کف				(۱)
طالعگر	مدد دهد	دامنشا	ورم به کف	
ای نسیم سحر آرامگه یار کجاست				(۲)
ای نسیم	سحرارا	م گه یار	کجاست	
دیدم نگار نازنین بر تخت زر در خواب خوش				(۳)
دیدم نگا	ر نازنین	بر تخت زر	در خواب خوش	
پیام دوست شنیدن سعادت است و سلامت				(۴)
پیام دو	ست شنیدن	سعادتس	ت و سلامت	

ت۱۸) کدام بیت با اوزان دیگر هم وزن نیست؟

- (۱) بدین گونه هرگز نیفتادم ار چه
(۲) فروماندگان را به رحمت قریب
(۳) جهان سوز و بی رحمت و خیره کش
(۴) گر از نیستی دیگری شد هلاک
- در این شیوه صد بار دیگر فتادم
تضرع کنان را به دعوت مجیب
ز تلخیش روی جهانی ترش
مرا هست بط را ز طوفان چه باک

ت۱۹) وزن کدام بیت با مصراع «آتشی بر سرم از داغ جدایی می رفت» یکسان است؟

- (۱) چو گوی در همه عالم به جان بگردیدم
(۲) عقل را با عشق خوبان طاقت سر پنجه نیست
(۳) آن بت چین و ختا را آن نگار بی وفا را
(۴) از تو با مصلحت خویش نمی پردازم
- ز دست عشقش و چوگان هنوز در پی گوشت
با قضای آسمانی برنتابد جهد مرد
گو بکن باری خدا را جانب یاری رعایت
همچو پروانه که می سوزم و در پروازم

ت۲۰) مرز پایه های آوایی در کدام گزینه به درستی مشخص نشده است؟

روزه یک سو شد و عید آمد و دلها برخواست				(۱)
روزه یک سو	شد و عید آ	کد و دلها	برخواست	
گوهر هر کس از این لعل توانی دانست				(۲)
گوهر هر	کس از این لعل	ل توانی	دانست	
از کران تا به کران لشکر ظلم است ولی				(۳)
از کران تا	به کران لش	کر ظلمست	ولی	
چه کنم با دل مجروح که مرهم با اوست				(۴)
چه کنم با	دل مجروح	ح که مرهم	با اوست	

ت۲۱) در علامت هجاهای کدام گزینه، چهار بار الگوی هجایی « — U — — » تکرار شده است؟

- (۱) به کوی میکده هر سالکی که ره دانست
(۲) همه عالم گواه عصمت اوست
(۳) هر چه بودم منتظر آخر نیامد در کنارم
(۴) تا به کی اقم و تا چند به پا برخیزم

ت۲۲) وزن و پایه آوایی کدام گزینه با مصراع «روشن ندارد خانه را، قندیل ناآویخته» یکسان است؟

- (۱) ای که ز دیده غایبی در دل ما نشسته ای
(۲) ای عاشقان ای عاشقان پیمانہ را گم کرده ام
(۳) تا دل من روبه قناعت نهاد
(۴) دل پی دلدار رفت دیده چو آن حال دید
- حسن تو جلوه می کند و این همه پرده بسته ای
زان می که در پیمانها اندر نگنجد خورده ام
ملک جهان را به جهان باز داد
اشک به دندان گرفت دامن و در پی دوید

بیت ۲۳ تقطیع هجایی کدام مصراع مطابق الگوی هجایی زیر است؟

« — — U — U — — // — — U — U — — »

- ۲) گرقاب قوس خواهی، دل راست کن چو تیری
۴) ای صوفیان عشق بدرید خرقرهها

- ۱) مرغان آبی را چه غم، تا غم خورد مرغ هوا
۳) یک شمع از این مجلس، صد شمع بگیراند

بیت ۲۴ وزن واژه بیت زیر کدام است؟

او سرسپرده می خواست، من دل سپرده بودم»

- ۲) مُفْتَعِلُنْ فَاعِلُنْ مُفْتَعِلُنْ فَاعِلُنْ
۴) مُفْتَعِلُنْ مَفَاعِلُنْ مُفْتَعِلُنْ مَفَاعِلُنْ

«یک عمر دور و تنها، تنها به جرم این که»

- ۱) مَفْعُولُ مَفَاعِلُنْ مَفْعُولُ مَفَاعِلُنْ
۳) مَفْعُولُ فَاعِلَاتُنْ مَفْعُولُ فَاعِلَاتُنْ

بیت ۲۵ وزن کدام بیت متفاوت است؟

- وان چه تیر است که در جوشن جان می گذرد
ترسم از تنهایی احوالم به رسوایی کشد
راحت جان و شفای دل بیمار آنجاست
سروران بر در سودای تو خاک قدمند

- ۱) کیست آن فتنه که با تیر و کمان می گذرد
۲) تا کی ای دلبر دل من بار تنهایی کشد
۳) خرم آن بقعه که آرامگه یار آنجاست
۴) دلبرا پیش وجودت همه خوبان عدمند



برای خرید نسخه چاپی یا تدریس ویدئویی این جزوه به سایت و یا کانال تلگرامی «آموزشگاه مجازی احمدی» مراجعه کنید.

برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد این جزوات و پکیج‌ها به شماره ۰۹۱۲۳۷۰۸۴۷۶ در تلگرام یا واتساپ و یا به صورت SMS پیام بدهید.

Ahmadi63amoozesh.com
[@ahmadi63amoozesh](https://www.instagram.com/ahmadi63amoozesh)

فصل هشتم

اوزان همسان و ناهمسان و وزن شعر نو

در فصول گذشته آموختیم که ارکان عروضی یا پایه‌های آوایی یک مصراع، به دو روش سمعی و دسته‌بندی هجاها به دست می‌آید. و همچنین دیدیم بر این مینا ۳ نوع وزن حاصل می‌شود: **اوزان همسان تک پایه‌ای، اوزان همسان دولختی (دوری) و اوزان ناهمسان.** و همچنین وزن ۹ بیت را بررسی کردیم و به دو روش فوق به دست آوردیم. در این فصل، **تمام اوزانی** که در هر یک از ۳ نوع وزن فوق وجود دارند، معرفی می‌شوند. (در این فصل پس از تمام مراحل؛ از جمله: درست خواندن شعر، نوشتن به خط عروضی، تقطیع هجایی، علامت‌گذاری هجایی، به دست آوردن پایه‌های آوایی و اعمال اختیارات شاعری، وزن شعر را از نظر **همسان و ناهمسان بودن** بررسی می‌کنیم).

الف - اوزان همسان تک پایه‌ای

ابیاتی هستند که تمام ارکان عروضی آن‌ها از یک رکن ساخته شده باشد. در اوزان همسان ممکن است یک هجا از آخرین رکن، حذف شده و رکن آخر به صورت مَحذوف آمده باشد.

ارکانی که وزن همسان می‌سازند و رکن مَحذوف آن‌ها را در جدول زیر مشاهده می‌فرمائید.

۱	فاعِلَاتِن	— — U —	فاعِلِن	— U —
۲	فَعَلَاتِن	— — U U	فَعِلِن	— U U
۳	مُسْتَفَعِلِن	— U — —		
۴	مُفْتَعِلِن	— U U —		
۵	مَفَاعِلِن	— — — U	فَعولِن	— — U
۶	فَعولِن	— — U	فَعَل	— U

توجه: رکن مُسْتَفَعِلِن و مُفْتَعِلِن، مَحذوف ندارند.

توجه: دقت داشته باشید یک «فعولن» هست که حالت محذوف «مفاعیلن» است و یک فعولن است که از ارکان اصلی است (مورد ۶).

۱	هر که چیزی دوست دارد جان و دل بر وی گمارد	فَاعِلَاتْنِ فَاعِلَاتْنِ فَاعِلَاتْنِ فَاعِلَاتْنِ
۲	عزم دیدار تو دارد جان بر لب آمده	فَاعِلَاتْنِ فَاعِلَاتْنِ فَاعِلَاتْنِ فَاعِلَاتْنِ
۳	دوست آن باشد که گیرد دست دوست	فَاعِلَاتْنِ فَاعِلَاتْنِ فَاعِلَاتْنِ فَاعِلَاتْنِ
۴	نظر آوردم و بردم که وجودی به تو ماند	فَعَلَاتْنِ فَعَلَاتْنِ فَعَلَاتْنِ فَعَلَاتْنِ
۵	سینه از آتش دل در غم جانانه بسوخت	فَعَلَاتْنِ فَعَلَاتْنِ فَعَلَاتْنِ فَعَلَاتْنِ
۶	من از این خانه به در می‌روم	فَعَلَاتْنِ فَعَلَاتْنِ فَعَلَاتْنِ فَعَلَاتْنِ
۷	ای ساربان آهسته ران کارام جانم می‌رود	مُسْتَفْعِلْنِ مُسْتَفْعِلْنِ مُسْتَفْعِلْنِ مُسْتَفْعِلْنِ
۸	یار مرا غار مرا عشق جگر خوار مرا	مُفْتَعِلْنِ مُفْتَعِلْنِ مُفْتَعِلْنِ مُفْتَعِلْنِ
۹	ای همه هستی ز تو پیدا شده	مُفْتَعِلْنِ مُفْتَعِلْنِ مُفْتَعِلْنِ مُفْتَعِلْنِ
۱۰	بیا تا گل برافشانیم و می در ساغر اندازیم	مَفَاعِلِنِ مَفَاعِلِنِ مَفَاعِلِنِ مَفَاعِلِنِ
۱۱	الهی سینه‌ای ده آتش‌افروزو	مَفَاعِلِنِ مَفَاعِلِنِ مَفَاعِلِنِ مَفَاعِلِنِ
۱۲	غمش در نماند دل نشیند	فَعَوْلُنِ فَعَوْلُنِ فَعَوْلُنِ فَعَوْلُنِ
۱۳	به نام خداوند جان و خرد	فَعَوْلُنِ فَعَوْلُنِ فَعَوْلُنِ فَعَوْلُنِ

توجه: اوزان همسان دیگری نیز وجود دارند که کم‌کاربردتر می‌باشند و در کنکور به ندرت آمده‌اند.

مستفعلن مستفعلن مستفعلن فع

بیهوده است این پندها ای شیخ نادان

تا زنده‌ام از عشق او دل، بر نگیرم

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن

بیدلان انده خوردند اما نه چندین

دلبران عاشق کشند اما نه چندان

فعلاتن فعلاتن فعلاتن

حلقه‌ی لعل تو درج گهر آمد

شکر تنگ تو تنگ شکر آمد

مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن

تمام باور من رو خراشیده

شکستی پیش چشمم خرده‌های تو

فاعلن فاعلن فاعلن

طوطی خطت افکنده پر بر شکر

ای تنت بسته از تیره شب بر قمر

توجه: اوزان بسیار معدودی نیز وجود دارند که هر مصراع دو وزن‌واژه دارد. مانند «مستفعلن مستفعلن»

توجه: «مُفْتَعِلْنِ مُفْتَعِلْنِ مُفْتَعِلْنِ مُفْتَعِلْنِ» در اصل وزن همسان نمی‌باشد و فاعِلِنِ در واقع محذوف «مُفْتَعِلْنِ» نیست ولی کتاب درسی به اشتباه آن را در اوزان همسان آورده است و من نیز به ضرورت تبعیت از کتاب آن را در اوزان همسان آورده‌ام. رجوع شود به نام‌گذاری اوزان. می‌توان گفت: هر شعری که دو رکن اول آن یکسان باشد، وزن آن همسان است. همچنین اگر دو رکن اول شعری به ترتیب «فاعلاتن فعلاتن» بود، آن نیز همسان است.

توجه: برای اینکه این ۱۳ وزن همسان را به راحتی حفظ کنید، می‌توانید از جدول زیر کمک بگیرید. با توجه به اینکه اصلی‌ترین وزن، ۴ بار تکرار یک رکن است، ۶ وزن همسان از ۴ بار تکرار ۶ رکن «فاعلاتن، فعلاتن، مُستفعلن، مُفْتَعِلْنِ، مَفَاعِلِنِ و فَعَوْلُنِ» به دست می‌آید. یعنی ساختار ستون ۱ جدول زیر، از ۶ رکن فوق، فقط ۳ رکن «فاعلاتن، فعلاتن و فَعَوْلُنِ» با ساختار ستون ۲ می‌باشند. همچنین از ۶ رکن فوق، فقط ۴ رکن «فاعلاتن، فعلاتن، مُفْتَعِلْنِ و مَفَاعِلِنِ» با ساختار ستون ۳ می‌باشند.

برای سهولت در حفظ کردن می‌توانیم با توجه به جدول فوق و ۱۳ وزن، رابطه‌های زیر را درست کنیم:

- ۱- « فاعِلَاتُنْ » در هر سه ساختار می‌آید.
- ۲- « فَعَلَاتُنْ » در هر سه ساختار می‌آید.
- ۳- « مُسْتَفْعِلُنْ » فقط با ساختار ستون ۱ می‌آید.
- ۴- « مُفْتَعِلُنْ » با دو ساختار ۱ و ۳ می‌آید!
- ۵- « مَفَاعِلُنْ » با دو ساختار ۱ و ۳ می‌آید.
- ۶- « فَعُولُنْ » با دو ساختار ۱ و ۲ می‌آید.

ساختار ۱	سالم	سالم	سالم	سالم	هر ۶ رکن این ساختار را دارند
ساختار ۲	سالم	سالم	سالم	مَحذوف	۳ رکن این ساختار را دارند
ساختار ۳	سالم	سالم	مَحذوف		۴ رکن این ساختار را دارند

پس این ۶ رکن را بشناسیم.

فاعِلَاتُنْ	ساختار ۱-۲-۳	مُفْتَعِلُنْ	ساختار ۱-۳
فَعَلَاتُنْ	ساختار ۱-۲-۳	مَفَاعِلُنْ	ساختار ۱-۳
مُسْتَفْعِلُنْ	ساختار ۱	فَعُولُنْ	ساختار ۱-۲

توجه: همانطور که گفته شد اوزانی با ساختار ۳ وزن‌واژه سالم نیز وجود دارند. از آنجاییکه آن اوزان، هم بسیار بسیار کم کاربرد هستند و هم سابقه کنکوری آن‌ها در حد صفر است آن‌ها را در جدول فوق نیاوردیم.

ب - اوزان همسان دولختی (دوری)

ابیاتی هستند که هر مصراع آن‌ها ۴ رکن دارد و از نظر شکل ظاهری، رکن اول آن‌ها در رکن سوم، و رکن دوم آن‌ها در رکن چهارم تکرار می‌شود. و از نظر آوایی، مکثی میان هر مصراع وجود دارد و هر مصراع را به دو پاره یا لخت تبدیل می‌کند. این ابیات را همسان دولختی یا دوری می‌گویند.

۱	ای باد بامدادی، خوش می‌روی به شادی	مَفْعُولُ فاعِلَاتُنْ // مَفْعُولُ فاعِلَاتُنْ (مُسْتَفْعِلُنْ فَعُولُنْ // مُسْتَفْعِلُنْ فَعُولُنْ)
۲	وقتی دل سودایی، می‌رفت به بستان‌ها	مَفْعُولُ مَفَاعِلُنْ // مَفْعُولُ مَفَاعِلُنْ (مُسْتَفْعِلُنْ مَفْعُولُنْ // مُسْتَفْعِلُنْ مَفْعُولُنْ)
۳	زاهد خلوت‌نشین، دوش به میخانه شد	مُفْتَعِلُنْ فاعِلُنْ // مُفْتَعِلُنْ فاعِلُنْ
۴	با لب او چه خوش بود، گفت و شنید و ماجرا	مُفْتَعِلُنْ مَفَاعِلُنْ // مُفْتَعِلُنْ مَفَاعِلُنْ
۵	به کجا رود کبوتر، چو اسیر باز باشد	فَعَلَاتُ فاعِلَاتُنْ // فَعَلَاتُ فاعِلَاتُنْ
۶	بیا به شام غریبان و آب دیده من بین	مَفَاعِلُنْ فَعَلَاتُنْ مَفَاعِلُنْ فَعَلَاتُنْ
۷	چندان که گفتم، غم با طیبیان	فَعْلُنْ فَعُولُنْ // فَعْلُنْ فَعُولُنْ (مُسْتَفْعِلُنْ فَع // مُسْتَفْعِلُنْ فَع)
۸	جان من است او هی مزیندش	مُفْتَعِلُنْ فَع // مُفْتَعِلُنْ فَع
۹	ز پا فتادم بگیر دستم	مَفَاعِلُنْ فَع // مَفَاعِلُنْ فَع
۱۰	گر به بستان بی توایم خار شد گلزار ما	فاعِلَاتُنْ فاعِلُنْ // فاعِلَاتُنْ فاعِلُنْ
۱۱	جهان فرتوت باز، جوانی از سر گرفت	مَفَاعِلُنْ فاعِلُنْ // مَفَاعِلُنْ فاعِلُنْ
۱۲	دل بردی از من به یغما ای ترک غارتگر من	مُسْتَفْعِلُنْ فاعِلَاتُنْ مُسْتَفْعِلُنْ فاعِلَاتُنْ

توجه: در بین اوزان فوق پنج شش وزن اول پرکاربرد و باقی بسیار کم کاربرد هستند.

توجه: اوزان دوری دیگری نیز وجود دارند.

۳ نکته مهم در مورد اوزان دوری: با توجه به اینکه معمولاً یکی از سوالات کنکور در مورد اوزان دوری است، بهتر است به ۳ نکته زیر دقت ویژه‌ای داشته باشید.

نکته ۱: بعضی از اوزان دوری را می‌توان به دو روش دسته‌بندی هجایی کرد. در جدول فوق اوزان ۱ و ۲ و ۷ این ویژگی را دارند. به تقطیع هجایی این ابیات توجه کنید.

هر کس به تماشایی رفتند به صحرائی													
هَر كَس بَ تَمَاشِیایِ رَفَتَنَد بَ صَحْرِایِ													
هَر	كَس	بَ	تَ	مَ	شَا	یِ	رَفَ	تَنَد	دَ	بَ	صَح	رَا	یِ
-	-	U	-	-	-	-	-	-	U	-	-	-	-
مفعول				مفاعیلن				مفعول				مفاعیلن	
مستفعلن				مفعولن				مستفعلن				مفعولن	
-	-	-	U	U	-	-	-	-	-	-	-	-	-
مَ	رَا	كِ	تُ	مَنَد	ظَو	رِی	خَا	طِرَ	نَ	رَ	وَدَ	جَا	یِ
مَ رَا كِ تُ مَنظُورِی خَاطِرَ نَرُودَ جَایِی													

بگذار تا بگیریم چون ابر در بهاران													
بُگُذَار تَا بَگِیرِیم چُن اَبَر دَرَد بَهَاران													
بُگ	ذَا	رَ	تَا	بَ	گِرِ	یَمَ	چُن	أَبَر	رَ	دَر	بَ	هَا	رَان
-	-	U	-	U	-	-	-	-	U	-	-	-	-
مفعول				فاعلاتن				مفعول				فاعلاتن	
مستفعلن				مفعولن				مستفعلن				مفعولن	
-	-	-	U	U	-	-	-	-	-	-	U	-	-
كُز	سَنَدَ	گَ	نَا	لَ	خِیدَ	زَدَ	رَوَ	زِ	وِ	دَا	عَ	یَا	رَان
كُز سَنَگِ نَالِ خِیَزَدَ رُوزِ وِدَاعِ یَاران													

از جان شیرین ممکن بود صبر										
اَز جَانِ شِیرِینِ مُمکِن بُوَد صَبَر										
أَز	جَا	نَ	شِیدَ	رِینَ	مَمَ	کِنَ	بُ	وَدَ	صَبَر	
-	-	U	-	-	-	-	U	-	-	
فع لن			مفعولن				فع لن			
مستفعلن			مفعولن				مستفعلن			
-	-	-	U	-	-	-	U	-	-	
أَمَ	مَ	زِ	جَا	نَانَ	إِمَ	كَانَ	نَ	دَا	رَدَ	
أَمَمَا زِ جَانانِ إِمکانِ نَدارَدَ										

نکته ۲: شاعر در پایان نیم‌مصراع، می‌تواند مانند پایان مصراع، به جای هجای بلند، هجای کوتاه یا کشیده بیاورد. همانطور که در تقطیع مثال زیر می‌بینید شاعر در پایان نیم‌مصراع، به جای هجای بلند، هجای کشیده آورده است.

سلسله موی دوست حلقه‌ی دام بلاست هر که در این حلقه نیست فارغ از این ماجراست

سلسله‌ی موی دوست، حلقه‌ی دام بلاست													
هر که در این حلقه نیست، فارغ از این ماجراست													
سِلْسِلِی مَوِی دُوسْتِ حَلَقِی دَامِ بِلَاسْتِ													
سِل	سِ	لِ	یِ	مَوِ	یِ	دُوسْتِ	حَل	قِ	یِ	دَا	مِ	بِ	لَاسْتِ
—	U	U	U	—	U	—	—	U	U	—	U	U	—
			*			*					*		
—	U	U	—	—	U	—	—	U	U	—	—	U	—
هَر	کِ	دَ	رِی	حَل	قِ	نِیَسْتِ	فَا	رِ	غَ	زِی	مَا	جَ	رَاسْتِ
هَر کِ دَرِیْن حَلَقِی نِیَسْتِ فَا رَغْزِیْ مَاجِرَاسْتِ													

نکته ۳: یکی از ویژگی‌های اشعار دوری، مکث میان مصراع است. ولی هر شعری که در میانه آن مکث باشد، لزوماً وزن دوری ندارد. طراحان سوال از این نکته برای تله‌ی تستی استفاده می‌کنند. شعر زیر از سعدی بر وزن «مُسْتَفْعِلُنْ مُسْتَفْعِلُنْ مُسْتَفْعِلُنْ مُسْتَفْعِلُنْ» است و در میانه آن مکث است ولی دوری نیست و همسان تک‌لختی است.

سعدی چو جورش می‌بری، نزدیک او دیگر مرو ای بی‌بصر من می‌روم؟ او می‌کشد قلاب را

شعر زیر از حافظ بر وزن «مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ» است و در میانه آن مکث است ولی دوری نیست و همسان تک‌لختی است. و گر رسم فنا خواهی، که از عالم براندازی برافشان تا فرو ریزد، هزاران جان ز هر مویت

تست بخش اول فصل هشتم (اوزان همسان)

تست ۲۶ کدام گزینه بر وزن «فعلات فاعلاتن فعلات فاعلاتن» است؟

- هرکه جانی دارد و در دل ندارد ترک جانان
- تا قیامت تو مپندار که هشیار توان شد
- پای دل رمیده گر باز به دستم آمدی
- نه منم اسیر تنها به کمند یار زیبا

تست ۲۷ رکن پایانی کدام مصراع «فاعلن» است؟

- باری به کام خویشتن آوردمش در بر دمی
- گفتم ای سلطان خوبان رحم کن بر این غریب
- صلای بی به شاهان پیشینه زن
- برو از خانه‌ی گردون به در و نان مطلب

تست ۲۸ کدام بیت بر وزن «مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فاعلاتن» نیست؟

- گرم به گوشه چشمی شکسته وار ببینی
- مرا به دست تو خوشتر هلاک جان گرامی
- گرم حیات بماند نماند این غم و حسرت
- اگر عداوت و جنگ است در میان عرب
- فلک شوم به بزرگی و مشتری به سعادت
- هزار باره که رفتن به دیگری به حمایت
- و گر نمیرد بلبل درخت گل به بر آید
- میان لیلی و مجنون محبت است و صفاست

ت۲۹ کدام گزینه با مصراع «یاد تو می‌رفت و ما عاشق و بیدل بدیم» هم‌وزن است؟

- (۱) هر سحر از عشق دمی می‌زنم
(۲) هوش خردمند را عشق به تاراج برد
(۳) قوت شرح عشق تو نیست زبان خامه را
(۴) سرو خرامان چو قد معتدلت نیست

ت۳۰ کدام گزینه با مصراع «دم به دم شعله‌زنان می‌سوزم» هم‌وزن است؟

- (۱) عشق را پیشنهادی ای باید چو میخ
(۲) نتوانم که نصیحت شنوم
(۳) روز وصلم قرار دیدن نیست
(۴) مرا جامی بده وین جامه بستان

ت۳۱ کدام مصراع با مصراع‌های دیگر هم‌وزن نیست؟

- (۱) بنشین برای از تو گفتن حرف دارم
(۲) بسیار می‌گفتم که دل با کس نپیوندم ولی
(۳) من با کسی افتاده‌ام کز وی نپردازم به کس
(۴) گر رفته باشم زین جهان باز آیدم رفته روان

ت۳۲ هیچ‌کدام از ابیات زیر وزن‌واژه محذوف ندارند، به‌جز گزینه‌ی ...

- (۱) گه گه به چشم مرحمت در ما نظر می‌کن ولی
(۲) صبا گو باد می‌پیما و سوسن گو زبان می‌کش
(۳) حکم یونان یابد آن کش حکمت یونان بود
(۴) طائر دل که شود صید رخ و زلف دلارام
سلطان به چشم مرحمت در هر گدایی ننگرد
که بلبل را ز عشق گل قرار از دست بیرون شد
حکمت یونان طلب گر حکم یونان بایدت
همچو بلبل به گل و سنبل تر بازماند

ت۳۳ وزن کدام بیت با ابیات دیگر یکسان نیست؟

- (۱) عارضش بین بر سر سرو ار ندیدی
(۲) ای بسا خسرو که او فرهاد وار
(۳) روز رخسار تو ماهی روشن است
(۴) گفت بی پروانه نتوان یافتن
گلستانی بر فراز سرو سیمین
در هوای شکر شیرین بسوخت
خال هندویت سیاهی روشن است
صحبتم را ز آنکه شمع خاورم

ت۳۴ کدام مصراع‌ها با هم هم‌وزن می‌باشند؟

- (الف) رشته‌ای بر قمر انداخته کاین مار سیاه است
(ب) این چه خلد است که چندین همه حور است اینجا
(ج) چون درآیی نتوانم که مراد از تو بجویم
(د) سر مویی نتوان جست کنار از سر کویت
(ه) ای به ناوک زده چشم تو یک اندازان را
(۱) ب - د - ه (۲) الف - ج - د (۳) ب - ج - ه (۴) الف - ب - د

ت۳۵ رکن پایانی کدام دو مصراع یکسان است؟

- (الف) ای لبت آب شکر ریخته است
(ب) غمش در نهان‌خانه دل نشیند
(ج) دل به دست یار و غم در دل بماند
(د) این چه بویی است که ناگه بدمید
(ه) لبش با آتش اندر عین آب است
(۱) الف - ب (۲) ج - د (۳) ه - ج (۴) ب - ه

ت۳۶ به ترتیب چند مصراع وزن دوری و چند مصراع بر وزن «فعلاتن فعلاتن فعلاتن» است؟

- دو چشم مست می‌گونت ببرد آرام هشیاران
- خبر ما برسانید به مرغان چمن
- باز از شراب دوشین در سر خمار دارم
- چند بشاید به صبر دیده فرو دوختن
- فتنه انگیزی و خون ریزی و خلقی نگرانت
- کس به چشمم در نمی‌آید که گویم مثل اوست

- (۱) «دو» - «یک» (۲) «دو» - «دو» (۳) «یک» - «دو» (۴) «یک» - «یک»

ت۳۷ در بین ابیات زیر چند بیت وزن دوری دارند؟

- (الف) چو من چشیدم ز خود برستم
(ب) آن گل رخسار نگر نام گلستان چه بری
(ج) هر زنده صاحب دل کز جان خبری دارد
(د) آتشم چو در جان و دل زدی
(ه) چو سخن نگفت گفتم که چنین که هست پیدا
- (۱) دو (۲) سه (۳) چهار (۴) پنج

ت۳۸ وزن کدام مصراعها غلط است؟

- (الف) عیب نبود چون به خوان وصل نبود دسترس
(ب) مرا به تیغ چه حاجت که جان بر افشانم
(ج) ای شب قدر بی‌دلان طره دلرهای تو
(د) بر خاک کویش جان پایمالی
(ه) تا قیامت تو مپندار که هشیار توان شد

(۱) الف - ج (۲) ب - ه (۳) ب - د (۴) الف - ه

ت۳۹ تمام مصراعها یا همسان تک‌پایه‌ای هستند یا همسان دولختی به‌جز گزینه‌ی
(۱) ساقیا آمدن عید مبارک بادت
(۲) باغ مرا چه حاجت سرو صنوبر است
(۳) درخت دوستی بنشان که کام دل به بار آرد
(۴) سرو گلستان من قامت دلجوی توست

ت۴۰ کدام بیت وزن همسان ندارد؟

- (۱) دوش از مسجد سوی میخانه آمد پیر ما
(۲) شور شراب عشق تو آن نفسم رود ز سر
(۳) دیدم و آن چشم دل‌سیه که تو داری
(۴) گریه‌ی شام و سحر شکر که ضایع نگشت

ت۴۱ در همه اوزان زیر وزن واژه یکسان وجود دارد به‌جز گزینه‌ی ...

- (۱) گر زلف سیه روزی از چهره بر اندازد
(۲) در چمن افتد غلغل بلبل
(۳) سیر نگرودد به بحر تشنه‌ی دریای وصل
(۴) پای دل رمیده گر باز به دستم آمدی

ت۴۲ کدام بیت را می‌توان به دو صورت دسته‌بندی هجایی کرد؟

- (۱) دیدار خوبان اختیار از دست دانا می‌برد
(۲) روز قیامت زخم خیمه به پهلوی دوست
(۳) ای دزد آشکارا می‌بینم از نهانت
(۴) گریزد دشمن از دشمن که تیرش در کمان باشد

ت۴۳ کدام بیت بر وزن «مفتعلن مفاعلهن مفتعلن مفاعلهن» نیست؟

- (۱) نیست مرا به جز بدن یکسر موی در میان
(۲) حسن غریب تو مرا کرد غریب دو جهان
(۳) ای که طبیب خسته‌ای، روی زبان من ببین
(۴) نقش و نگار و رنگ و بو تازه به تازه نو به نو

تست ۴۴ کدام بیت هم دوری است و هم به دو صورت دسته‌بندی هجایی می‌شود؟

- (۱) تو امیر ملک حسنی به حقیقت ای دریغا
 - (۲) حقا که مرا دنیا بی دوست نمی‌باید
 - (۳) تا غمی پنهان نباشد رقتی پیدا نگرود
 - (۴) گرم به گوشه‌ی چشمی شکسته وار ببینی
- اگر التفات بودی به فقیر مستمندت
بی تفرقه‌ی خاطر دنیا به چه کار آید
هم گلی دیده است سعدی تا چو بلبل می‌خروشد
فلک شوم به بزرگی و مشتری به سعادت

تست ۴۵ کدام ابیات به دو روش دسته‌بندی هجایی می‌شوند؟

- (الف) سرو را قامت خوب است و قمر را رخ زیبا
 - (ب) گل نسبتی ندارد با روی دلفریبت
 - (ج) خوش بود یاری و یاری بر کنار سبزه‌زاری
 - (د) بر چشم پر خون چون ابر گریم
 - (ه) روی خوش و آواز خوش دارند هر یک لذتی
- تو نه آنی و نه اینی که هم این است و هم آنست
تو در میان گل‌ها چون گل میان خاری
مهربانان روی بر هم و ز حسودان برکناری
بر دور گردون چون برق خندم
بنگر که لذت چون بود محبوب خوش‌آواز را

(۱) الف - ب (۲) ج - ه (۳) ب - د (۴) الف - د

تست ۴۶ وزن کدام دو مصراع نادرست نوشته شده است؟

- (الف) ساقیا وقت صبح آمد بیار آن جام را
 - (ب) تا دل اندر گره زلف پریشان تو بستم
 - (ج) ای شام زلفت بتخانه چین
 - (د) شام شکستگان را هرگز سحر نباشد
 - (ه) مبرید نام عنبر بر زلف چون کمندش
- (فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن)
(فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فعلن)
(مستفعلن فع مستفعلن فع)
(مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن)
(فعلات فاعلاتن فعلات فاعلاتن)

(۱) الف - ج (۲) ب - د (۳) الف - ه (۴) ب - ج

تست ۴۷ کدام یک از اوزان همسان دو لختی زیر ویژگی اوزان دوری را ندارد؟

- (۱) چو سر ز خاک برآرند هر کسی به امیدی
 - (۲) هر زنده‌ی صاحب‌دل کز جان خبری دارد
 - (۳) ای بت یاقوت‌لب وی مه نامهربان
 - (۴) شام شکستگان را هرگز سحر نباشد
- امید اهل مودت به جز لقای تو نبود
چون از تو خبر یابد پیش خبرت میرد
شمع شبستان دل گلبن بستان جان
وز روز تیره‌روزان تاریکتر نباشد

تست ۴۸ وزن کدام مصراع نادرست نوشته شده است؟

- (۱) با روی چون گلنارش از برگ سمن بازآمدم (مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن)
- (۲) روضه‌ی رضوان جان یعنی سراستان دل (فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن)
- (۳) شبی با یار در خلوت مرا عیش نهانی بود (مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن)
- (۴) چه خوش است باده خوردن به صبح در گلستان (فعلات فاعلاتن فعلات فاعلاتن)

تست ۴۹ همه ابیات وزن دوری دارند، به جز:

- (۱) بر این یکی شده بودم که گرد عشق نگرمد
 - (۲) نیست زمام کام دل در کف اختیار من
 - (۳) دلم از غمت زمانی نتواند ار ننالد
 - (۴) دل بر دو تن در داده‌ام ور می‌کشد استاده‌ام
- قضای عشق درآمد بدوخت چشم درایت
گر نه اجل فرا رسد زین همه وارهانش
مژه یک دم آب حسرت نشکبید ار نریزد
کآخر ندانم بیش از این یا می‌کشد یا می‌برد

تست ۵۰ به ترتیب کدام مصراع‌ها همسان تک‌لختی و همسان دولختی می‌باشند؟

- الف - خورشید زیر سایه‌ی زلف چو شام اوست
- ب - وصفتم ننگجد در بیان نامت نیاید در قلم
- ج - زنده شود هر که پیش دوست بمیرد
- د - وجودم به تنگ آمد از جور تنگی
- ه - ز هر که در نظر آید گذشته‌ای به نکویی
- و - دگر به روی کسم دیده بر نمی‌باشد

(۱) «الف، د» - «ب، ه» (۲) «ج، و» - «د، ه» (۳) «ب، د» - «ه» (۴) «ب، و» - «ه»

ج - اوزان ناهمسان

توجه: این قسمت برای سال **دوازدهم** است و در جزوه یازدهم برای درک بهتر اوزان همسان تک‌لختی و همسان دولختی (دُوری) آمده است.

ابیاتی که هیچ نظم خاصی در میان هجاهای آن‌ها دیده نمی‌شود. یعنی اگر هجاهای آن‌ها را با برش‌های ۴ تا ۴، ۳ تا ۳، ۴ تا ۴ و ... جدا کنیم، هیچ نظم خاصی در هجاهای آن‌ها دیده نمی‌شود. ولی آهنگ و ریتم دلنشینی دارند و اتفاقاً در بعضی از این اوزان، نسبت به اوزان همسان، اشعار بیشتری سروده شده است. این اوزان ۱۰ مورد می‌باشند. (اوزان ناهمسان دیگری نیز وجود دارد.)

۱	تو به سیمای شخص می‌نگری	فَعْلَاتُنْ مَفَاعِلُنْ فَعِلُنْ
۲	ای نام تو بهترین سرآغاز	مَفْعُولُ مَفَاعِلُنْ فَعُولُنْ (مُسْتَفْعِلُ فَاعِلَاتُ مُسْتَف)
۳	شخصی به هزار غم گرفتارم	مَفْعُولُ مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ (مُسْتَفْعِلُ فَاعِلَاتُ مُسْتَفْعِل)
۴	دیوانگان نه‌ایم که مستانیم	مَفْعُولُ فَاعِلَاتُ مَفَاعِلُنْ (مُسْتَفْعِلُنْ مَفَاعِلُ مُسْتَفْعِل)
۵	ساقی به نور باده برافروز جام ما	مَفْعُولُ فَاعِلَاتُ مَفَاعِلُ فَعِلُنْ (مُسْتَفْعِلُنْ مَفَاعِلُ مُسْتَفْعِلُنْ فَعَل)
۶	هر کس به زبانی صفت حمد تو گوید	مَفْعُولُ مَفَاعِلُ مَفَاعِلُ فَعُولُنْ (مُسْتَفْعِلُ مُسْتَفْعِلُ مُسْتَفْعِلُ مُسْتَف)
۷	ای دوست بیا تا غم فردا نخوریم	مَفْعُولُ مَفَاعِلُ مَفَاعِلُ فَعَلْ (مُسْتَفْعِلُ مُسْتَفْعِلُ مُسْتَفْعِلُ فَع)
۸	این کوزه چو من عاشق زاری بوده‌است	مَفْعُولُ مَفَاعِلُ مَفَاعِلُنْ فَعْ (مُسْتَفْعِلُ مُسْتَفْعِلُ مَفْعُولُنْ فَع)
۹	ماه فرو ماند از جمال محمد	مُفْتَعِلُنْ فَاعِلَاتُ مُفْتَعِلُنْ فَعْ
۱۰	رواق منظر چشم من آشیانه توست	مَفَاعِلُنْ فَعْلَاتُنْ مَفَاعِلُنْ فَعِلُنْ

توجه: چهار وزن اول ۳ رکن دارند. و شش وزن دیگر ۴ رکن دارند. و اوزان ۷ و ۸ وزن‌های رباعی می‌باشند.

نکته بسیار مهم: بعضی اوزان ناهمسان را نیز مانند بعضی از اوزان دولختی می‌توان **به دو صورت دسته‌بندی** هجایی کرد. مثلاً در مثال ۶ اگر هجاها را با ترتیب دیگری دسته‌بندی و جدا کنیم، ارکان دیگری به دست می‌آید. به تقطیع هجایی بیت زیر توجه کنید.

بَسْ در طلبت کوشش بی‌فایده کردیم چون طفل دوان در پی گنجشک پریده

بَسْ	دَر	طَ	لَ	بَتَ	کُو	شِ	شِ	بِی	فَا	یِ	دِ	کَر	دِیْم
-	-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	-
مُسْتَفْعِلُ				مُسْتَفْعِلُ				مُسْتَفْعِلُ				مُسْتَف	
مَفْعُولُ				مَفَاعِلُ				مَفَاعِلُ				فَعُولُنْ	
-	-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	-
چُنْ	طِیفِ	لِ	دَ	وَانِ	دَرِ	پِ	یِ	گُنْ	جِشِ	کِ	پِ	رِی	دِ

پس از اعمال اختیارات شاعری به ساختار هجایی فوق می‌رسیم. تقطیع اول نظم همسان و تقطیع دوم نظم ناهمسان دارد. هر چند این بیت و موارد مشابه آن با نظم ناهمسان شهرت یافته و نام‌گذاری شده‌اند، اما نظم همسان آن‌ها بر نظم ناهمسان ترجیح دارد.

ساقی به نور باده برافروز جام ما مطرب بگو که کار جهان شد به کام ما

سَا	قِی	بِ	نُو	رِ	بَا	دِ	بَ	رَفَ	رُو	زِ	جَا	مِ	مَا
-	-	U	-	U	-	U	U	-	-	U	-	U	-
مُسْتَفْعِلُنْ				مَفَاعِلُ				مُسْتَفْعِلُنْ				فَعَلْ	
مَفْعُولُ				فَاعِلَاتُ				مَفَاعِلُ				فَاعِلُنْ	
-	-	U	-	U	-	U	U	-	-	U	U	-	-
مَطْ	رَبِ	بِ	گُو	کِ	کَا	رِ	جَ	هَانَ	شُدْ	بِ	کَا	مِ	مَا

نکته بسیار کلیدی: در سطح کنکور اوزانی که به ۲ صورت دسته‌بندی می‌شوند، با «مَفْعُولُ - - U» شروع شده‌اند.

وزن شعر نیمایی

وزن شعر نیمایی: شعر کلاسیک ما غالباً مبتنی بر تساوی هجایی مصراع‌ها بود و نیمایوشیخ برای رهایی از تنگناهای عروضی، شکل جدیدی از وزن را ایجاد کرد تا بهتر بتواند به محتوای شعر – که نیاز روز جامعه بود – بپردازد. نیمای قید و شرط تساوی هجاهای دو مصراع را برداشت و دست شاعر را در سرودن شعر باز گذاشت؛ بی آنکه از زیبایی موسیقایی شعر قدیم بکاهد. برای نمونه در شعر زیر:

باغ بی‌برگی

خنده‌اش خونی است اشک‌آمیز

جاودان بر اسب یال‌افشان زردش می‌چمد در آن

پادشاه فصل‌ها پاییز

— / — — U — فاعِلَاتُنْ فَع	با غ بی بر گی
— / — — U — / — — U — فاعِلَاتُنْ فاعِلَاتُنْ فَع	خَن دِ آسْ خُو نِیسْتْ آسْ کَا مِیزْ
— / — — U — / — — U — / — — U — / — — U — فاعِلَاتُنْ فاعِلَاتُنْ فاعِلَاتُنْ فاعِلَاتُنْ فَع	جَا وِ دَا بُرْ آسْ بِ یَا لَفْ شَا نِ زَرْ دَشْ مِیْ چَ مَدْ دَرْ آنْ
— / — — U — / — — U — فاعِلَاتُنْ فاعِلَاتُنْ فَع	پَا دِ شَا هِ فَصْلْ هَا پَا یِیزْ

همانطور که می‌بینید شاعر در مصراعی ۱ فاعِلَاتُنْ، در مصراع دیگر ۲ فاعِلَاتُنْ و در مصراع دیگر ۴ فاعِلَاتُنْ آورده است. در واقع در شعر نیمایی ممکن است کوتاهی و بلندی مصراع‌ها و تعداد هجاهای برابر نباشد. اما امکان تغییر وزن وجود ندارد. مثلاً شاعر نمی‌تواند یک مصراع را بر وزن «فاعِلَاتُنْ» بسراید و مصراع دیگر را بر وزن «مفاعِلُنْ».

توجه: کوتاه و بلندی مصراع‌های یک شعر در شعر کهن و کلاسیک ما نیز سابقه داشته است. برای نمونه به شعر زیر که در قالب «مُسْتَزَاد» سروده شده است، توجه کنید:

هر لحظه به شکلی بت عیار برآمد	دل برد و نهان شد
هر دم به لباس دگران یار برآمد	گه پیر و جوان شد
گه نوح شد و کرد جهانی به دعا غرق	خود رفت به کشتی
گه گشت خلیل و به دل ناز برآمد	آتش، گل از آن شد
یوسف شد و از مصر فرستاد قمیصی	روشنگر عالم
از دیده یعقوب چو انوار برآمد	تا دیده عیان شد
حقاً که هم او بود که اندر ید بیضا	می‌کرد شبانی
در چوب شد و در صفت مار برآمد	زان فخر کیان شد
می‌گشت دمی چند بر این روی زمین او	از بهر تفرّج
عیسی شد و بر گنبد دوار برآمد	تسبیح‌کنان شد
بالجمله هم او بود که می‌آمد و می‌رفت	هر قرن که دیدی
تا عاقبت آن شکل عرب‌وار برآمد	دارای جهان شد
منسوخ چه باشد؟ نه تناسخ به حقیقت	آن دلبر زیبا
شمشیر شد و در کف کرّار برآمد	قتال زمان شد
نی نی که هم او بود که می‌گفت انالحق	در صوت الهی
منصور نبود آن که بر آن دار برآمد	نادان به گمان شد
رومی سخن کفر نگفته است و نگوید	منکر مشویدش
کافر بود آنکس که به انکار برآمد	از دوزخیان شد

تمرین: ابیات زیر را به خط عروضی بنویسید و تقطیع هجایی کنید.

- ۷۴ - ای پادشه خوبان داد از غم تنهایی
 ۷۵ - کی شعر تر انگیزد خاطر که حزین باشد
 ۷۶ - هر تیر که در کیش است گر بر دل ریش آید
 ۷۷ - از هر طرف که رفتم جز وحشتم نیفزود
 ۷۸ - دیدار یار غائب دانی چه ذوق دارد
 ۷۹ - بگذار تا بگیریم چون ابر در بهاران
 ۸۰ - زاهد خلوت نشین دوش به میخانه شد
 ۸۱ - سلسله‌ی موی دوست حلقه‌ی دام بلاست
 ۸۲ - به که ز بهر سخن برنگشاید زبان
 ۸۳ - تا تو به خاطر منی کس نگذشت بر دلم
 ۸۴ - جور بکن که حاکمان جور کنند بر رهی
 ۸۵ - سرو چمان من چرا میل چمن نمی‌کند
 ۸۶ - متناسبند و موزون حرکات دلفریبت
 ۸۷ - شب عاشقان بی‌دل چه شبی دراز باشد
 ۸۸ - بروید ای حریفان بکشید یار ما را
 ۸۹ - به هوش بودم از اول که دل به کس نسپارم
 ۹۰ - ندانم به حقیقت که در جهان به که مانی
 ۹۱ - سَلِّ الْمَصَانِعَ رَكْبًا تَهَيِّمُ فِي الْفُلُواتِ
 ۹۲ - ای بخت سرکش تنگش به سرکش
 ۹۳ - از دست زاهد کردیم تو به
 ۹۴ - جهان فرتوت باز جوانی از سر گرفت
 ۹۵ - شکوفه طفلیست خرد تنش به نرمی حریر
 ۹۶ - چنان بود تابناک که زهره‌اش مشتری است
- دل بی تو به جان آمد وقت است که بازآیی
 یک نکته از این معنی گفتیم و همین باشد
 ما نیز یکی باشیم از جمله قربان‌ها
 زنهار از این بیابان وین راه بی‌نهایت
 ابری که در بیابان بر تشنه‌ای بارد
 کزسنگ ناله خیزد روز وداع یاران
 از سر پیمان برفت با سر پیمانه شد
 هر که در این حلقه نیست فارغ از این ماجراست
 گر نتواند که مرد، سخن به پایان برد
 مثل تو کیست در جهان تاز تو مهر بگسلم
 شیر که پایبند شد تن بدهد به روبهی
 همدم گل نمی‌شود یاد سمن نمی‌کند
 متوجه است با ما سخنان بی‌حسیبت
 تو بیباک از اول شب در صبح باز باشد
 به من آورید آخر صنم گریز پارا
 شمایل تو بدیدم نه صبر ماند و نه هوشم
 جهان و هر چه در او هست و صورتند و تو جانی
 تو قدر آب چه دانی که در کنار فراتی
 گه جام زرکش گه لعل دلخواه
 و از فعل عابد استغفـرا لله
 به سرز یاقوت سرخ شقایق افسر گرفت
 رخس به رنگ سهیل لبش به بوی عبیر
 چو بر گشاید دهن به شکل انگشتری است



بیت ۷۴													
ای پادشه خوبان داد از غم تنهایی دل بی تو به جان آمد وقت است که باز آیی													
خط عروضی مصرع اول													
ای پادشه خوبان داد از غم تنهایی													
ای	پا	د	ش	ه	خو	بان	دا	دز	غ	م	تن	ها	یی
—	—	U	U	—	—	—	—	—	U	U	—	—	—
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم													
—	—	U	U	—	—	—	—	—	U	U	—	—	—
علامت هجایی مصرع اول													
دل	بی	ت	ب	جان	آ	مد	وق	تس	ت	ک	با	زا	یی
خط عروضی مصرع دوم													
دل بی ت ب جان آمد وقت است ک بازایی													

بیت ۷۵													
کی شعر تر انگیزد خاطر که حزین باشد یک نکته از این معنی گفتیم و همین باشد													
خط عروضی مصرع اول													
کی شعر تر انگیزد خاطر ک حزب باشد													
کی	شع	ر	ت	رن	گی	زد	خا	طر	ک	ح	زین	با	شد
—	—	U	U	—	—	—	—	—	U	U	—	—	—
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم													
—	—	U	U	—	—	—	—	—	U	U	—	—	—
علامت هجایی مصرع دوم													
یک	نک	ت	ء	زین	مع	نی	گف	تی	م	ه	مین	با	شد
خط عروضی مصرع دوم													
یک نکت آزیب معنی گفتیم همی باشد													

بیت ۷۶													
هر تیر که در کیش است گر بر دل ریش آید ما نیز یکی باشیم از جمله‌ی قربان‌ها													
خط عروضی مصرع اول													
هر تیر ک در کیشست گر بر دل ریشاید													
هر	تیر	ر	ک	در	کی	شست	گر	بر	د	ل	ری	شا	ید
—	—	U	U	—	—	—	—	—	U	U	—	—	—
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم													
—	—	U	U	—	—	—	—	—	U	U	—	—	—
علامت هجایی مصرع دوم													
ما	نیر	ز	ی	کی	با	شیم	آز	جم	ل	ی	قربان	با	ها
خط عروضی مصرع دوم													
ما نیز یکی باشیم از جمله‌ی قربان‌ها													

بیت ۷۷													
از هر طرف که رفته‌م جز وحشتم نیفزود زنه‌ار از این بیابان وین راه بی نهایت													
خط عروضی مصرع اول													
از هر طرف ک رفته‌م جز وحشتم نیفزود													
از	هر	ط	رف	ک	رف	تم	جز	وح	ش	تم	ن	یف	زود
—	—	U	—	U	—	—	—	—	U	—	—	—	—
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم													
—	—	U	—	U	—	—	—	—	U	—	—	—	—
علامت هجایی مصرع دوم													
زن	ها	ر	زین	ب	یا	بان	وین	را	ه	بی	ن	ها	یت
خط عروضی مصرع دوم													
زنهار زین بیابان وین راه بی نهایت													

بیت ۷۸													
دیدار یار غائب دانی چه ذوق دارد ابری که در بیابان بر تشنه‌ی ای بارد													
خط عروضی مصرع اول													
دیدار یار غائب دانی چه ذوق دارد													
دی	دا	ر	یا	ر	غائب	دانی	چه	ذوق	ق	دا	ر	د	د
—	—	U	—	U	—	—	—	—	U	—	—	—	—
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم													
—	—	U	—	U	—	—	—	—	U	—	—	—	—
علامت هجایی مصرع دوم													
آب	ری	ک	در	ب	یا	بان	بر	تش	ن	ای	ب	با	رد
خط عروضی مصرع دوم													
آبری ک در بیابان بر تشنه‌ی ای بارد													

بیت ۷۹	بگذار تا بگیریم چون ابر در بهاران کز سنگ ناله خیزد روز وداع یاران
خط عروضی مصراع اول	بُگذار تا بگیریم چن ابر در بهارا
هجاهای مصراع اول	بُگ ذا ر تا ب گر یم
علامت هجایی مصراع اول	— U — U — U — — —
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم	
علامت هجایی مصراع دوم	— — U — U U — — — U — U — —
هجاهای مصراع دوم	گز سَنَد گ نا لِ خِی زَد
خط عروضی مصراع دوم	کَز سَنگ نالِ خِیزد روزِ وداعِ یارا

بیت ۸۰	زاهد خلوت نشین دوش به میخانه شد از سر پیمان برفت با سر پیمانه شد
خط عروضی مصراع اول	زاهدِ خَلوتِ نَشینِ دوشِ ب می خان شد
هجاهای مصراع اول	زا ه د خ ل و ت ن شین
علامت هجایی مصراع اول	— U — — — U — — — — —
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم	
علامت هجایی مصراع دوم	— U — — — U — — — — — U — U — —
هجاهای مصراع دوم	آز س ر پی ما ب رقت
خط عروضی مصراع دوم	آز سَرِ پِیمانِ برفت با سَرِ پِیمان شد

بیت ۸۱	سلسله‌ی موی دوست حلقه‌ی دام بلاست هر که در این حلقه نیست فارغ از این ماجراست
خط عروضی مصراع اول	سِلسِلی موی دوست حَلقِی دامِ بلاست
هجاهای مصراع اول	سِ ل سِ ل ی م و ی د و س ت ح ل ق ی د ا م ب ل ا س ت
علامت هجایی مصراع اول	— U — — — U — — — — — U — U — —
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم	
علامت هجایی مصراع دوم	— U — — — U — — — — — U — U — —
هجاهای مصراع دوم	هَر کِ دَرین حَلقِی نیست
خط عروضی مصراع دوم	هَر کِ دَرین حَلقِی نیست فارغ از این ماجراست

بیت ۸۲	په که ز بهر سخن بر نگشاید زبان گر نتواند که مرد، سخن به پایان برد
خط عروضی مصراع اول	په ک ز بهر سخَن بر نِگشاید زَبان
هجاهای مصراع اول	په ک ز به ر سَخَن بَر نِگشاید زَبان
علامت هجایی مصراع اول	— U — — — U — — — — — U — U — —
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم	
علامت هجایی مصراع دوم	— U — — — U — — — — — U — U — —
هجاهای مصراع دوم	گَر ن نتواند کِ مَرَد سخَن بِ پایان بَرَد
خط عروضی مصراع دوم	گَر ن نتواند کِ مَرَد سخَن بِ پایان بَرَد

بیت ۸۳	تا تو به خاطر منی کس نگذشت بردلم مثل تو کیست در جهان تا ز تو مهر بگسلم
خط عروضی مصراع اول	تا ت ب خاطر منی کس نِگذشت بَر دلم
هجاهای مصراع اول	تا ت ب خا ط ر م ن ی ک س ن گ ذ ش ت ب ر د ل م
علامت هجایی مصراع اول	— U — — — U — — — — — U — U — —
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم	
علامت هجایی مصراع دوم	— U — — — U — — — — — U — U — —
هجاهای مصراع دوم	مِث ل ت ک ی د ر ج هان
خط عروضی مصراع دوم	مِث ل ت ک ی د ر ج هان تا ز ت مِهر بگسلم

بیت ۸۴															
جور بکن که حاکمان جور کنند بر رهی شیر که پای بند شد تن بدهد به روبهی															
جور بکن ک حاکما جور کنند بر رهی															
جُو	ر	بُ	کُن	کِ	حَا	کِ	مَان	جُو	ر	کُ	نَنْد	د	بِر	رَ	هِي
—	U	U	—	U	—	U	—	—	U	—	U	—	U	—	—
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم															
جُو	ر	بُ	کُن	کِ	حَا	کِ	مَان	جُو	ر	کُ	نَنْد	د	بِر	رَ	هِي
—	U	U	—	U	—	U	—	—	U	—	U	—	U	—	—
علامت هجایی مصراع اول															
شیر ک پایبند شد تن بدهد ب روبهی															
خط عروضی مصراع دوم															

بیت ۸۵															
سرو چمان من چرا میل چمن نمی کند همدم گل نمی شود یاد سمن نمی کند															
سرو چمان من چرا میل چمن نمی کند															
سَر	و	چَ	مَ	نِ	مَنْ	چَ	رَا	مِی	لِ	چَ	مَنْ	نِ	مِی	کُ	نَد
—	U	U	—	U	—	U	—	—	U	—	U	—	U	—	—
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم															
سَر	و	چَ	مَ	نِ	مَنْ	چَ	رَا	مِی	لِ	چَ	مَنْ	نِ	مِی	کُ	نَد
—	U	U	—	U	—	U	—	—	U	—	U	—	U	—	—
علامت هجایی مصراع اول															
همدم گل نمی شود یاد سمن نمی کند															
خط عروضی مصراع دوم															

بیت ۸۶															
متناسبت و موزون حرکات دلفریبت متوجه است با ما سخنان بی حسیت															
مُتَنَاسِبَتٌ مَوْزُونُ حَرَکَاتِ دِلْفَرِیْبَتِ															
مُ	تَ	نَا	سِ	بِنِ	دُ	مُو	زُون	حَ	رَ	کَا	تَ	دِل	فَا	رِی	بَت
U	U	—	U	—	U	—	—	U	—	U	—	U	—	—	—
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم															
مُ	تَ	نَا	سِ	بِنِ	دُ	مُو	زُون	حَ	رَ	کَا	تَ	دِل	فَا	رِی	بَت
U	U	—	U	—	U	—	—	U	—	U	—	U	—	—	—
علامت هجایی مصراع اول															
مُتَوَجِّهٌ هَسْتُ بَا مَا سَخَنَانِ بِی حَسِیْبَتِ															
خط عروضی مصراع دوم															

بیت ۸۷															
شب عاشقان بی دل چه شبی دراز باشد تو بیا کز اول شب در صبح باز باشد															
شَبِّ عَاشِقَانِ بِی دَلِّ چِ شَبِّی دِرَازِ بَاشَدِ															
شَ	بِ	عَا	شِ	قَا	نِ	بِی	دَل	چِ	شَ	بِی	دِ	رَا	زَا	بَا	شَد
U	U	—	U	—	U	—	—	—	U	—	U	—	U	—	—
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم															
شَ	بِ	عَا	شِ	قَا	نِ	بِی	دَل	چِ	شَ	بِی	دِ	رَا	زَا	بَا	شَد
U	U	—	U	—	U	—	—	—	U	—	U	—	U	—	—
علامت هجایی مصراع اول															
تُ بَیَا کَزَوَلِّ شَبِّ دَرِ صُبْحِ بَازِ بَاشَدِ															
خط عروضی مصراع دوم															

بیت ۸۸															
بروید ای حریفان بکشید یار ما را به من آورید آخر صنم گریز پارا															
بِرَوِیدِ اَی حَرِیْفَانِ بَکَشِیدِ یَارِ مَآرَا بِه مَن اَوْرِیدِ اَخِرِ صَنَمِ گَرِیْزِ پَارَا															
بِ	رَ	وِی	دِ	اَی	حَ	رِی	فَان	بِ	کِ	شِی	دِ	یَا	رِ	مَا	رَا
U	U	—	U	—	U	—	—	—	U	—	U	—	U	—	—
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم															
بِ	رَ	وِی	دِ	اَی	حَ	رِی	فَان	بِ	کِ	شِی	دِ	یَا	رِ	مَا	رَا
U	U	—	U	—	U	—	—	—	U	—	U	—	U	—	—
علامت هجایی مصراع اول															
بِ مَنَا وَرِیدِ اَخِرِ صَنَمِ گَرِیْزِ پَارَا															
خط عروضی مصراع دوم															

بیت ۸۹												
به هوش بودم از اول که دل به کس نسپارم												
شمایل تو بدیدم نه صبر ماند و نه هوشم												
خط عروضی مصرع اول												
بِ هَوْشِ بُوَدَ مَزْوُولِ كِ دَلِ بِ كَسِّ نَسِيَارِمَ												
ب	ه	و	ش	ب	و	د	م	ز	و	ک	د	ب
U	U	U	U	U	U	U	U	U	U	U	U	U
—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم												
ب	ه	و	ش	ب	و	د	م	ز	و	ک	د	ب
U	U	U	U	U	U	U	U	U	U	U	U	U
—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
علامت هجایی مصرع اول												
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم												
ش	م	ا	ی	ل	ت	ب	د	م	ن	ص	ب	ر
U	U	U	U	U	U	U	U	U	U	U	U	U
—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
علامت هجایی مصرع دوم												
هجاهای مصرع دوم												
خط عروضی مصرع دوم												
شَمَائِلُ تِ بَدِيدِمِ نَ صَبْرَ مَانِدُ نَ هَوْشِمَ												

بیت ۹۰												
ندامت به حقیقت که در جهان به که مانی												
جهان و هر چه در او هست صورتند و تو جانی												
خط عروضی مصرع اول												
نَدَانَمَتِ بِ حَقِیْقَتِ كِ دَرِ جَهَانِ بِ كِ مَانِی												
ن	د	ا	ن	م	ت	ب	ح	ق	ت	ک	د	ر
U	U	U	U	U	U	U	U	U	U	U	U	U
—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم												
ن	د	ا	ن	م	ت	ب	ح	ق	ت	ک	د	ر
U	U	U	U	U	U	U	U	U	U	U	U	U
—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
علامت هجایی مصرع دوم												
هجاهای مصرع دوم												
خط عروضی مصرع دوم												
جَهَانُ هَرَّجِ دَرُو هَسْتِ صَوْرَتَنْدُ تِ جَانِی												

بیت ۹۱												
سَلِ الْمَصَانِعِ رَكْبًا تَهِيْمُ فِي الْفَلَوَاتِ												
توقدر آب چه دانی که در کنار فراتی												
خط عروضی مصرع اول												
سَلِّ مَصَانِعَ رَكْبِنَ تَهِيْمُ فِیْ فَلَواتِ												
س	ل	ل	م	ص	ا	ن	ع	ر	ک	ب	ن	ت
U	U	U	U	U	U	U	U	U	U	U	U	U
—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم												
س	ل	ل	م	ص	ا	ن	ع	ر	ک	ب	ن	ت
U	U	U	U	U	U	U	U	U	U	U	U	U
—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
علامت هجایی مصرع اول												
هجاهای مصرع اول												
خط عروضی مصرع اول												
تُ قَدِرِ آبِ چِ دَانِی كِ دَرِ كِنَارِ فِرَاتِی												

بیت ۹۲												
ای بخت سرکش تنگش به برکش												
گه جام زرکش گه لعل دلخواه												
خط عروضی مصرع اول												
اِی بَخْتِ سَرَكَشِ تَنْگَشِ بَ بَرَكَشِ												
ا	ی	ب	خ	ت	س	ر	ک	ش	ت	ن	گ	ش
U	U	U	U	U	U	U	U	U	U	U	U	U
—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم												
ا	ی	ب	خ	ت	س	ر	ک	ش	ت	ن	گ	ش
U	U	U	U	U	U	U	U	U	U	U	U	U
—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
علامت هجایی مصرع دوم												
هجاهای مصرع دوم												
خط عروضی مصرع دوم												
گَهِ جَامِ زَرَكَشِ گَهِ لَعْلِ دِلْخَوَاهِ												

بیت ۹۳												
از دست زاهد کردیم توبه												
و از فعل عابد استغفرالله												
خط عروضی مصرع اول												
اَز دَسْتِ زَاهِدِ كَرْدِيْمِ تُوْبَهِ												
ا	ز	د	س	ت	ز	ا	ه	د	ک	ر	د	ی
U	U	U	U	U	U	U	U	U	U	U	U	U
—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم												
ا	ز	د	س	ت	ز	ا	ه	د	ک	ر	د	ی
U	U	U	U	U	U	U	U	U	U	U	U	U
—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
علامت هجایی مصرع دوم												
هجاهای مصرع دوم												
خط عروضی مصرع دوم												
وَزِ فِعْلِ عَابِدِ اسْتَغْفِرُاللهِ												

جهان فرتوت باز جوانی از سر گرفت													بیت ۹۴		
جهان فرتوت باز جوانی یز سر گرفت													خط عروضی مصراع اول		
ج	ها	ن	قَر	تو	ت	باز	ج	وا	نی	یز	سَر	گ	رِفت	U	U
—	—	U	—	—	U	—	—	—	—	—	—	U	—	—	U
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم															
—	U	—	—	U	—	U	—	—	—	—	—	U	—	—	U
علامت هجایی مصراع دوم															
ب	سَر	ز	یا	قو	ت	سُرخ	ش	قا	ی	قَف	سَر	گ	رِفت	U	U
خط عروضی مصراع دوم															
بِ سَر زِ یاقوتِ سُرخ شَقایقِ سَر گرفت															

شکوفه طفلیست خرد تنش به نرمی حریر													بیت ۹۵		
شکوفِ طفلیست خرد تنش ب نرمی حریر													خط عروضی مصراع اول		
ش	کو	ف	طِف	لید	ست	خرد	ت	نش	ب	نر	می	ح	ریر	U	U
—	—	U	—	—	—	—	U	—	U	—	—	U	—	—	U
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم															
—	U	—	U	—	U	—	—	—	U	—	U	—	—	—	U
علامت هجایی مصراع دوم															
رُ	خَش	ب	رَن	گ	سُ	هیل	ل	بَش	ب	بو	ی	ع	بیر	U	U
خط عروضی مصراع دوم															
رُخَش ب رَنگ سُهیل لَبَش ب بوی عَبیر															

چنان بود تابناک که زهراش مشتری است													بیت ۹۶		
چنان بود تابناک که زهراش مشتری است													خط عروضی مصراع اول		
چ	نان	ب	وَد	تا	ب	ناک	ک	زَه	ر	اَش	مُش	ت	ریست	U	U
—	—	U	—	—	—	—	U	—	U	—	—	U	—	—	U
اختلاف هجاهای روبه‌روی هم															
—	U	—	—	—	—	—	—	—	U	—	—	U	—	—	U
علامت هجایی مصراع دوم															
چ	بَر	گ	شا	ید	د	هَن	ب	شک	ل	اَن	گُش	ت	ریست	U	U
خط عروضی مصراع دوم															
چ بَر گشاید دَهَن ب شِکَل اَنگَشتریست															

تست فصل هشتم

توجه: تست‌های این قسمت ترکیبی از تست‌های همسان و ناهمسان می‌باشد. اگر سال یازدهمی هستید به تست‌های میان فصل مراجعه کنید.

تست ۵۱ کدام مصراع بر وزن «مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن» است؟

- (۱) خیزید ای میخوارگان تا خیمه برگردون زنیم
- (۲) آن شد که بار منت ملاح بردمی
- (۳) هم سینه پر از آتش هم دیده پر آب اولی
- (۴) دیوانه شدم بر سر دیوانه قلم نیست

تست ۵۲ کدام مصراع بر وزن «مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن» است؟

- (۱) در گوش من مجال نمانده است پند را
- (۲) امروز چه دانی تو که در آتش و آبم
- (۳) قصد شکار داری یا اتفاق بستان
- (۴) خوش می‌رود این سماع روحانی

تت ۵۳ کدام مصراع وزن ناهمسان دارد؟

- (۱) دشمنان را ز خون کفن سازیم
(۲) زمانه ساغر شادی به یاد می‌گساران زد
(۳) دگرم مگو که خواهم که ز درگهت برانم
(۴) غیر از این صورت تصور کن وجودی دیگرم

تت ۵۴ کدام مصراع وزن متفاوت دارد؟

- (۱) ای مرهم ریش و مونس جانم
(۲) ما نیز یاد دوست نیفتادیم
(۳) گفتم که نیزم آب رخ زین بیش
(۴) ای گلبن بوستان روحانی

تت ۵۵ رکن پایانی کدام بیت «فعلن» نیست؟

- (۱) دلم برد و به جان زینهار می‌دهد
(۲) صبح می‌خندد و من گریه‌کنان از غم دوست
(۳) یار باید که هر چه یار کند
(۴) گر دلم در عشق تو دیوانه شد عیش مکن
(۱) کمان سخت که داد آن لطیف بازو را
(۲) دیار هند و اقالیم ترک بسپارند
(۳) مرا که عزلت عنقا گرفته بودم همه عمر
(۴) به رنج بردن بیهوده گنج نتوان برد

تت ۵۶ وزن کدام بیت به هم ریخته است؟

- (۱) کمان سخت که داد آن لطیف بازو را
(۲) دیار هند و اقالیم ترک بسپارند
(۳) مرا که عزلت عنقا گرفته بودم همه عمر
(۴) به رنج بردن بیهوده گنج نتوان برد

تت ۵۷ کدام مصراع بر وزن «فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن» سروده شده است؟

- (۱) چون تو سرگردان نگشتی منکر گوی از چه گردی
(۲) دوستداران دوستکام‌اند و حریفان با ادب
(۳) باغبان همچو نسیمم ز در خویش مران
(۴) بیم آن است دمامم که چو پروانه بسوزم

تت ۵۸ کدام بیت را می‌توان به دو روش دسته‌بندی هجایی کرد؟

- (۱) عمریست تا من در طلب هر روز گامی می‌زنم
(۲) اگر او به قصد جانم کمر جفا ببندد
(۳) کسی ز دلم برون روی زانکه چو من نبوده‌ام
(۴) پس بر سر این دو راهی‌ای آرزو نیاز
(۱) دست شفاعت هر زمان در نیک نامی می‌زنم
(۲) چه کنم که جان شیرین نکنم فدای جانم
(۳) عشق تو بوده است و بس در دل من به جان تو
(۴) تا هیچ نمانی که نمی‌آیی باز

تت ۵۹ کدام مصراع دولختی است؟

- (۱) تا چند اسیر عقل هر روزه شویم
(۲) راهی است راه عشق که هیچش کرانه نیست
(۳) ای لب و گفتار تو کام دل و قوت جان
(۴) رقیب آزارها فرمود و جای آشتی گذاشت

تت ۶۰ کدام مصراع وزن ناهمسان ندارد؟

- (۱) باور مکن که دست ز دامن بدارمت
(۲) روز گلستان و نوبهار چه خسی
(۳) هزار قرعه به نامت زدیم و باز نگشتی
(۴) کس شک نکند که سرو بستانی

تت ۶۱ رکن پایانی کدام مصراع «مفاعیلن» است؟

- (۱) از لعل تو یک زمان شکیم نیست
(۲) روان از منظر چشمم برون جست
(۳) در آشفته‌گی زلفش آشوب شهری
(۴) خیز که ما کرده‌ایم توبه ز تقوی



تست ۶۲ پایه‌های آوایی کدام گزینه را می‌توان در دو بیت زیر مشاهده کرد؟

- الف- گر دست دوستان نرسد باغ را چه جرم
ب- شیوه عشق اختیار اهل ادب نیست
۱) فعلاتن - مفتعلن - فاعلاتن
۲) مفاعیل - مفاعیلن - فاعلن - مفاعیلن
۳) مفعول - فاعلات - مفتعلن
۴) مفعولن - فاعلن - مفاعیلن

تست ۶۳ با توجه به ۳ بیت زیر کدام گزینه صحیح نیست؟

- الف) باغ مزین چو بارگاه سلیمان
ب) عجب در آنکه تو مجموع و گر قیاس کنی
ج) صاحب‌نظران این نفس گرم چو آتش
۱) هر سه بیت ناهمسان هستند.
۲) دو بیت را به دو روش می‌توان دسته‌بندی هجایی کرد.
۳) ابیات وزن واژه مشترک ندارند.
۴) وزن هیچ‌کدام از ابیات «مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن» نیست.

تست ۶۴ ابیات کدام گزینه هم ناهمسان هستند و هم به دو صورت دسته‌بندی هجایی می‌شوند؟

- الف) گر تو شکرخنده آستین نشانی
ب) ای ذره تو در مقابل خورشید
ج) رنجور عشق دوست چنانم که هر که دید
د) هوشم نماند با کس اندیشه‌ام تویی بس
۱) الف - ج
۲) ب - د
۳) ب - ج
۴) الف - د

تست ۶۵ کدام شعر بر وزن «مفتعلن فاعلات مفتعلن فع» است؟

- ۱) سرو گلستان من قامت دلجوی توست
۲) در گذر از ظلمت دل غرق سیاهی چه شوی
۳) گلبن عیش می‌دمد ساقی گلگذار کو
۴) دور به آخر رسید و عمر به پایان

تست ۶۶ چند مورد از ابیات زیر یا دوری هستند یا به دو صورت دسته‌بندی هجایی می‌شوند؟

- الف) وصفش نداند کرد کس دریای شیرین است و بس
ب) چراغ مجلس مستان ز شمع چهره برافروز
ج) اگر روم بدود اشک و دامنم گیرد
د) هر چند نمک چون شکرت شور جهانی است
ه) تو دور و من از تو نیز هم دور
۱) یک
۲) دو
۳) سه
۴) چهار

تست ۶۷ چند مورد از ابیات زیر، هم ناهمسان هستند و هم به دو صورت دسته‌بندی هجایی می‌شوند؟

- الف) ای ساقی آتش‌روی آن آب چو آتش ده
ب) تا چند اسیر رنگ و بو خواهی شد
ج) هر که غریب است و پای بند کمندت
د) آن گل رخسار نگر نام گلستان چه بری
ه) گفتم که چشم مست تو خونم بریخت گفت
۱) یک
۲) دو
۳) سه
۴) چهار

تست ۶۸ کدام بیت با هیچ یک از ابیات دیگر وزن واژه مشترک ندارد؟

- ۱) یاران همه مخمور و قدح پر می ناب است
۲) نکنم خلاف رایش به جفا و جور دشمن
۳) هر دم به هوای خاک کویت
۴) گر گنج طلب داری از مار مترس ای دل
ما جمله جگر تشنه و عالم همه آب است
که محب دوست بیمی نبود ز هر گزندش
پر می‌زنمدم کبوتر دل
ور خرمن گل خواهی از خار مترس ای دل

تت ۶۹ کدام بیت از وزن اصلی غزل خارج شده است؟

- (۱) باده نوشی که در او روی و ریایی نبود
(۲) ما نه زندان ریابیم و حریفان نفاق
(۳) فرض ایزد بگذاریم و به کس بد نکنیم
(۴) این چه عیب است کز آن عیب خلل خواهد بود
- بهرتر از زهد فروشی که در او روی و ریاست
آن که او عالم همه است بدین حال گواست
و آن چه گویند روانیست، نگوییم رواست
ور بود نیز چه شد؟ مردم بی عیب خداست

تت ۷۰ ترتیب ابیات زیر به لحاظ «ناهمسان با دودسته بندی هجایی، دولختی با یک دسته بندی هجایی، ناهمسان با یک دسته بندی هجایی» در کدام گزینه دیده می شود؟

- (الف) از آن به دیر مغانم عزیز می دارند
(ب) با ضعف و ناتوانی همچون نسیم خوش باش
(ج) در کعبه کوی تو هر آن کس که بیاید
(د) چند به ناز پرورم مهر بتان سنگدل
- (۱) الف - ج - ب - د (۲) الف - ب - ج - د (۳) ج - د - ب - الف (۴) د - ب - ج - الف
- که آتشی که نمیرد همیشه در دل ماست
بیماری اندر این ره بهتر ز تندرستی
از قبله ابروی تو در عین نماز است
یاد پدر نمی کنند این پسران ناخلف

تت ۷۱ کدام بیت همسان دولختی است؟

- (۱) خلاف سرو را روزی خرامان سوی بوستان آی
(۲) تا چه خواهد کرد با من دور گیتی زین دو کار
(۳) خورشید به گل نهفت می نتوانم
(۴) نیست مرا به جز بدن یک سر موی در میان
- دهان غنچه بگشای و چو گلبن در گلستان آی
دست او در گردنم یا خون من در گردنش
و اسرار زمانه گفت می نتوانم
نیست تو را به جز میان یک سر موی بر بدن

تت ۷۲ رکن پایانی کدام دو بیت یکسان است؟

- (الف) نه من ز بی عملی در جهان ملولم و بس
(ب) من بیچاره گردن به کمند
(ج) آب از گل رخساره او عکس پذیرفت
(د) صدفوار باید زبان درکشیدن
(ه) تدبیر چه سود از آنکه نتوان
- (۱) الف - ج (۲) ب - د (۳) ج - د (۴) ب - ه
- ملاحت علما هم ز علم بی عمل است
چه کنم گر به رکابش نروم
و آتش به سر غنچه گلناز برآمد
که وقتی که حاجت بود در چکانی
آزاد شدن ز بند تقدیر

تت ۷۳ در کدام گزینه وزن واژه «فعالتن» دیده نمی شود؟

- (۱) ز هر که از رخ زیبایی او خبر پرسم
(۲) فتنه بنشان و یک زمان بنشین
(۳) من اگر به خنده گویم دهندش به پسته ماند
(۴) گر چو زنجیر به هم پیوستیم
- چو نیک بنگرم آن هم ز شوق بی خبر است
که قیامت ز قامت برخاست
مشنو که هیچ نبود به لطافت دهانش
این فروستن درها ز کجاست

تت ۷۴ کدام گزینه می تواند مصراع دیگری از شعر «به قصد جان من آنکس که می کشد شمشیر» باشد؟

- (۱) هر که او را ذره ای با ماه رویان مهر نیست
(۲) اگر چنان که ندانی پیرس چوگان را
(۳) به کمند تو گرفتار و به دام تو اسیر
(۴) تو را که درد نباشد ز درد ما چه تفاوت

تت ۷۵ کدام یک از ابیات دولختی زیر ویژگی اوزان دوری را ندارد؟

- (۱) در پای تو افتادن شایسته دمی باشد
(۲) شمع بخواید نشست باز نشین ای غلام
(۳) نه توانگران ببخشند فقیر ناتوان را
(۴) خفته خبر ندارد سر بر کنار جانان
- ترک سر خود کردن زیبا قدمی باشد
روی تو دیدن به صبح روز نماید تمام
نظری کن ای توانگر که به دیدنت فقیرم
کاین شب دراز باشد بر چشم پاسبانان

ت۶ با توجه به ۳ بیت زیر کدام گزینه نادرست است؟

- الف - بار بیفکند شتر چون برسد به منزلی
ب - کس مشکل اسرار اجل را ننگشاد
ج - چو غنچه بر سرم از کویی او گذشت نسیمی
د - در بین ابیات فقط یک بیت ناهمسان وجود دارد.
ه - در بین ابیات دو بیت وزن دوری دارند.
- ۱) دو بیت از ابیات را می‌توان به دو صورت دسته‌بندی هجایی کرد.
۲) فقط در دو بیت وزن‌واژه «مفاعِلن» وجود دارد.

ت۷ کدام وزن‌واژه را در هر دو بیت زیر می‌توان دید؟

- الف) از در بخشندگی و بنده‌نوازی
ب) روزی نبود بی تو که در یادم
۱) فاعلاتُ ۲) فاعلن
۳) مفعولُ ۴) مفاعیلُ

ت۸ وزن کدام مصراع‌ها نادرست است؟

- الف) کس نیست که افتاده آن زلف دو تا نیست
ب) خلوت‌گزیده را به تماشا چه حاجت است
ج) از لعل تو یک زمان شکیم نیست
د) به سعی خود نتوان برد پی به گوهر مقصود
ه) بس که ببارید آب حسرتم از چشم
۱) الف - ج ۲) ب - ه ۳) الف - د ۴) د - ه
- (مفعول مفاعیل مفاعیل فعل)
(مستعلن مفاعل مستعلن فعل)
(مفعول فاعلات مفاعیلن)
(مفاعیلن فعلاتن مفاعیلن فعلاتن)
(مفتعلن فاعلات مفتعلن فع)

ت۹ با توجه به ۳ بیت زیر کدام گزینه صحیح نمی‌باشد؟

- الف) به صدق کوش که خورشید زاید از نفست
ب) مسند به گلستان بر تا شاهد و ساقی را
ج) شب صحبت غنیمت دان و داد خوش‌دلی بستان
دو بیت ناهمسان در ابیات وجود دارد.
یکی از ابیات نه دوری است و نه ناهمسان.
- ۱) که از دروغ سیه‌روی گشت صبح نخست
لب‌گیری و رخ بوسی می‌نوشی و گل بویی
که مهتاب دل‌افروز است و طرف لاله‌زاری خوش
۲) تنها یک بیت را می‌توان به دو روش دسته‌بندی هجایی کرد.
۴) تنها یکی از ابیات وزن دوری دارد.

ت۸۰ با توجه به دو بیت زیر کدام گزینه نادرست است؟

- الف) از در خویشم مران که از خم گیسو
ب) گر برکشی و گر بکشی رای رای توست
۱) هر دو بیت ناهمسان هستند.
۲) یکی از ابیات را فقط به دو روش می‌توان دسته‌بندی هجایی کرد.
۳) دو بیت هیچ وزن‌واژه مشترکی با یکدیگر ندارند.
۴) در یکی از ابیات وزن‌واژه «فع» وجود دارد.

ت۸۱ ترتیب ابیات زیر به لحاظ «دولختی با یک دسته‌بندی هجایی، ناهمسان با یک دسته‌بندی هجایی، دولختی با دو دسته‌بندی هجایی» در کدام گزینه دیده می‌شود؟

- الف) چو طلعت تو مرا منتهای مقصود است
ب) به تو با تو راز گویم به زبان بی‌زبانی
ج) زلف سیه چه آری در پیش چشم جادو
د) تا کی ندهی داد من ای داد ز دستت
۱) الف - ج - د - ب ۲) ب - الف - د - ج ۳) ج - د - الف - ب ۴) ج - ب - د - الف
- بیا که عمر من این پنج روز معدود است
به تو از تو راه جویم به نشان بی‌نشانی
با ساحران بابل ثعبان چه کار دارد
رحم آر که خون در دلم افتاد ز دستت

تت ۸۲ در بین مصراع‌های زیر به ترتیب چند مصراع ناهمسان و چند مصراع همسان دولختی است؟

- امروز یقین شد که تو محبوب خدایی
- هر که را با دلستانی عیش می‌افتد زمانی
- من نیز به خدمتت کمر بندم
- خود که باشد که تو را ببند و عاشق نشود
- همه عمر در فراق بگذشت و سهل باشد
- روی گشاده‌ای صنم طاق خلق می‌بری

- (۱) «یک» - «یک» (۲) «دو» - «دو» (۳) «یک» - «دو» (۴) «دو» - «یک»

تت ۸۳ وزن کدام بیت با دیگر ابیات متفاوت است؟

- (۱) پیاده ندیدی که جنگ آورد
- (۲) بیابد هوس کردن از سر به در
- (۳) به سبزه کجا تازه گردد دلم
- (۴) آنچه دیدی برقرار خود نماند
- سر سرکشان زیر سنگ آورد
- که دور هوس‌بازی آمد به سر
- که سبزه بخواهد دمید از گلم
- این چه بینی هم نماند برقرار

تت ۸۴ بیت زیر با کدام بیت هم‌وزن است؟

- «ای خوب‌تر از لیلی بیم است که چون مجنون
- (۱) وقتی دل سودایی می‌رفت به بستان‌ها
- (۲) به حسنِ خُلق و وفا کس به یار ما نرسد
- (۳) ز فراق چون ننالم من دل شکسته چون نی
- (۴) ای باد بامدادی خوش می‌روی به شادی
- عشق تو بگرداند در کوه و بیابانم»
- بی‌خویشتم کردی بوی گل و ریحان‌ها
- تو را در این سخن انکار کار ما نرسد
- که بسوخت بندبندم ز حرارت جدایی
- پیوند روح کردی پیغام دوست دادی

تت ۸۵ وزن بیت زیر در کدام گزینه درست ذکر شده است؟

- «آن را که بصیرت نبود، یوسف صدیق
- (۱) مُسْتَفْعِلُ فَاعِلَاتُ مُسْتَفْعِلُ فَعَلْ
- (۲) مَفْعُولُ فَاعِلَاتُ مَفَاعِلُ فَاعِلُنْ
- (۳) مُسْتَفْعِلُنْ مَفَاعِلُ مُسْتَفْعِلُنْ فَعَلْ
- (۴) مَفْعُولُ مَفَاعِلُ مَفَاعِلُ فَعُولُنْ
- جایی بفروشد که خریدار نباشد»

تت ۸۶ کدام بیت در وزن «مَفْعُولُ مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ» سروده شده است؟

- (۱) ویرانه آب و گل چون مسکن بوم آمد
- (۲) ای گشته چنان و آن چنان تر
- (۳) در شهر که دیده است چنین شهر بقی را
- (۴) صد شعله آتش است در دیده
- این عرصه کجا شاید پرواز همایی را
- هر جان که بدیده او چنین را
- در بر که کشیده است سهیل و قمری را
- از نکته دل که آتشین باشد

تت ۸۷ وزن مقابل کدام مصراع نادرست است؟

- (۱) ای صوفیان عشق بدرید خرقه‌ها
- (۲) گنج در آستین و کیسه تهی
- (۳) کان حسن تو پنهان شدنی نیست بیا
- (۴) سرمایه برفت و سود می‌جویم
- (مَفْعُولُ فَاعِلَاتُ مَفَاعِلُ فَاعِلُنْ)
- (فَاعِلَاتُنْ مَفَاعِلُنْ فَعَلُنْ)
- (مُسْتَفْعِلُ مُسْتَفْعِلُ مُسْتَفْعِلُ مُسْتَفْ)
- (مُسْتَفْعِلُ فَاعِلَاتُ مُسْتَفْعِلُ)

تت ۸۸ وزن همه گزینه‌ها به جز گزینه در مقابل آن درست نوشته شده است.

- (۱) سخن به لطف و کرم با درشت‌خوی مگوی
- (۲) جان گرمی نهاده بر کف دستیم
- (۳) ندهد مرد هوشمند جواب
- (۴) از اکذب اوست احسن او
- (مفاعن فعلاتن مفاعن فعلاتن)
- (مفتعلن فاعلات مفتعلن فع)
- (فعلاتن مفاعن فعلمن)
- (مفعول مفاعن فعولن)

تت ۸۹ در بیت کدام گزینه یک هجا از آخرین پایه آوایی کاسته شده است؟

- (۱) بیا تا گل برافشانیم و می در ساغر اندازیم
- (۲) نگارا چرا قول دشمن شنیدی
- (۳) داد جاروبی به دست آن نگار
- (۴) مرا گر ز وصل تو رنگی برآید
- فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو در اندازیم
- چرا بهر دشمن ز چاکر بریدی
- گفت کز دریا برانگیزان غبار
- رها کن که نامم به ننگی برآید

تست ۹۰ در بین مصراع‌های زیر به ترتیب چند مصراع «ناهمسان» و چند مصراع «با دو دسته‌بندی هجایی» وجود دارد؟

- غمش در نهانخانه دل نشیند
- دل من نه مرد آن است که با غمش برآید
- دیده نگه داشتیم تا نرود دل
- دل بی تو به جان آمد وقت است که بازآیی
- روا بُود که چنین بی حساب دل ببری؟
- سلسله‌ی موی دوست حلقه دام بلاست

(۱) «یک» - «یک» (۳) «دو» - «دو» (۳) «یک» - «دو» (۴) «دو» - «یک»

آرایه‌های ادبی

کلیات آرایه‌های ادبی

آرایه‌های ادبی در یک نگاه کلی به دو بخش بیان (با صور خیال) و بدیع تقسیم می‌شود.

بیان (صور خیال): آرایه‌هایی را می‌گویند که کار تصویرسازی و مخیل کردن شعر را بر عهده دارند و در سطح کنکور موارد زیر را شامل می‌شود.

تشبیه: تشبیه کامل، تشبیه بلیغ (تشبیه بلیغ اسنادی و تشبیه بلیغ اضافی یا اضافه تشبیهی)
استعاره: استعاره مصرحه، استعاره مکنیه (اضافه‌ی استعاری، تشخیص)
مجاز: با علاقه‌های شباهت، محلیه، کلیه، جزئیه و لازمی، آلت و ...
کنایه

بدیع: آرایه‌هایی را می‌گویند که موسیقی لفظی و معنوی را افزایش می‌دهند و به دو دسته **بدیع لفظی** و **بدیع معنوی** تقسیم می‌شود.
بدیع لفظی: آرایه‌هایی هستند که موسیقی لفظی کلام را افزایش می‌دهند و یکسانی یا مشابهت لفظی به وجود می‌آورند. مثلا دو کلمه «دست و مست» از نظر معنایی با هم ارتباطی ندارند ولی **تلفظ** آن‌ها شبیه به هم است و این **تلفظ** مشابه، صدای یک‌نواختی دارد و **موسیقی کلام** را افزایش می‌دهد. بدیع لفظی در سطح کنکور، موارد زیر را شامل می‌شود.

بدیع لفظی تکرار، واج‌آرایی، سجع، جناس و اشتقاق.
موازنه و ترصیع نیز دو آرایه بدیع لفظی هستند که مخصوص رشته انسانی‌اند.

بدیع معنوی: آرایه‌هایی هستند که با توجه به روابط معنایی کلمات و عبارات حاصل می‌شوند و یک نوع موسیقی معنوی ایجاد می‌کنند. مثلا وقتی «گل و باغ و شبنم» را در شعری به کار می‌بریم، این کلمات از نظر لفظی مشابهتی با هم ندارند، ولی **از نظر معنایی** در ارتباط هستند و یک هماهنگی در ذهن شنونده ایجاد می‌کنند که سبب لذت ادبی می‌شود، این کارکرد را بدیع معنوی می‌گویند. بدیع معنوی در سطح کنکور، موارد زیر را شامل می‌شود.

بدیع معنوی: حس آمیزی، حُسن تعلیل، پارادوکس، تضاد، ایهام و ایهام تناسب، اسلوب معادله، تلمیح، تضمین، مراعات نظیر، لف و نشر، اغراق، مثل و تخلص.

توجه: برای پاسخگویی به تست‌های ترکیبی، سعی کنید ابتدا با گروه اول پاسخ دهید و اگر نشد با گروه دوم و تا جای ممکن سمت گروه سوم نروید! گروه چهارم هم معمولا یا در تست‌ها نمی‌آیند و یا بی‌تاثیر هستند ولی به هر حال آن‌ها را نیز باید یاد بگیرید.

گروه اول	حس آمیزی، پارادوکس، حُسن تعلیل، اسلوب معادله
گروه دوم	جناس، تلمیح، اغراق، تضاد
گروه سوم	انواع تشبیه، انواع استعاره، انواع مجاز، کنایه، ایهام و ایهام تناسب
گروه چهارم	مراعات نظیر (تناسب)، تکرار، واج‌آرایی، سجع، تضمین، نماد و ...

بیان

آرایه‌های سال یازدهم

تشبیه

تشبیه **مهم‌ترین** بخش بیان یا صور خیال است. تشبیه هنگامی است که شاعر دو چیزی را که در اصل به هم شبیه نیستند، به هم تشبیه کند. مثلاً «تو ماه هستی» تشبیه است، اما «تو یار غمگسار هستی» تشبیه نیست، زیرا واقعیت است. ابتدایی‌ترین و کامل‌ترین تشبیه که به آن تشبیه کامل یا گسترده می‌گویند، تشبیهی است که ۴ رکن دارد: «**مشبّه، ادات تشبیه، مشبّه‌به، وجه‌شبهه**». ولی شاعران برای خیال‌انگیز کردن کلام یا گسترش دادن معنی وجه شبه را حذف می‌کنند و یا برای تأکید بیشتر گاهی ادات تشبیه را حذف می‌کنند. که این حالت را نیز تشبیه کامل می‌گویند و یا هر دوی آن‌ها را حذف می‌کنند و از تشبیه فقط مشبّه و مشبّه‌به (**طرفین تشبیه**) باقی می‌ماند، که به آن تشبیه بلیغ یا فشرده می‌گویند.

بلم آرام چون قویی سبک‌بار	به نرمی بر سر کارون همی‌رفت
مشبّه: بلم (قایق)	مشبّه‌به: قو
ادات تشبیه: چون	وجه شبه: به نرمی رفتن
گرت ز دست برآید چو نخل باش کریم	ورت به دست نیاید، چو سرو باش آزاد
مشبّه: (تو)	مشبّه‌به: نخل
ادات تشبیه: چو	وجه شبه: کریم و بخشدن بودن
گرم و روشن بود	شرم
همچون	مشبّه‌به
مشبّه	مشبّه‌به
وجه‌شبهه	ادات تشبیه

تشبیه بلیغ

هرگاه از ارکان تشبیه، فقط مشبّه و مشبّه‌به یعنی فقط طرفین تشبیه آمده باشد آن تشبیه را، تشبیه بلیغ می‌گویند. تشبیه بلیغ به دو شکل می‌آید.

تشبیه بلیغ اسنادی: مشبّه + مشبّه‌به + فعل اسنادی: عشق آتش است، تو کوهی، سروی
 تشبیه بلیغ اضافی «اضافه تشبیهی»: مشبّه‌به + - یا -ی + مشبّه: آتش هجران، کمند زلف

تشبیه بلیغ

توجه: اضافه تشبیهی، در معدود مواردی به صورت «مشبّه + - یا -ی + مشبّه‌به» می‌آید. یعنی مشبّه، جلوتر از مشبّه‌به می‌آید. مانند: لب لعل و قد سرو، روی ماه...

توجه: درک تشبیه بلیغ، نسبت به تشبیه کامل، سخت‌تر است، در کنکور نیز بیشتر از تشبیه بلیغ استفاده می‌کنند.

این عشق آتشی است که جان مرا گرفت	داغی به دل نهاد و دلم زان نشان گرفت
تو بهاری، تو بَتی، آتش جانی، سروی	من همان خاک رهم، آتش عشقت کفتم
هر چند زمین‌گیر بود دانه‌ی امید	دست گرم ابر گهربار بلند است
تا خارِ غم عشقت، آویخته در دامن	کوتاه‌نظری باشد، رفتن به گلستان‌ها

توجیه: بعضی از تشبیه‌های اسنادی، کمی دیرپاب‌تر می‌باشند و به دقت بیشتری نیاز دارند.

وصل، هجران است اگر دل‌ها ز یکدیگر جداست هجر، باشد وصل اگر دل‌ها به هم پیوسته است

ادات تشبیه

چو، چون، همچو، مثل، مانند، نظیر، عین، به‌سان، به کردار، شبیه، به گونه‌ای که، آن‌سان که، به شیوه‌ی، به طرز، و ... و فعل‌های «مانستن، ماند، گویی و گفتی» و موارد مشابه نیز می‌توانند ادات تشبیه باشند. همچنین کلماتی مانند «به رنگ، به جای، در حکم، در حق و ...» نیز می‌توانند ادات تشبیه باشند و تشبیه بسازند. «آب در جای نور است»

«از عکس ریاحین او، پر زاغ چون دم طاووس نمودی و در پیش جمال او دم طاووس به پر زاغ مانستی.»

با اهل فنا دارد هر کس سر یکرنگی باید که به رنگ شمع از رفتن سر خندد

نکته بسیار مهم: تشبیه ممکن است به صورت **یک واژه‌ی مشتق (وندی) و با پسوندهای شباهت** مانند: «وش، گون، وار، سا، آسا، دیس، انه و ...» آمده باشد.

از سوی خانه بیامد خواجه‌اش بر دکان بنشست، فارغ، خواجه‌وش

نکته بسیار مهم: تشبیه ممکن است به صورت **یک واژه‌ی مرکب** آمده باشد که قسمت دوم، مشبه و قسمت اول مشبه‌به می‌باشد. مانند: سیم‌تن، سروقد، شاه‌خصلت، درویش‌مسک، گدامنش و ... و یا کلمه اول مشبه باشد و دومی مشبه‌به مانند: ابروکمان، لب شکر و ...

ای سیم‌تن سیاه گیسو از فکر سرم سپید کردی
وقتی که چاره‌ی دل عشاق می‌کنی درد مرا به نیم شکرخنده چاره کن

توجیه: «چو» یا «چون» اگر معنای «**وقتی یا وقتی که یا زیرا که**» بدهند، ادات تشبیه نیستند و تشبیه نمی‌سازند.

چون نداری ناخن درنده تیز با دندان آن په، که کم گیری ستیز
چو آگاه شد دختر گزدهم که سالار آن انجمن گشت کم

نکته: تشبیه (مخصوصاً اضافه تشبیه‌ی) در نثر نیز بسیار به کار می‌رود.

باران رحمت بی‌حسابش همه را رسیده و **خوان** نعمت بی‌دریغش همه جا کشیده.

فرآش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترده و **دایه‌ی ابر بهاری** را فرموده تا **بنات نبات** در مهد زمین بپرورد. درختان را به خلعت نوروزی قبای سبز ورق در بر گرفته و **اطفال شاخ** را به قدوم موسم ربیع **کلاه شکوفه** بر سر نهاده.

باران رحمت: رحمت خداوند مانند باران گسترده است.

خوان نعمت: نعمت خداوند مانند خوان (سفره) پهن شده است.

فرآش باد صبا: باد صبا مانند فرآش (فرش گستراننده) در خدمت بود ...

دایه‌ی ابر بهاری: ابر بهاری مانند یک دایه در پرورش بود ...

بنات نبات: نباتات (گیاهان) مانند بنات (دختران) زیبا بودند و ...

مهد زمین: زمین مانند گهواره محل آرامش است.....

قبای سبز ورق: ورق (برگ‌ها) مانند پیراهنی سبز رنگ هستند که

اطفال شاخ: شاخه‌ها همچون کودکانی هستند که ...

کلاه شکوفه: شکوفه‌ها همچون کلاه هستند که ...

توجه: مشبّه، گاه ضمیر محذوف است که از **شناسه فعل** دریافت می‌شود.

خروشان و جوشان به کردار موج	فراز آمدند از کران فوج فوج
(آن‌ها) به کردار موج خروشان و جوشان جمع شدند.	
مشبّه ادات تشبیه مشبّه‌به وجه شبه	
چون سیل ز پیچ و تاب صحرا می‌رفت	همراه سحر، به فتح فردا می‌رفت
(او) چون سیل از پیچ و تاب صحرا می‌رفت.	
مشبّه ادات مشبّه‌به وجه شبه	

نکته: در اضافه تشبیهی ممکن است واژه‌ای بین مشبّه‌به و مشبّه بیاید. در ترکیب «قبای سبز ورق»، «ورق» به «قبا» تشبیه شده است. و «سبز» صفت مشبّه‌به است. در واقع «قبای ورق» اضافی تشبیهی است.

توجه: کنکور، کوچکترین شباهت و تشبیهی را «تشبیه» می‌گیرد. مثلا عبارت «من مانند رضا مهربان هستم» در محیط دانشگاهی غالبا تشبیه گرفته نمی‌شود؛ چرا که به واقعیت نزدیک است ولی کنکور این را تشبیه می‌گیرد.

نکته مهم: تشبیه گاه به صورت سوال می‌آید. در بیت زیر شاعر نگفته است: خال بناگوش تو مانند دانه‌ی درون دام است؟ بلکه این تشبیه صورت سوالی آورده است و گفته: خال بناگوش او مگر دانه دام است که انقدر به آن شبیه است. (وجه‌شبه این تشبیه «گرفتار کردن است» و وجه‌شبه‌های دیگری نیز می‌توان برای آن یافت. بیندیشید!)

دام دل صاحب نظرانت خم گیسوست وان خال بناگوش مگر دانه‌ی دام است؟

نکته بسیار مهم: اخیرا کنکور «تشبیه مضمّر» یعنی تشبیه پنهانی و نامحسوس» را، در سوالات کنکور می‌آورد. مثلا: دوست داشتم ماه را بینم و عکست را دیدم. اینجا در ظاهر با تشبیه و ساختار تشبیه (ادات تشبیه و وجه شبه) روبه‌رو نیستیم. (یعنی نه حالت تشبیه گسترده می‌بینیم و نه اضافه تشبیهی) ولی مشخص است که عکس یا چهره او به ماه تشبیه شده است. اینگونه تشبیه را که در ظاهر با ساختار تشبیه سروکار ندارد، تشبیه مضمّر می‌گویند.

بنمای رخ که باغ و گلستانم آرزوست
بگشای لب که قند فراوانم آرزوست
چنین که سجده برم بی‌حفاظ پیش جمالت
به عالمی شده روشن که آفتاب پرستم

نکته بسیار مهم: نوعی از تشبیه مضمّر تشبیهی است که با لف و نشر می‌آید. در اینگونه ابیات ظاهرا با تشبیه روبه‌رو نیستیم ولی وقتی به لف‌ها و نشرها دقت می‌کنیم، نوعی شباهت بین آن‌ها دیده می‌شود. این گونه تشبیهات نیز تشبیه مضمّر می‌باشند.

در چمن باد بهاری ز کنار گل و سرو
به هواداری آن عارض و قامت برخاست
با چنین زلف و رخس بادا نظربازی حرام
هر که روی یاسمین و جعد سنبل بایش

در بیت اول عارض به گل و قامت به سرو تشبیه شده است و در بیت دوم زلف به سنبل و رخ به یاسمین تشبیه شده است. **توجه:** تشبیه موجود در این دو بیت از نوع تفضیل می‌باشند چرا که مشبه به مشبه‌به تفضیل داده شده است.

توجه: مواردی مانند ابیات زیر نیز در ظاهر تشبیه ندارند ولی با دقت در معنای آن‌ها به تشبیه موجود در این ابیات پی می‌بریم.

گفتمش روی تو صد ره ز قمر خوب‌تر است
گفت خاموش که آن فتنه‌ی دور قمر است
اندکی گل به رخ خوب نگارم مانست
صبحدم باد صبا دامن او پر زر کرد
پسته را با دهن تنگ تو نسبت کردم
هر که روی یاسمین و جعد سنبل بایش

نکته بسیار مهم: یکی از سوالاتی که ممکن است مطرح شود، وجود وجه شبه در تشبیه است. در این حالت توجه داشته باشید «صفت مشبّه‌به» را با وجه شبه اشتباه نگیرید. در مثال «دانش اندر دل چراغ روشن است.» واژه «روشن» صفت مشبّه‌به است و وجه شبه نیست.

وجه شبه در تشبیه فوق، هدایتگری است. یا در تشبیه «رونده بی معرفت، مرغ بی پر است.» واژه «بی پر» صفت مشبّه به است و وجه شبه «عدم حرکت و ساکن بودن» است.

نکته بسیار مهم: یکی از سوالات مهم دیگر در حوزه تشبیه، بحث تعداد تشبیه است. در این مورد نیز باید به تشبیهاتی که به صورت معطوف می آیند، دقت کنید. گاه برای یک مشبّه چند مشبّه به می آورند؛ مثلا عبارت «معشوق من ماه و خورشید است.» دو تشبیه محسوب می شود. یا ممکن است برای چند مشبّه، یک مشبّه به بیاورند. در عبارت «روز و شبم آتش است.» نیز دو تشبیه آمده است.

نامت در چشمانم / چون لاله، سرخ / چون نسترن، سپید / و مثل سرو، سبز می ایستد. ۳ تشبیه

نکته: گاه ادات تشبیه از مشبّه به فاصله دارد و تصوّر می شود در بیت تشبیه نیست. به اینگونه ادات دقت کنید.

تو همچنان دل شهری به غمزه ای ببری که بندگان بنی سعد خوان یغما را

این حالت بیشتر در تشبیه های مرکب روی می دهد.

توجه: مبحث «اضافه تشبیهی» را حتما با مبحث «اضافه استعاری» و حتی «اضافه پارادوکسی» مطالعه کنید. چرا که ممکن است آن ها را با هم اشتباه بگیرید.

تست

تست ۹۱ در کدام بیت تشبیه به کار نرفته است؟

- ۱) گر پرتوی ز رویت در کنج خاطر افتد
- ۲) گلدسته ای امیدی بر جان عاشقان نه
- ۳) عاشق بگشتم ار چه دانسته بودم اول
- ۴) هر دم ز سوز عشقت سعدی چنان بنالد

تست ۹۲ در کدام گزینه تشبیه به کار رفته است؟

- ۱) داروی دل نمی کنم کآن که مریض عشق شد
- ۲) سعدی ار نوش وصال تو بیابد چه عجب
- ۳) نه چنان ز دست رفته است وجود ناتوانم
- ۴) مه دو هفته اسپرش گرفت و بند نهاد

تست ۹۳ در کدام بیت وجه شبه دیده می شود؟

- ۱) مرا نه دولت وصل و نه احتمال فراق
- ۲) من همان روز که آن خال بدیدم گفتم
- ۳) اگر چه صبر من از روی دوست ممکن نیست
- ۴) خار عشقت نه چنان پای نشاط آبله کرد

تست ۹۴ در کدام بیت تشبیه وجود دارد؟

- ۱) چنین شنیده ام از مفتی مسائل عشق
- ۲) اگر به بام برآیی که فرق داند کرد
- ۳) دمی ز وصل تو گفتم مگر به کام رسم
- ۴) به راه بادیه هرکس که خون نکرد حلال

- خلوت نشین جان را آه از حرم برآید
- تا رهروان غم را خار از قدم برآید
- کز تخم عشقبازی شاخ ندم برآید
- کز شعر سوزناکش دود از قلم برآید

هیچ دوا نیورد باز به استقامتش
سالها خورده ز زنبور سخن های تو نیش
که معالجت توان کرد به پند یا به بندش
دو هفته رفت که از وی خیر نیامد بیش

نه پای رفتن از این ناحیت نه جای مقام
بیم آن است بدین دانه که در دام افتم
همی کنم به ضرورت چو صبر ماهی از آب
که سر سبزه و پروای گلستان بودم

که مرد پخته نگردد مگر ز بادهی خام
که طلعت تو کدام است و آفتاب کدام
دمم به کام فرو رفت و برنیامد کام
حرام باد مر او را وصال بیت حرام



ت۹۵ تعداد تشبیه در کدام بیت، بیش از سایر ابیات است؟

- (۱) غمی که چون سپه زنگ ملک دل بگرفت
(۲) چون رایت عشق آن جهانگیر
(۳) صورت بی صورت بی حد غیب
(۴) بی تأمل چون عرق بر روی خوبان می رویم
- ز خیل شادی روم رخت زداید باز
شد چون مه لیلی آسمان گیر
ز آینه دل تافت بر موسی ز جیب
چون کمند زلف گستاخ بر و دوشیم ما

ت۹۶ در کدام بیت، تعداد تشبیه با دیگر ابیات تفاوت دارد؟

- (۱) خال تو تا دانه و زلفین تو شد دام
(۲) گل بستان خرد لفظ دلارای من است
(۳) تیر بلای او را جز دل هدف نشاید
(۴) آن بناگوش دل افروز است یا مه یا چراغ
- کیست که مرغ دلش از دام برآمد
بلبل باغ سخن منطق گویای من است
تیغ جفای او را جز جان سپر نباشد
کز شب زلف تو چون شمع شبستان تافته است

ت۹۷ آرایه «تشبیه» در کدام بیت، بیشتر یافت می شود؟

- (۱) سرسبز گشت باغ رخت از بهار خط
(۲) روی تو در آینه جان عکس بینداخت
(۳) میوه عیش بسی چیدم از آن نخل مراد
(۴) حلقه دام نجات است خم طره دوست
- یعنی فزود مهر دلم از نگاه تو
تا تخته تن پاک بگشت از همه رنگم
کی دهد باغ محبت ثمری بهتر از این
وای بر حالت مرغی که در این دام نبود

ت۹۸ در کدام بیت، بیشترین تشبیه وجود دارد؟

- (۱) چون تو خورشیدی نتابیده است در ایوان حسن
(۲) شب فراق که داند که تا سحر چند است
(۳) سوزن فکرت شکست رشته طاقت گسیخت
(۴) آشفته سخن چو زلف جانان خوش تر
- ذره ای چون من نرقصیده است در میدان عشق
مگر کسی که به زندان عشق در بند است
بس که زنو دوختم چاک گریبان دل
چون کار جهان بی سروسامان خوش تر

ت۹۹ در کدام بیت ادات تشبیه دیده نمی شود؟ پاسخ: گزینه

- (۱) باد نوروز چو برخاست نیارند نشست
(۲) دلق و سجاده حافظ ببرد باده فروش
(۳) کعبه در دامان شبگیر بلند افتاده است
(۴) ترسم که گیرد آن لب یاقوت فام را
- بلبلان بی گل و مستان صبحی بی می
گر شرابش ز کف ساقی مهوش باشد
پای خود پیچیده ای چون کوه در دامان چرا
خونی که می کنی به دل از ناز بوسه را

ت۱۰۰ در چند بیت از ابیات زیر تشبیه فشرده دیده می شود؟ پاسخ: گزینه ۳

- (الف) ز تیر غمزه ی عاشق کش تو ایمن نیست
(ب) در موی میانست سخنی نیست که خود نیست
(ج) تا نپنداری که گویم لاله چون رخسار توست
(د) نگریزد از کمند تو وحشی که گاه صبر
(ه) تا کند مرغ دلم را چون کیوتر پای بند
- (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار
- و گر نه هندوی زلفت چرا زره پوش است
لیکن سخن ار هست در آن پسته دهان است
کی به گل نسبت کند رامین جمال و بس را
راحت رسد ز بند تو سر در کمند را
بر کنار دانه دام از مشک ناب انداخته

ت۱۰۱ تعداد تشبیه در همه ابیات یکسان است، به جز:

- (۱) مریض شوق ز تیر ستم نمی رنجد
(۲) شد چمان در چمن حسن و لطافت لیکن
(۳) زلف لیلی صفتت دام دل مجنون است
(۴) چون سواد زلف شبرنگ تو را آرم به یاد
- قتیل عشق ز تیغ جفا نمی ترسد
در گلستان وصالش نچمیدیم و برفت
عقل بر دانه خال سیهت مفتون است
از سرم تا پای چون شمع آتش سودا گرفت

تت ۱۰۲ تعداد تشبیهات کدام بیت بیشتر است؟

- (۱) واله و شیداست دائم همچو بلبل در قفس
(۲) بمال بر لب خونخوار حرص، خاک قناعت
(۳) چون سنگ سرمه، خاکش پیرایه نظرهاست
(۴) به هر شورش مده چون موج از کف دامن دریا

تت ۱۰۳ در ابیات زیر چند وجه شبه مشهود است؟

- (الف) روی چون خورشید بنمای از نقاب
(ب) بی آن لب چون شکر تنم را
(ج) روح ز تو خوبتر به خواب نبیند
(د) درفشان لاله در وی چون چراغی
- (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

تت ۱۰۴ در ابیات زیر در مجموع چند تشبیه وجود دارد؟

- گفتم آن زلف و جبینم به چنین روز نشاند
گفتمش قد بلندت به صنوبر ماند
گفتمش خون جگر چند خورم در غم عشق
- (۱) سه (۲) چهار (۳) پنج (۴) شش
- گفت کان زلف و جبین نیست که شام و سحر است
گفت کاین دلشده را بین که چه کوتاه نظر است
گفت داروی دلت صبر و غذایت جگر است

تت ۱۰۵ در هر دو مصراع کدام گزینه تشبیه وجود دارد؟

- (۱) حافظ از چشمه‌ی حکمت به کف آور جامی
(۲) هرگز نقش تو از لوح دل و جان نرود
(۳) به لابه گفتمش ای ماهرخ چه باشد اگر
(۴) صحبت حکام ظلمت شب یداست
- بو که از لوح دلت نقش جهالت برود
هرگز از یاد من آن سرو خرامان نرود
به یک شکر ز تو دلخسته‌ای بیاساید
نور ز خورشید جوی بو که برآید

تت ۱۰۶ در کدام گزینه تشبیه به کار نرفته است؟

- (۱) گویند سنگ لعل شود در مقام صبر
(۲) در ازل داده است ما را ساقی لعل لب
(۳) دلم ریمده‌ی لولی‌وشی است شور انگیز
(۴) کمان ابروی جانان نمی‌پیچد سر از حافظ
- آری شود ولیک به خون جگر شود
جرعه‌ی جامی که من مدهوش آن جامم هنوز
دروغ‌وعده و قتال‌وضع و رنگ‌آمیز
ولیکن خنده می‌آید، بدین بازوی بی‌زورش

تت ۱۰۷ در تمام ابیات همه ارکان تشبیه وجود دارد، به جز

- (۱) در غمش چون دانه نار است آب چشم من
(۲) مرغان چمن باز چو من عاشق و مستند
(۳) خورشید را به روی تو تشبیه چون کنم
(۴) پروای سرد و گرم خزان و بهار نیست
- وز لبش کام روانم ناردانی بیش نیست
کان نرگس مست و گل خندان من اینجاست
کاو همچو بندگان بدهد بوسه بر جناب
آن را که همچو سرو و صنوبر قبا یکی است



ت۱۰۸ در همه ابیات همه ارکان تشبیه یافت می شود، به جز:

- (۱) گویی شب هجر تو چو بخت سیه من
- (۲) من از لب میگون تو مستی طلبیدم
- (۳) رقص آیدم از ساز تو چون زهره چنگی
- (۴) پیش رخ روشن تر از آینهات ای ماه

ت۱۰۹ وجه شبه در کدام بیت، محذوف است؟

- (۱) مه چه باشد که به روی تو برابر کنم
- (۲) نگویمت به تو می ماند از عزیزی عمر
- (۳) خواهم سرخود گوی صفت باخت ولیکن
- (۴) تیر مژگان تو از جوشن جان می گذرد

ت۱۱۰ در کدام بیت تشبیه وجود دارد؟

- (۱) حیف باشد که به افسوس جهان می گذرد
- (۲) تا جدا مانده ام از روی تو هرگز گفتمی
- (۳) تاب آن سنبل پرتاب که را می باشد
- (۴) نبود شرط محبت که بنالند از دوست

ت۱۱۱ در کدام بیت وجه شبه وجود دارد؟

- (۱) باش تا روی تو خورشید جهانتاب شود
- (۲) باش تا شمع خیال تو به هنگام صبح
- (۳) باش تا آهوی شیرافکن روبه بازت
- (۴) باش تا آب حیاتی که خضر تشنه ای اوست

ت۱۱۲ در ابیات زیر چند وجه شبه وجود دارد؟

- (۱) گرت هواست که با خضر همنشین باشی
- (۲) چو غنچه گر چه فروبستگی است کار جهان
- (۳) آن خوش خبر کجاست که این فتح مژده داد

(۱) چهار (۲) پنج (۳) شش (۴) هفت

ت۱۱۳ کدام بیت، فاقد «تشبیه» است؟

- (۱) ماه از شرم عذار تو حصارى شده است
- (۲) غافل از خال و خط و زلف و دهان تو شده است
- (۳) شور مرغان چمن حوصله سوز است امروز
- (۴) تا قیامت گرهش باز نگردد چون خال

ت۲۴۱ تعداد آرایه «تشبیه» در کدام بیت با بقیه یکسان نیست؟

- (۱) ماهی نتافت همچو تو از برج نیکویی
- (۲) چشمه چشم من از سرو قدت یابد، آب
- (۳) لب تو خضر و دهان تو آب حیوان است
- (۴) سینه ام مجرم و عشق آتش و دل چون عود است

ت۱۱۵ تعداد آرایه «تشبیه» در همه ابیات یکسان است به جز:

- (۱) اگر یک سو کنی زان رخ سر زلف چو سنبل را
- (۲) رشته صبرم به مقراض غمت ببریده شد
- (۳) گر چه چون عنقا به قاف عشق کردیم آشیان
- (۴) عشق دردانه ست و من غواص و دریا می کده

تذکره ۱۱۶ تعداد «تشبیه» در همهٔ ابیات یکسان است به جز:

- (۱) گر تو شیرین شکرلب به شکرخنده درآیی
 - (۲) ز اوحدی گل رخسار خود نهفته چه داری؟
 - (۳) آتش مهر تو را حافظ عجب در سر گرفت
 - (۴) چو آفتاب می از مشرق پیاله برآید
- به شکرخنده شیرین دل خلقی بریایی
بیا، که مهرهٔ دل را به خار هجر تو سفتم
آتش دل کی به آب دیده بنشانم چو شمع
ز باغ عارض ساقی هزار لاله برآید

تذکره ۱۱۷ تعداد تشبیهات در کدام گزینه کمتر است؟

- (۱) روز تویی روزه تویی حاصل دربوزه تویی
 - (۲) حسن حوران شمس دین و باغ رضوان شمس دین
 - (۳) دست از مس وجود چو مردان ره بشوی
 - (۴) زلف و خط آن سروقد سیمین بر
- بحر تویی کوزه تویی آب ده ای یار مرا
عین انسان شمس دین و شمس دین فخر و کبار
تا کیمیای عشق بیایی و زر شوی
از مشک مسلسلست یا سنبل تر

استعاره

استعاره در لغت یعنی «به عاریت گرفتن و قرض گرفتن» اما در اصطلاح ادبی، آرایه‌ای است که یک واژه در معنای واژه‌ی دیگر به کار می‌رود. مثلاً بگوئیم «سرو» و منظورمان «معشوق» باشد.

توجه: این تعریف مشابهتی به مجاز دارد و درست هم است. زیرا استعاره در واقع، مجازی است که رابطه بین واژه‌ی آمده و واژه‌ی مد نظر «شبهات» است. به هر حال استعاره، هم از راه مجاز قابل فهم است، هم از راه تشبیه. که در این بخش از راه تشبیه به آن پرداخته‌ایم.

توجه: قبل از این که وارد بحث شویم ذکر این نکته ضروری است که دو نوع استعاره وجود دارد. استعاره مصرّحه (آشکار) و استعاره مکنّیه (پنهان). منظور از استعاره، معمولاً استعاره مصرّحه است. اما اگر در کنکور به نوع آن اشاره نشده باشد، هر استعاره‌ای را استعاره می‌گیریم.

۱- استعاره مصرّحه

گفتیم که استعاره از تشبیه حاصل می‌شود و هرگاه شاعر از ارکان تشبیه، فقط مشبّه‌به را بیاورد استعاره مصرّحه می‌شود.

سرو چمان من چرا میل چمن نمی‌کند همدم گل نمی‌شود، یاد سمن نمی‌کند

شاعر برای خلق مصراع اول، ابتدا در ذهن خود این تشبیه را ساخته است:

معشوق من که مانند **سرو** راست قامت و بلندقامت است چرا...

مشبّه ادات تشبیه **مشبّه‌به** وجه شبه

سپس از این تشبیه فقط **مشبّه‌به** را خارج کرده و در شعر به کار برده است. این کار را استعاره مصرّحه یا با تخفیف «استعاره» می‌گویند.

سؤالی که پیش می‌آید این است که از کجا بدانیم «سرو»، مشبّه‌به یک تشبیه است و در معنای اصلی خود به کار نرفته است؟

پاسخ راحت است. زیرا وجود کلمه «چمان» به معنی «رونده» اعلام می‌دارد که «سرو» در معنای واقعی خود به کار نرفته است. مثلاً در عبارت «من سروی دیدم» ما نمی‌توانیم ادعا کنیم که «سرو» استعاره از «معشوق» است. چون هیچ قرینه‌ای وجود ندارد که ما را از معنای وضع شده و قاموسی برای «سرو» منصرف کند. اما در ترکیب «سرو چمان» واژه‌ی «چمان» نشانه‌ای (قرینه‌ی صافه) است که ما را از معنای اصلی «سرو» منصرف می‌کند. در واقع برای به کارگیری استعاره مصرّحه یا باید قرینه‌ای در لفظ کلام باشد یا این که محتوای کلام نشان بدهد که آن کلمه



در معنای اصلی خود به کار نرفته است. مثلاً در بیت زیر واژه‌های وجود ندارد که نشان دهد «اژدها» معنای استعاری دارد، اما با توجه به داستان جنگ خندق، می‌دانیم که حضرت علی (ع) با اژدها مبارزه نکرده است و «اژدها» استعاره از عمرو بن عبدود است.

به جز بازوی دین و شیر خدا که شد طالب رزم آن اژدها
شاعر «اژدها» را از همچنین ترکیبی خارج کرده است.
عمرو بن عبدود مانند اژدها خطرناک بود.
مشبه ادات تشبیه مشبّه به وجه شبه

نمونه‌های دیگر استعاره مصرّحه:

ای شمع که ما را به سخن شیفته کردی
معشوق عاشق
خمارین نرگسان را کرد پُرآب
چشم چشم
یکی درخت گل اندر میان خانه ماست
معشوق که سروهای چمن پیش قامتش پستند
گونه، صورت اشک چشم

۲- استعاره مکنّیه (پنهان)

در مبحث استعاره مصرّحه گفتیم که شاعر ابتدا یک تشبیه در ذهن خود می‌سازد و از آن تشبیه، مشبّه به را خارج می‌کند. در استعاره مکنّیه نیز شاعر ابتدا یک تشبیه در ذهن خود می‌سازد و از آن تشبیه، مشبّه و وجه شبه را خارج می‌کند و در جمله‌ای به کار می‌گیرد.

به جمله مقابل توجه کنید. «دستِ سرنوشت ما را از هم جدا کرد.»

سرنوشت مانند انسان با دستش ما را از هم جدا کرد.
مشبّه ادات تشبیه مشبّه به وجه شبه یا ویژگی مشبّه به

توجه: هر استعاره‌ای، چه مصرّحه و چه مکنّیه، برای اینکه نشان بدهند در معنای حقیقی به کار نرفته‌اند، به قرینه‌ی صافه نیاز دارند. در عبارت فوق، وجود «دست» برای قضا و قدر، قرینه است. از این قرینه در می‌یابیم که در ذهن شاعر تشبیهی رخ داده است و آن تشبیه را بازسازی می‌کنیم.

همان‌طور که می‌بینیم از تشبیه فوق «مشبّه و ویژگی مشبّه به» آمده است. این ترکیب را استعاره مکنّیه می‌گویند. در واقع استعاره مکنّیه آریه‌ای است که به موجب آن شاعر «مشبّه و ویژگی مشبّه به» را در تشبیهی که در ذهن ساخته است در عبارتی دیگر به کار می‌گیرد.

«و مرگ به روی آن‌ها لبخند می‌زد»

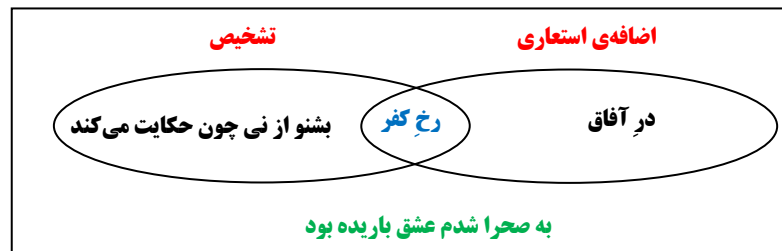
قرینه صافه در عبارت فوق این است که «مرگ نمی‌تواند لبخند بزند». پس در ذهنمان با همچین زیرساختی روبه‌رو می‌شویم. همان‌طور که می‌بینیم در متن مدّ نظر «مشبّه و ویژگی مشبّه به» آمده است.

مرگ مانند انسانی به روی آن‌ها لبخند می‌زد.
مشبّه ادات تشبیه مشبّه به ویژگی مشبّه به

به استعاره‌های مکنیه زیر دقت کنید.

- ۱- بشنو از نی چون حکایت می‌کند از جدایی‌ها شکایت می‌کند
نی نمی‌تواند از موضوعی حکایت و شکایت کند. ← نی مانند یک انسان حکایت یا شکایت می‌کند ← **استعاره مکنیه**
- ۲- به صحرا شدم عشق باریده بود.
عشق نمی‌تواند ببارد. ← عشق مانند باران باریده بود. ← **استعاره مکنیه**
- ۳- پرید از رخ کفر در هند رنگ تپیدند بت‌خانه‌ها در فرنگ
کفر رخ ندارد. ← کفر مانند یک انسان، رخ دارد که رنگ از آن می‌پرد ← **استعاره مکنیه**
- ۴- در آفاق گشاده است، ولیکن بسته است از سر زلف تو در پای دل ما زنجیر آفاق در ندارد. ← آفاق مانند یک خانه، دری دارد که باز شده است. ← **استعاره مکنیه**
چه تفاوتی در مثال‌های ۱ و ۲ با مثال‌های ۳ و ۴ وجود دارد؟
استعاره مکنیه در مثال‌های ۳ و ۴ به صورت **اضافه استعاری** و در مثال‌های ۱ و ۲ غیراضافی و آمده است.
چه تفاوتی در مثال‌های ۱ و ۳ با مثال‌های ۲ و ۴ وجود دارد؟ مشبّه به محذوف در مثال‌های ۱ و ۳ انسان می‌باشد و در مثال‌های ۲ و ۴ غیر انسان. هرگاه در استعاره مکنیه، مشبّه به محذوف «انسان» باشد، آن استعاره مکنیه، **تشخیص** هم دارد.
با توجه به مثال‌های فوق، چهار حالت برای استعاره مکنیه وجود دارد:
الف - استعاره مکنیه: **اضافه استعاری** باشد، **تشخیص** هم باشد. (مثال ۳)
ب - استعاره مکنیه: **اضافه استعاری** باشد، **تشخیص** نباشد. (مثال ۴)
ج - استعاره مکنیه: **اضافه استعاری** نباشد، **تشخیص** باشد. (مثال ۱)
د - استعاره مکنیه: **اضافه استعاری** نباشد، **تشخیص** هم نباشد. (مثال ۲)

انواع استعاره مکنیه



توجه: هرگاه غیر جاندار منادا قرار بگیرد، **تشخیص** و **استعاره مکنیه** می‌باشد.

ای نسیم سحر، آرامگه یار کجاست
صبا بر آن سر زلف از دل مرا بینی
منزل آن مه عاشق‌گش عیار کجاست
ز روی لطف بگوش که جا نگه دارد

***نکته بسیار مهم:** وقتی می‌گوییم «ای ماه فدای چشم مست» در این حالت **استعاره مصرحه** داریم. چون ما با خود ماه صحبت نمی‌کنیم. ولی در مصراع «مشب ای ماه به درد دل من تسکین» اینجا **استعاره مکنیه** داریم. زیرا شاعر با خود ماه دارد صحبت می‌کند.

واژه «گل» در هر دو مثال زیر **استعاره مصرحه** است.

ای گل خوش‌نسیم من بلبل خویش را مسوز
ای گل تازه که بویی ز وفا نیست تو را
کز سر صدق می‌کند شب همه شب دعای تو
خبر از سرزنش خار جفا نیست تو را

یادآوری:

هر تشخیصی استعاره مکنیه است ولی هر استعاره مکنیه‌ای، تشخیص نیست.

هر اضافه استعاری‌ای، استعاره مکنیه است ولی هر استعاره مکنیه‌ای، اضافه استعاری نیست.

***توجه:** گاه شاعر در مصراع اول یک تشبیه می‌آورد و در مصراع دوم همان تصویر را به صورت استعاره مصرحه مطرح می‌کند.

کمند زلف تو سر حلقه‌ی نجات من است که رستم از همه تا صید این کمند شدم

ترکیب «کمند زلف» در مصراع اول اضافه تشبیه‌ی است و واژه «کمند» در مصراع دوم استعاره مصرحه است. دقیقاً نکته همین جاست که برای تشبیه نوشتن ترکیب و برای استعاره مصرحه نوشتن واژه.

نکته: در اضافه‌ی استعاری، ممکن است واژه‌های بین «ویژگی مشبّه‌به» و «مشبّه» آمده باشد. در ترکیب «دست سبز روزگار»، «دست» ویژگی مشبّه‌به، «روزگار» مشبّه و «سبز» صفت است. در واقع «دست روزگار» اضافه‌ی استعاری است.

«اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع کلاه شکوفه بر سر نهاده.»

نکته: باید استعاره‌های مصرحه پُر کاربرد یا واژگان مستعد استعاره را بشناسیم.

باغ و بوستان: سرو: قد معشوق نرگس: چشم معشوق گل: صورت یا گونه ژاله: اشک سنبل: موی معشوق

ابزار جنگی: کمند: موی معشوق ناوک: مژه معشوق کمان: ابروی معشوق تیر: نگاه معشوق زنجیر: موی معشوق

میوه‌ها و خوراکی: شکر و قند و نقل: لب معشوق بادام: چشم انار: لب سیب: صورت یا گونه پسته: لب معشوق

اشیای قیمتی یا بی‌قیمت: مروارید: اشک لعل: لب یاقوت: لب زر: چهره زرد عاشق مس: چهره شاداب دُر و مروارید: سخن و شعر

متفرقه: شب: موی معشوق روز: صورت کفر: موی معشوق ایمان: صورت معشوق بازار و کاروانسرا: دنیا

نکته بسیار بسیار مهم: ما می‌توانیم به معشوق بگوییم: چشمت، زلفت، لب و ... ولی ترکیباتی مانند: نرگس، سنبلت، کمندت، لعلت، یاقوتت، شکرت، بادامت و ... استعاره مصرحه می‌باشند. چون معشوق باغچه نیست نرگس داشته باشد، شکارچی نیست کمند داشته باشد، معدن نیست لعل و یاقوت داشته باشد، خواربار فروشی نیست شکر و بادام داشته باشد و ... این واژگان در معشوق وجود ندارند و قطعاً استعاره مصرحه از جزئی از اعضای معشوق می‌باشند.

نکته مهم: بهترین تمرین برای یاد گرفتن تشبیه و استعاره، تبدیل استعاره‌ها به تشبیه و بیرون کشیدن استعاره از تشبیه است.

«زنجیر» استعاره مصرحه: موی معشوق مانند زنجیر انسان را اسیر می‌کند.

«ریشه امید» استعاره مکنیه: امید من مانند گیاهی ریشه می‌داد.

«قد من مانند کمان خمیده است» تشبیه: این کمانم در مقابل قامتت هیچ است.

توجه: مبحث «اضافه استعاری» را حتماً با مبحث «اضافه تشبیه‌ی» و حتی «اضافه پارادوکسی» مطالعه کنید. چرا که ممکن است آن‌ها را با هم اشتباه بگیرید.

در جدول زیر انواع و اقسام تشبیه و استعاره را می‌بینید.

تشبیه کامل	جمله	عشق او مانند آتش سوزنده است. مشبه - ادات - مشبّه‌به - وجه شبه
تشبیه بلیغ	اسنادی	عشق او آتش است
	اضافه تشبیه‌ی	آتش عشق
استعاره	استعاره مصرحه	آتش او من را زنده نگه داشته است. (مشبّه‌به)
	جمله	تشخیص ندارد
		تشخیص دارد
	ترکیب اضافی	تشخیص ندارد
		تشخیص دارد

تمرین تشریحی

استعاره‌های به کار رفته در ابیات زیر را مشخص کنید.

- ۱ - در قدم‌های خیال تو به دامن هر دم
 - ۲ - چو در رویت بخندد گل مشو در دامش ای بلبل
 - ۳ - به نرگس گل و ارغوان را بشست
 - ۴ - کشته چاه زرخدان تو آم کز هر طرف
 - ۵ - بتی دارم که گرد گل ز سنبل سایه‌بان دارد
 - ۶ - ژاله از نرگس فرو بارید و گل را آب داد
 - ۷ - ماهم این هفته برون رفت و به چشمم سالی است
 - ۸ - ببین که مرغ چمن دم‌به‌دم هزار سلام
 - ۹ - می اندر کف ساقی بی‌حجاب
 - ۱۰ - کشتی خرد است دست در وی زن
 - ۱۱ - سبک در خواب چشم نرگس مست
 - ۱۲ - دروداع شب هم‌انا خون‌گریست
 - ۱۳ - چه خفته‌اند در این کاروانسرا مردم
 - ۱۴ - ای بسا شب که من خشک‌لب از حسرت تو
 - ۱۵ - یا رب این آتش که پنهان دارمش در لوح سینه
 - ۱۶ - عاقبت دست بدان سرو بلندش برسد
 - ۱۷ - منم چو شمع و غم عشق دوست چون آتش
 - ۱۸ - غلام نرگس مست تو تاجدارند
 - ۱۹ - چهره گلرنگ را پیمانهای در کار نیست
 - ۲۰ - سایه‌آم چون سرو بر دوش گلستان بار نیست
 - ۲۱ - لاله‌زاری شد به چشم من جهان از نور عشق
 - ۲۲ - زمین باغ و بستان را به عشق باد نوروزی
 - ۲۳ - به خنده، ای بت بادم چشم شیرین‌لب
 - ۲۴ - خواهی چو روز روشن دانی تو حال من
 - ۲۵ - خاکی دلم که در لب آن نازنین گریخت
 - ۲۶ - یا رب این آتش که در جان من است
 - ۲۷ - در سر بازار چین با سنبل سوداگرت
 - ۲۸ - از بس که شتابان و گریزان چون نسیمی
 - ۲۹ - دست و پا گم می‌کنم زان نرگس نیلوفری
 - ۳۰ - به قامت تو که شد سرو سرکشش بنده
 - ۳۱ - مشو از حرف عشق ای خامه‌ی آتش‌زبان خامش
 - ۳۲ - طالع نگر که کشت امیدم ز آب سوخت
 - ۳۳ - ای مه برج منزلت چشم و چراغ عالمی
- چشم دریادل من لولو لالا می‌ریخت
که بر گل اعتمادی نیست گر حسن جهان دارد
که بیمار بد نرگس و گل درست
صد هزارش گردن جان زیر طوق غیغب است
بهار عارضش خطی به خون ارغوان دارد
وز تگ‌رگ روح‌پرور مالش عتاب داد
حال هجران تو ندانی که چه مشکل حالی است
به دست باد صبا می‌کند به باغ ابلاغ
سهیلی است در پنجه آفتاب
تا غرقه نگردي اندر این دریا
ز آشامیدن رطل گران شد
روی خون‌آلود زان بنمود صبح
که این محل عبور است نه مکان حضور
بر زمین ریختم از دیده‌ی تر مروارید
گر برافروزد بسوزد بند بند استخوان را
هر که را در طلب همت او قاصر نیست
مرا نصیبه از آن آتش است سوز و گداز
خراب باده‌ی لعل تو هوشیاراند
نرگس مخمور را میخانه‌ای در کار نیست
در جهان آب و گل آزاده‌ای چون من کجاست
کیمیای شعله خس را آتشین سیما کند
باید ساخت با جوری که از باد خزان آید
شکر بریزد از آن پسته دهان که تو راست
از تیره‌شب بپرس که او نیز محرم است
تشنه است کاندرا آبخور آتشین گریخت
سرد کن زان سان که کردی بر خلیل
مشک اگر در حلقه آید بشکند بازار خویش
گل دست گشوده است که دامان تو گیرد
من که عمری شد بلای آسمانی می‌کشم
به خدمت تو که از بنده گشته‌ای آزاد
کز این روشن بیان فانوس شمع طور شد گوشم
در کشوری که برق هوادار خرمن است
باده‌ی صاف دایمت در قدح و پیاله باد



- ۳۴ - زبان خامه ندارد سر بیان فراق
 ۳۵ - دانی چرا چون ابر شد در عشق چشم عاشقان
 ۳۶ - هرگز به خون مردم مایل نبود چشمش
 ۳۷ - کمند زلف تو سر حلقه‌ی نجات من است
 ۳۸ - از طاق ابروانت وز تار گیسوانت
 ۳۹ - در این غمکده کس ممیراد یا رب
 ۴۰ - آتشین رویی که نعل من از او در آتش است
 ۴۱ - ز گریه آخرم این شد نتیجه در پی زلفش
 ۴۲ - ماه آمده به دیدن خورشید صبح زود
 ۴۳ - بسیار رود بود در آن برزخ کبود
 ۴۴ - نیشکر باید که بندد پیش آن لبها کمر
 ۴۵ - خورشید که هر روزی بس تیغ‌زان آید
 ۴۶ - دلا مگرد به عهدش قوی که عهد حبیب
 ۴۷ - اشاره شیوهی لبهای دوخته است، ار نه
 ۴۸ - اگر این بار می‌آید به دستم گردن مینا
- و گر نه شرح دهم با تو داستان فراق
 زیرا که آن مه بیشتر در ابرها پنهان شود
 این مست دل‌سیه را من هوشیار کردم
 که رستم از همه تا صید این کمند شدم
 هم خسته کمانیم هم بسته کمندیم
 به مرگی که بی دوستان زیستم من
 آسمان چون دیده قربانیان حیران اوست
 که در میان دو دریای خون فتاده نشستم
 خورشید رفته است سر شب سراغ ماه
 اما دریغ زهره دریا شدن نداشت
 خسروی باید که نوشم زان لب شیرین‌شکر
 از رشک رخس هر شب آخر سپر اندازد
 خرد ضعیف چو عهد حباب می‌بیند
 هزار نعره خونین به سینه سخن است
 چو درد می‌نخواهم داشت دست از دامن مینا

تست

ت۱۱۸ در کدام گزینه استعاره مکنیه به کار رفته است؟

- ۱) خواهی که برنخیزدت از دیده رود خون
- ۲) گر جلوه می‌نمایی و گر طعنه می‌زنی
- ۳) بازار شوق گرم شد آن سرو قد کجاست
- ۴) جایی که یار ما به شکرخنده دم زند

ت۱۱۹ در کدام گزینه استعاره به کار رفته است؟

- ۱) ما از برون در شده مغرور صد فریب
- ۲) تشویش وقت پیر مغان می‌دهند باز
- ۳) قومی به جدّ و جهد نهادند وصل دوست
- ۴) فی الجملة اعتماد مکن بر ثبات دهر

ت۱۲۰ در کدام گزینه، تعداد استعاره بیشتر است؟

- ۱) ماهم از شب سایبان بر آفتاب انداخته است
 - ۲) رشته‌ای بر قمر انداخته کاین مار سیاه است
 - ۳) لؤلؤ از پسته خود ریخته کاین چیست؟ حدیث است
 - ۴) بر طرف مه نشاندن سیاهی که سنبل است
- سرورم از ریحان تر، بر گل نقاب انداخته است
 نقطه‌ای بر شکر افکنده که این مهره مار است
 لاله در مشک نهان کرده که این چیست؟ عذار است
 بر برگ گل فشانده غباری که عنبر است

ت۱۲۱ در کدام بیت استعاره مکنیه وجود ندارد؟

- (۱) دیده بخت به افسانه او شد در خواب
- (۲) دل به رغبت می سپارد جان به چشم مست یار
- (۳) عافیت چشم مدار از من میخانه نشین
- (۴) فلک به مردم نادان دهد زمام مراد

کو نسیمی ز عنایت که کند بیدارم
گر چه هشیاران ندادند اختیار خود به کس
که دم از خدمت زندان زدهام تا هستم
تو اهل فضلی و دانش همین گناهت بس

ت۱۲۲ در همهٔ ابیات، هر دو آرایهٔ تشبیه و استعاره وجود دارد:

- (۱) دفتر گل را به آب چشم خواهد پاک شست
- (۲) هر خسی قیمت ندادند ناله‌ی شب خیز را
- (۳) خامشی دریا و گفت‌وگو خس و خاشاک اوست
- (۴) شوکت شاهی سبک سنگ است در میزان عدل

گر ببیند لبلب آن رخسار شب‌نم خیز را
خسروی باید که داند قدر این شب‌دیز را
پاک کن از خار و خس این بحر گوهر خیز را
عشق می‌گیرد به خون کوهکن پرویز را

ت۱۲۳ در هر دو مصرع کدام بیت استعاره مصرحه وجود دارد؟

- (۱) مرا در خانه سروی هست کاندر سایه‌ی قدمش
- (۲) به هر نظر بت ما جلوه می‌کند لیکن
- (۳) گر من از باغ تو یک میوه بچینم چه شود؟
- (۴) پروانه‌ی او گر رسد در طلب جان

فراغ از سرو بستانی و شمشاد چمن دارم
کس این کرشمه نبیند که من همی نگرم
پیش پایی به چراغ تو ببینم چه شود؟
چون شمع همان دم به دمی جان بسپارم

ت۱۲۴ در کدام گزینه «اضافه‌ی استعاری» وجود دارد؟

- (۱) چو طفلان تا کی ای زاهد، فریبی
- (۲) قدح پر کن که من در دولت عشق
- (۳) قراری بسته‌ام با می‌فروشان
- (۴) من آن مرغم که هر شام و سحرگاه

به سبب بوستان و شهد شیرم
جوانبخت جهانم گر چه پیرم
که روز غم بجز ساغر نگیرم
ز بام عرش می‌آید ضمیرم

ت۱۲۵ تعداد استعاره در همهٔ ابیات یکسان است؛ به‌جز:

- (۱) چون شود یاقوت لؤلؤ پرورت گوهرفشان
- (۲) در قدم‌های خیال تو به دامن هر دم
- (۳) حقهٔ یاقوت لؤلؤ پوش گوهر پاش تو
- (۴) چهرهٔ باغ به خونابه فرو می‌شستم

آب گردد از حیا هر گوهر کانی که هست
چشم دریادل من لؤلؤی لالا می‌ریخت
رستهٔ لعلم ز چشم دُر نثار انداخته
دهن چشمه پر از لؤلؤی تر می‌کردم

ت۱۲۶ در کدام گزینه هم استعاره مصرحه و هم استعاره مکنیه به کار رفته است؟

- (۱) خیز و در کاسه‌ی زر آب طربناک انداز
- (۲) چشم آلوده نظر از رخ جانان دور است
- (۳) به سر سبز تو ای سرو که گر خاک شوم
- (۴) ملک این مزرعه دانی که ثباتی ندهد

پیشتر زان که شود کاسه‌ی سر خاک، انداز
بر رخ او نظر از آینه‌ی پاک انداز
ناز از سر بنه و سایه بر این خاک انداز
آتشی از جگر جام در املاک انداز

ت۱۲۷ تعداد «استعاره» در کدام بیت، بیشتر است؟

- (۱) اگر ز لعل تو مستان عشق نقل خواهند
- (۲) دل شده را قوت جان از لب لعل وی است
- (۳) با این نسیم سحرخیز برخیز اگر جان سپردیم
- (۴) شبی از مجلس مستان بر آمد نالهٔ چنگش

به خنده لب بگشا و شکر ز پسته بریز
هر که بهشتی بود آب دهد کوثرش
در باغ می‌ماند ای دوست گل یادگار من و تو
رسید از غایت تیزی به گوش زهره آهنگش



تت ۱۲۸ نوع استعاره در همهٔ ابیات با شعر زیر یکسان است، به جز:

«می تراود مهتاب، می درخشد شب تاب»

نیست یکدم شکند خواب به چشم کس و لیک
غم این خفته چند، خواب در چشم ترم می شکند»

- | | |
|--------------------------------------|---------------------------------------|
| ۱) کام حرص است که از شهد نگرود شیرین | ۱) و نه قانع ز نی خشک شکر می چیند |
| ۲) باغ سلام می کند سرو قیام می کند | ۲) سبزه پیاده می رود غنچه سوار می رسد |
| ۳) از ترشروی گردون گله بی انصافی است | ۳) خندهٔ برق شنیدی به خس و خار چه کرد |
| ۴) از لعل تو گر یابم انگشتی زنهار | ۴) صد ملک سلیمانم در زیر نگین باشد |

تت ۱۲۹ در کدام گزینه استعاره مصرحه، یک اضافه تشبیهی می باشد؟ پاسخ: گزینه ۲

- | | |
|---------------------------------------|--|
| ۱) فاش می گویم و از گفته‌ی خود دلشادم | ۱) بنده عشقم و از هر دو جهان آزادم |
| ۲) طایر گلشن قدسم چه دهم شرح فراق | ۲) که در این دامگه حادثه چون افتادم |
| ۳) من ملک بودم و فردوس برین جایم بود | ۳) آدم آورد در این دیر خراب آبادم |
| ۴) کوکب بخت مرا هیچ منجم نشناخت | ۴) یا رب از مادر گیتی به چه طالع زادم؟ |

تت ۱۳۰ استعاره مکنیه در کدام بیت، تشخیص نیست؟

- | | |
|--|---|
| ۱) در شامگه هجرش بگداخت تن و جانم | ۱) در دامگه عشقش بشکست پر و بالم |
| ۲) پیش از آن دم که زند خط شب از عارض روز | ۲) از سر زلف و رخت لیل و نهاری بوده است |
| ۳) در فراقش می نویسم نامه‌ای از دست من | ۳) خامه خون می‌گرید و خط خاک بر سر می‌کند |
| ۴) گر چه چشمم بسته است اما سر شکم می رود | ۴) باز می‌گویند به مردم ماجرای چشم من |

تت ۱۳۱ در کدام بیت دو تشبیه و یک استعاره به کار رفته است؟

- | | |
|--|---|
| ۱) صحبت عافیت گر چه خوش افتاد ای دل | ۱) جانب عشق عزیز است، فرو مگذارش |
| ۲) عشقبازی کار بازی نیست ای دل سر بیاز | ۲) زان که گوی عشق نتوان زد به چوگان هوس |
| ۳) ای دل اندر بند زلفش از پریشانی منال | ۳) مرغ زیرک چون به دام افتد تحمل بایدش |
| ۴) تو شمع انجمنی یک‌زبان و یک‌دل شو | ۴) خیال و کوشش پروانه بین و خندان باش |

تت ۱۳۲ در کدام گزینه تعداد استعاره بیشتر است؟

- | | |
|--|---|
| ۱) بتی دارم که گرد گل ز سنبل سایه‌بان دارد | ۱) بهار عارضش خطی ز خون ارغوان دارد |
| ۲) به خنده ای بت بادام چشم شیرین لب | ۲) شکر بریزد از آن پسته‌ی دهان که تو راست |
| ۳) نیشکر باید که بندد پیش آن لب‌ها کمر | ۳) خسروی باید که نوشم زان لب شیرین شکر |
| ۴) از طلاق ابروانت وز تار گیسوانت | ۴) هم خسته‌ی کمانیم هم بسته‌ی کمندیم |

تت ۱۳۳ تعداد استعاره در کدام بیت متفاوت است؟

- | | |
|--|---|
| ۱) ای مه برج منزلت چشم و چراغ عالمی | ۱) باده‌ی صاف دایمت در قدح و پیاله باد |
| ۲) ای بسا شب که من خشک لب از حسرت تو | ۲) بر زمین ریختم از دیده‌ی تر مروارید |
| ۳) ماهم این هفته برون رفت و به چشمم سالی است | ۳) حال هجران تو ندانی که چه مشکل حالی است |
| ۴) به خنده ای بت بادام چشم شیرین لب | ۴) شکر بریزد از آن پسته دهان که تو راست |

تست ۱۳۴ در کدام گزینه استعاره وجود ندارد؟

- (۱) هیچ می‌دانی چرا اشکم ز چشم افتاده است
- (۲) هر زمان از اشک می‌گون ساغرم پر می‌شود
- (۳) بی‌وفایی چون جهان دل بر تو نتوانم نهاد
- (۴) حیرت اندر خامه نقاش بی‌چون است کاو

مجاز

مجاز (نانهاد) در مقابل **حقیقت** (نهاد) قرار می‌گیرد و در اصطلاح ادبی، معنای غیرحقیقی از یک واژه است. مثلاً معنای حقیقی «نگین» خود نگین است اما در بیت زیر در معنای مجازی آن یعنی «انگشتر» به کار رفته است.

برو ای گدای مسکین، در خانه‌ی علی زن که نگین پادشاهی، دهد از کرم گدا را
می‌دانیم که حضرت علی (ع) در رکوع «انگشتر» خود را به گدا داد نه «نگین» آن را. در ضمن اگر شما به تلمیح بیت آگاه نباشید باید توجه داشته باشید، انگشتر پادشاهی داریم نه نگین پادشاهی.

توجه: ما نمی‌توانیم بدون هیچ رابطه‌ای یک کلمه بگوئیم و معنای دیگر و مجازی از آن برداشت کنیم، مگر آن که بین معنای حقیقی و مجازی رابطه‌ای وجود داشته باشد. مهم‌ترین رابطه‌هایی که در سطح کنکور عمومی اهمیت دارد، موارد زیر است:

توجه: دانستن این رابطه‌ها (یا علاقه‌ها) در سطح کنکور عمومی الزامی نیست.

۱- **شباهت:** این رابطه همان استعاره مصرّحه است که رابطه‌ی بین واژه‌ی به کار رفته و معنای مجازی، «شباهت» است.

ماه من طایفه روزه‌بگیران چه کنند؟ شب عیدی که تو پنهان شده باشی جایی
ماه من مجاز یا استعاره مصرّحه از معشوق است. رابطه‌ی شباهت بین آن‌ها «زیبایی» است.

۲- **محلّیه:** یکی از پُرکاربردترین مجازها، مجاز با علاقه محلّیه است که شاعر «محلّ» را می‌آورد و به طور مجازی قصدش آن چیزی است که در آن محل قرار دارد (حال). فلانی انسان جگر داری است. جگر مجاز از شجاعت است.

دل عالمی بسوزی، چو عذار برفروزی تو از این چه سود داری، که نمی‌کنی مدارا
منظور از «عالم»، «مردم عالم» است که در عالم جای دارند.

یکی دشت با دیدگان پُر ز خون که تا او کی آید ز آتش برون
منظور از «دشت»، «مردم دشت» است که در دشت جای دارند.

سر آن ندارد امشب که برآید آفتابی چه خیال‌ها گذر کرد و گذر نکرد خوابی
منظور از «سر»، «قصد و اندیشه» است که در سر جای دارد. (توجه: «سر» یکی از مجاز محلّیه‌های مهم و پُر تکرار است.)

۳- **جزئیّه:** در این مجاز، جزئی از چیزی را می‌آورند ولی منظور کلّ آن چیز است. (معمولاً مهم‌ترین جزء را می‌آورند.)

لیک چنان خیره و خاموش ماند کز همه شیرین‌سخنی، گوش ماند
منظور از «گوش»، «فرد شنونده» است که گوش، مهم‌ترین جزء برای فرد شنونده است.

به یاد روی شیرین بیت می‌گفت چو آتش تیشه می‌زد کوه می‌سفت
منظور از «بیت»، «شعر» است که بیت، جزء مهمی از شعر است.

به خون گر کِشی **خاک** من، دشمن من
منظور از «خاک»، «کشور» است که خاک، جزء اعظمی از کشور است.
به **چمن** خرام و بنگر بر تخت گل که لاله
منظور از «چمن»، «باغ» است که چمن، جزء اعظمی از باغ است.

۴- کلّیه: کلّ یک چیز را بگویند و **جزئی** از آن منظور باشد.
دست در حلقه‌ی آن زلف دو تا نتوان کرد
منظور «انگشتان دست» است که «دست» برای آن حکم «کلّ» دارد.
سپید شد چو درخت شکوفه دار **سرم**
منظور «موی سر» است که «سر» برای آن حکم «کلّ» دارد.
توجه: این مجاز بسیار کم کاربرد است.

۵ - لازمیه (همراهی): شاعر لازمه انجام یک کاری را می‌آورد و منظور خود آن کار است. مثلاً لازمه کشتن یک شخص، ریختن خون او است.

محتاج قصّه نیست، گرت قصد **خون** ماست
چون رخت از آن توست، به یغما چه حاجت است؟

۶ - آلیه (ابزار): شاعر یا نویسنده آلت (ابزار) انجام کاری را ذکر می‌کند و منظور کاری است که با آن ابزار انجام می‌شود. مانند: آن که می‌گویم فلانی **قلم** خوبی دارد و منظورمان **سبک نوشتن یا تفکر** است.

از دفتر زمانه فتد نامش از قلم
هر ملتّی که مردم صاحب **قلم** نداشت
صاحب قلم یعنی صاحب اندیشه و تحلیل، و قلم یکی از ابزارهای اندیشه و تفکر است.
ای که **دستت** می‌رسد، کاری بکن
پیش از آن کز تو نباید هیچ کار
«دست» گفته ولی منظورش «**قدرت و توانایی**» است.

توجه: مجازها با رابطه‌های بسیاری شکل می‌گیرند. مثلاً **جنس** یک چیز را به جای خود آن می‌آورند. چنانچه شاعر در بیت زیر «پولاد» را گفته و منظورش «شمشیر» است.

در آن باران تیر و برق **پولاد**
یا **رنگ** یک چیز را بگوید و منظور، خود آن چیز باشد. مثلاً در بیت شاعر **رنگ اسب** را گفته و **خود اسب** را در نظر دارد.
سیاوش **سپه** را به تندی بتاخت
نشد تنگ‌دل، جنگ آتش ساخت

نکته بسیار مهم: ممکن است ظرف یک چیزی را بگوئیم و منظورمان آن چیزی باشد که درون ظرف است. مثلاً می‌گوئیم فلانی دو بشقاب خورد. و منظورمان آن چیزی است که درون بشقاب است. از مهمترین موارد آن در ابیات مانند نوشیدن **جام و پیاله** می‌باشد. و برعکس این نیز وجود دارد و درون ظرف را می‌گوئیم و منظورمان خود ظرف و محتوای آن است.

مثلاً می‌گوئیم فلانی چای در دست وارد شد. و منظورمان فنجان و چای است.
هر کجا رندی است در میخانه‌ای
جرعه‌ای از **جام** ما نوشیده‌اند
گل در بر و **می** در کف و معشوق به کام است
سلطان جهانم به چنین روز غلام است

توجه: آمدن دو واژه متضاد به صورت معطوف، مجاز می‌سازد. مثلاً وقتی از دوستان می‌پرسیم لباس‌های چه رنگی بیاورم و او می‌گوید: «سفید و سیاه» بیاور. یعنی همه رنگ‌ها را بیاور. هر رنگی که داری بیاور.
توجه: پس از حل تمرین صفحه بعد سعی کنید واژگان مستعد مجاز را بشناسید.

تمرین

در ابیات زیر مجاز به کار رفته را مشخص کنید.

- ۱ - گر به خون تشنه‌ای اینک من و سر باکی نیست
 - ۲ - ای رقیب این همه سودا مکن و جنگ مجوی
 - ۳ - لب سعدی و دهانت ز کجا تا به کجا
 - ۴ - هر کجا رندی است در میخانه‌ای
 - ۵ - توبه بر لب، سبحة بر کف، دل پر از شوق گناه
 - ۶ - هر چند که سر در سر دستان تو کردیم
 - ۷ - بیخی نشان که دولت باقیست بر دهد
 - ۸ - معجز ز سر سپید بگشاد
 - ۹ - می اندر کف ساقی بی حجاب
 - ۱۰ - کشتی خرد است دست در وی زن
 - ۱۱ - سبک در خواب چشم نرگس مست
 - ۱۲ - اگر جهان همه دشمن شود به دولت دوست
 - ۱۳ - فردا که پیشگاه حقیقت شود پدید
 - ۱۴ - عالمی را روی شرم آلود او دیوانه کرد
 - ۱۵ - بیا در جلوه ای سرو روان تا جان برافشانم
 - ۱۶ - آن پی مهر تو گیرد که که نگیرد پی خویشش
 - ۱۷ - پیش دیوار آنچه گویی گوش دار
 - ۱۸ - غلام نرگس مست تو تاجدارند
 - ۱۹ - دست در حلقه‌ی آن زلف دو تا نتوان کرد
 - ۲۰ - گل در بر و می در کف و معشوق به کام است
 - ۲۱ - چرا گوید آن چیز در خُفیه مرد
 - ۲۲ - همت از باد سحر می‌طلبم گر ببرد
 - ۲۳ - نقش مستوری و مستی نه به دست من و توست
 - ۲۴ - آن را که می و مطرب دلکش باشد
 - ۲۵ - منم از خوردن غم‌های تو شاد
 - ۲۶ - مسلم است بر آن شمع‌ها سرافرازی
 - ۲۷ - گر خون خود بریزم صد بار در غم تو
 - ۲۸ - جوزا چو قدح نوشی پیش تو کمر بندد
 - ۲۹ - صراحی می‌کشم پنهان و مردم دفتر انگارند
 - ۳۰ - نباید که باشی تو اندر زمین
 - ۳۱ - مشو از حرف عشق ای خامه آتش زبان خامش
 - ۳۲ - جام صبحی نوش کن قول مغنی گوش کن
 - ۳۳ - سزای من که دمی خرم از وصال شدم
 - ۳۴ - هم اکنون بانگ کوس و نای رویین
 - ۳۵ - آن ملک عدل و آفتاب زمانه
- که به فتراک تو به زان که بود بر بدنم
بر کنم دیده که من دیده از او برکنم
این قدر بس که رود نام لبث بر دهنم
جرع‌ای از جام ما نوشیده‌اند
معصیت را خنده می‌آید ز استغفار ما
با این همه دستان نتوان داد ز دستت
کاین باغ عمر گاه بهارست و گاه خزان
موی چو سمن به باد برداد
سهیلی است در پنجه آفتاب
تا غرقه نگردي اندر این دریا
ز آشامیدن رطل گران شد
خبر ندارم از ایشان که در جهان هستند
شرمنده رهروی که عمل بر مجاز کرد
شمع در فانوس کار یک جهان پروانه ساخت
بیفشان زلف کافر کیش تا ایمان برافشانم
و آن سر وصل تو دارد که ندارد غم جانم
تا نباشد از پس دیوار گوش
خراب باده‌ی لعل تو هوشیاراند
تکیه بر عهد تو و باد صبا نتوان کرد
سلطان جهانم به چنین روز غلام است
که گر فاش گردد شود روی زرد
خبر از من به رفیقی که به طرف چمن است
آنچه سلطان ازل گفت بکن آن کردم
در موسم گل چرا مشوش باشد
چو زنبور عسل از خوردن گل
که زندگانی خود را بر انجمن بخشد
دانم که بار دیگر رخصت دهی به خونم
و آن دم که قبا پوشی پیش کمرت میرد
عجب گر آتش این زرق در دفتر نمی‌گنجد
جز آویختن نیست پاداش این
کز این روشن بیان فانوس شمع طور شد گوشم
در کش می و خاموش کن فرهنگ بی‌فرهنگ را
هزار مرتبه عشق از غم جدایی داد
ز درگاهش رسد بر ماه و پروین
زنده بدو داد روشنایی کیهان



موحدی است که در سینه کفر و دین دارد
آنچنان دان که خود این خانه خریدی با زر
در دست سر مویی از آن عمر درازم
به آه سینه برخیزم چراغ صبح بنشانم
بعد از هزار دور که نوبت به من رسید
تو از این چه سود داری که نمی‌کنی مدارا؟
به هر جزئی ز حسن او قصوری است
اما دریغ زهره دریا شدن نداشت
لیک چشم و گوش را آن نور نیست
که ز جان ما بگردان، ره آفت قضا را
مگر از آتش دوزخ بودش روی رهایی
تا بگویم شرح درد اشتیاق
نشاید پس از مرگش الحمد خواند

۳۶ - کسی که نقش رخ و زلف توست در دل او
۳۷ - یک دل و یک جا در خانه زر منزل کن
۳۸ - زلف تو مرا عمر دراز است ولی نیست
۳۹ - گر امشب صبحدم سردی کند در مجلس گرم
۴۰ - پیمانهام ز رعشه پیری به خاک ریخت
۴۱ - دل عالمی بسوزی چو عذار برفروزی
۴۲ - که لیلی گر چه در چشم تو حوری است
۴۳ - بسیار رود بود در آن برزخ کبود
۴۴ - سرّ من از ناله من دور نیست
۴۵ - چو تویی قضای گردان به دعای مستمندان
۴۶ - لب و دندان سنائی همه توحید تو گوید
۴۷ - سینه خواهم شرح شرحه از فراق
۴۸ - اگر رفت و آثار خیرش نماند

۱ - خون مجاز از کشتن	۲ - دیده در مصراع دوم مجاز از نگاه و نظر
۳ - دهن مصراع دوم مجاز از سخن	۴ - جام مجاز از شراب
۵ - لب، کف، دل به ترتیب مجاز از دهان، کف دست، وجود	۶ - سر (دوم) مجاز از قصد و نیت
۷ - بیخ مجاز از درخت	۸ - سر مجاز از موی سر
۹ - می مجاز از جام می و کف مجاز از کل دست	۱۰ - دریا مجاز از دنیا
۱۱ - رطل مجاز از محتویات درون آن است	۱۲ - جهان مجاز از مردم جهان
۱۳ - فردا مجاز از روز قیامت	۱۴ - عالم مجاز از مردم عالم و عالمیان
۱۵ - سرو روان مجاز و استعاره از معشوق	۱۶ - سر مجاز از قصد و نیت
۱۷ - گوش مجاز از انسان شنونده و جاسوس	۱۸ - نرگس مجاز و استعاره مصرحه از چشم
۱۹ - دست مجاز از انگشت	۲۰ - می مجاز از جام یا پیاله شراب
۲۱ - مرد مجاز از انسان	۲۲ - چمن مجاز از باغ و بوستان
۲۳ - دست مجاز از اراده و اختیار	۲۴ - گل مجاز از بهار
۲۵ - گل مجاز از شهد گل	۲۶ - انجمن مجاز از حاضران
۲۷ - خون در مصراع دوم مجاز از کشتن	۲۸ - قذح مجاز از محتویات داخل آن
۲۹ - صراحی مجاز از شراب یا محتویات صراحی	۳۰ - زمین مجاز از جهان
۳۱ - حرف مجاز از سخن	۳۲ - جام مجاز از شراب
۳۳ - دم مجاز از لحظه	۳۴ - ماه و پروین مجاز از آسمان
۳۵ - آفتاب مجاز از خورشید	۳۶ - سینه مجاز از دل
۳۷ - زر مجاز از سکه‌ی زر و خانه نیز مجاز از دل	۳۸ - دست مجاز از انگشتان دست
۳۹ - سینه مجاز از دل	۴۰ - پیمانها مجاز از شراب
۴۱ - عالم مجاز از مردم عالم	۴۲ - چشم مجاز از دیدگاه
۴۳ - زهره مجاز از جرأت	۴۴ - نور مجاز از قدرت فهم
۴۵ - جان مجاز از وجود	۴۶ - لب و دندان مجاز از کل وجود
۴۷ - سینه مجاز از انسان	۴۸ - الحمد مجاز از سوره فاتحه (یا حمد و سوره)

تست

تست ۱۳۵ یک کدام بیت فاقد مجاز است؟

- (۱) تو آن درخت گلی کاعتدال قامت تو
 - (۲) بیزارم از پیاله وز ارغوان و لاله
 - (۳) خنده خوش زان نزدی شکرش
 - (۴) گویی رگ جان می گسلد زخمه‌ی ناسازش
- ببرد قیمت سرو بلندبالا را
مائیم و آه و ناله کنجی گرفته مأوا
تا نبرد آب صدف گوهرش
ناخوش‌تر از آوازه‌ی مرگ پدر آوازش

تست ۱۳۶ در کدام ابیات استعاره و مجاز، «هر دو» وجود دارد؟

- (الف) سر پر ز شرم و بهایی مراسم
 - (ب) حسرت نبرم به خواب آن مرداب
 - (ج) ساقی چمن گل را بی‌روی تو رنگی نیست
 - (د) به خرابی خوشم امروز که فردا ز کرم
- اگر بی‌گناهم رهایی مراسم
آرام درون دشت شب خفته است
شمشاد خرامان کن تا باغ بیابایی
همّت پیر خرابات کند تعمیرم
- (۱) الف - ب
(۲) الف - د
(۳) ب - ج
(۴) ج - د

تست ۱۳۷ بیشترین مجاز در کدام بیت، یافت می‌شود؟

- (۱) هر سروقد که بر مه و خور حسن می‌فروخت
 - (۲) بنال بلبل اگر با منت سر یاری است
 - (۳) یک سر بی‌کبر در نمرد زار خاک نیست
 - (۴) می‌خواست گل که دم زند از رنگ و بوی دوست
- چون تو درآمدی، پی کاری دگر گرفت
که ما دو عاشق زاریم و کار ما زاری است
کاسه هر کس که می‌بینم ازین صهبا پر است
از غیرت صبا نفسش در دهان گرفت

تست ۱۳۸ واژه «سر» در کدام بیت مجاز نیست؟

- (۱) کار با عشق فتاد، از سرم ای عقل برو
 - (۲) عذری بنه اول که تو درویشی و او را
 - (۳) مگر که سر بدهم و نه من ز سر نهم
 - (۴) مشک با حلقه مویت سر سودا دارد
- چه دهی و سوسه، دیدم هنری نیست تو را
در مملکت حسن سر تاجوری بود
امید وصل در این ره چو پای بنهادم
کج‌خیالی است مگر مشک ختا را سوداست

تست ۱۳۹ در همه ابیات، آرایه مجاز به چشم می‌خورد، به جز:

- (۱) می‌رود صبح و اشارت می‌کند
 - (۲) هزار نکته باریک‌تر ز مو اینجاست
 - (۳) من و تو غافلیم و ماه و خورشید
 - (۴) از تلاوت بر تو حق دارد کتاب
- کاین گلستان خنده‌واری بیش نیست
نه هر که سر بترشد قلندری داند
بر این گردون گردان نیست غافل
تو از او کامی که می‌خواهی بیاب

تست ۱۴۰ کدام بیت فاقد مجاز است؟

- (۱) گر بر سر خاک من بنشینی و برخیزی
 - (۲) به غمزه نرگس مستت بریخت خون دلم
 - (۳) سر اگر در سر کار تو کنم دوری نیست
 - (۴) سهل است به خون من اگر دست بر آری
- تا محشر از این شادی برخیزم و بنشینم
ولیکن از بر من جان به ناتوانی برد
کان که در دست تو افتاد ز سر نندیشد
جان دادن در پای تو دشوار نباشد

سؤال ۱۴۱: شاعر در چند بیت از ابیات زیر از آرایه «مجاز» استفاده نموده است؟

- | | | | |
|--|-------------------------------|------------------------------------|---------------------------------|
| الف) به خاک حافظ اگر یار بگذرد چون باد | ب) و گر رفت و آثار خیرش نماند | ج) در آفتاب قیامت چه کار خواهی کرد | د) موافقان ترا دل ز مژدگانی فتح |
| ۱) یک | ۲) دو | ۳) سه | ۴) چهار |

سؤال ۱۴۲: تعداد آرایه «مجاز» در کدام بیت با بقیه یکسان نیست؟

- | | | | |
|---|--------------------------------------|------------------------------|-----------------------------------|
| ۱) لاله‌گون بادا به باغ ملک، چهر بخت تو | ۲) ز غیرت ای گل نازک ورق چو دامن پاک | ۳) اوحدی کامروز هجران تو دید | ۴) مژگان بگشایید و ببندید زبان را |
|---|--------------------------------------|------------------------------|-----------------------------------|

سؤال ۱۴۳: در کدام گزینه آرایه مجاز وجود دارد؟

- | | | | |
|---------------------------------------|---------------------------------|-----------------------------------|------------------------------------|
| ۱) تیغ برآر از نیام زهر برافکن به جام | ۲) با محتسب شهر بگویند که زنهار | ۳) تا نفخ صور باز نیاید به خویشتن | ۴) بیش احتمال سنگ جفا خوردنم نماند |
|---------------------------------------|---------------------------------|-----------------------------------|------------------------------------|

سؤال ۱۴۴: در کدام گزینه مجاز وجود ندارد؟

- | | | | |
|--------------------------------|----------------------------------|-------------------------|---------------------------------------|
| ۱) صید بیابان سر از کمند بپیچد | ۲) سر بنه گر سر میدان ارادت داری | ۳) آفرین بر زبان شیرینت | ۴) زین در کجا رویم که ما را به خاک او |
|--------------------------------|----------------------------------|-------------------------|---------------------------------------|

سؤال ۱۴۵: در کدام ابیات مجاز به کار رفته است؟

- | | | | |
|--|-----------------------------------|-----------------------------------|-------------------------------------|
| الف) ای پیک پی‌خجسته که داری نشان دوست | ب) امید وصل مدار و خیال دوست میند | ج) از سر زلف عروسان چمن دست بدارد | د) به خواب دوش چنان دبدمی که زلفینش |
| ۱) الف - ب | ۲) ج - د | ۳) الف - ج | ۴) ب - د |

سؤال ۱۴۶: در چند بیت از ابیات زیر از آرایه مجاز استفاده شده است؟

- | | | | |
|--|--------------------------------------|--|---------------------------------|
| الف) به خاک حافظ اگر یار بگذرد چون باد | ب) کار با عشق فتاد از سرم ای عقل برو | ج) می‌خواست گل که دم زند از رنگ و بوی دوست | د) با محتسب شهر بگویند که زنهار |
| ۱) یک | ۲) دو | ۳) سه | ۴) چهار |

تت ۱۴۷ در همه گزینه‌ها مجاز به کار رفته است به جز گزینه‌ی

- | | |
|---|---|
| ۱) شد جهان در چشم من از رفتن جانان سیاه | ۱) برد با خود میهمان من چراغ خانه را |
| ۲) کامجویی غیر ناکامی ندارد حاصلی | ۲) در کف گلچین ز گلشن خار می ماند به جا |
| ۳) بشکفد پروانه چون در انجمن ببند مرا | ۳) خیزد از بلبل فغان چون در چمن ببند مرا |
| ۴) در کنار بحر بیش از بحر می باشد خطر | ۴) پا بسه دامن کش چو مرکز از میان بیرون میا |

تت ۱۴۸ در کدام گزینه ۲ مجاز دیده می شود؟

- | | |
|--|--|
| ۱) بسته‌ای با می و پیمانه ز مستی پیمان | ۱) ترک پیمان کن و جان در سر پیمانه مکن |
| ۲) سرّ من از ناله من دور نیست | ۲) لیک چشم و گوش را آن نور نیست |
| ۳) دانی که آه سوختگان را اثر بود | ۳) مگذار ناله‌ای که برآید ز سینه‌ای |
| ۴) گو همه شهر به جنگم به درآیند و خلاف | ۴) من که در خلوت خاصم خبر از عامم نیست |

کنایه

به معنی پوشیده سخن گفتن است. و آن عبارتی است که یک معنای آشکار و یک معنای پنهان دارد و مراد گوینده معنای پنهان آن است. در بیت زیر مصراع اول یک معنی آشکار (هنوز از دهان او بوی شیر می آید) و یک معنی پنهان (او هنوز کودک است) دارد. معنای پنهان را باید با دقت و کشف هنری به دست آورد.

هنوز از دهان بوی شیر آیدش همی رای شمشیر و تیر آیدش
مثال‌های دیگر:

دلا معاش چنان کن که گر بلغزد پای فرشته‌ات به دو دست دعا نگه دارد
«بلغزد پای» کنایه از خطا و اشتباه کردن.

نماند ایچ با روی خورشید رنگ به جوش آمده خاک بر کوه و سنگ
«نماند رنگ» معادل «رنگ پریدن» و کنایه از رسیدن.

بیامد که جوید ز ایران نبرد سر به گرد آوردن» کنایه از نابود کردن.
سر هم نبرد اندر آرد به گرد

آن را که چنین دردی، از پای دراندازد باید که فرو شوید دست از همه درمان‌ها
«دست فرو شستن از چیزی» کنایه از ترک کردن آن چیز.

چون بسی ابلیس آدم‌روی هست پس به هر دستی نشاید داد دست
«دست دادن» کنایه از اعتماد کردن.

توجه: بعضی کنایات، «فرمولی» هستند و با عوض شدن یک واژه، کنایه‌ی دیگری به دست می آید.

از شراب عشق مست بودن ← عاشق بودن از شراب بخشنده‌بودن ← بخشنده بودن

از شراب علم مست بودن ← عالم بودن از شراب شجاعت مست بودن ← شجاع بودن

توجه: بعضی صفات معنای کنایی دارند و کنایه محسوب می شوند. مانند: سبک‌مغز، سیه‌رو، سرخ‌رو، حلقه‌به‌گوش، تنگ‌دست، دل‌سیه، نمک‌نشناس، بد دل و ...

تو به هنگام سخن گر نشوی موی شکاف کس نیابد ز دهان تو نشان، یک سر موی
دریادلان راه سفر در پیش دارند پا در رکاب راهوار خویش دارند

توجه: کنایه و ایهام از این منظر که هر دو یک معنای آشکار و یک معنای پنهان دارند، با هم مشترکند ولی تفاوت‌هایی هم با هم دارند. اول اینکه؛ کنایه در قالب جمله (دست از جان شُست) یا عبارت مصدری (دست از جان شُستن) بیان می‌شود، اما ایهام معمولاً در قالب یک واژه یا گروه اسمی است. دوم اینکه؛ درک کنایه و ایهام بسیار متفاوت است. معمولاً کشف کنایه و درک معنای کنایی آن بسیار آسان است اما کشف ایهام و درک معنای دوم کمی سخت است و به توجه ویژه‌ای نیاز دارد. سوم اینکه؛ عبارت کنایی معمولاً در هر متنی کنایه است، یعنی در هر متنی به هر صورتی به کار برود کنایه است، ولی واژه ایهام‌دار لزوماً همه جا ایهام ندارد. تفاوت‌های دیگری نیز می‌توان مطرح نمود که از اطاله کلام پرهیز می‌شود.

تست

تست ۱۴۹ در کدام بیت کنایه وجود دارد؟

- (۱) همه‌کس را مگر این ذوق نباشد که مرا
- (۲) هر شبی روزی و هر روز زوالی دارد
- (۳) هر که با غمزه خوبان سر و کاری دارد
- (۴) هر که سرپنجه مخضوب تو ببند گوید

آن چه من می‌نگرم بر دگری ظاهر نیست
شب وصل من و معشوق مرا آخر نیست
سست مهر است که بر داغ جفا صابر نیست
گر بر این دست کسی کشته شود نادر نیست

تست ۱۵۰ در کدام گزینه کنایه وجود ندارد؟

- (۱) دیده به دل می‌برد حکایت مجنون
- (۲) یوسف به بندگی کمر بسته بر میان
- (۳) اتفاقم به سر کوی کسی افتاده است
- (۴) ز دست رفته نه تنها منم در این سودا

دیده ندارد که دل به مهر نبسته است
بودش یقین که ملک ملاحظت از آن توست
که در آن کوی چو من کشته بسی افتاده است
چه دست‌ها که ز دست تو بر خداوند است

تست ۱۵۱ در چند بیت کنایه وجود دارد؟

- (الف) کنون که بر کف گل جام باده‌ی صاف است
 - (ب) از آستان پیر مغان سر چرا کشیم
 - (ج) دلم ز نرگس ساقی امان نخواست به جان
 - (د) بر دوخته‌ام دیده چو باز از همه عالم
- (۱) چهار (۲) سه (۳) دو (۴) یک

به صد هزار زبان بلبلیش در اوصاف است
دولت در آن سرا و گشایش در آن در است
چرا که شیوه آن ترک دل سیه دانست
تا دیده من بر رخ زیبای تو باز است

تست ۱۵۲ در کدام بیت، آرایه کنایه به کار نرفته است؟

- (۱) دلتنگی جاوید نگهبانی عمر است
- (۲) نخست آن سیه روز برگشته بخت
- (۳) ای که گویی دیده از دیدار بت‌رویان بدوز
- (۴) همی‌رفت پیش اندرون مرد گرد

از خنده خود رفت به تاراج فنا گل
برافراخت بازو چو شاخ درخت
هر چه گویی چاره دانم کرد جز تقدیر را
سپاهی بر او انجمن شد نه خُرد

تست ۱۵۳ در همه ابیات آرایه «کنایه» وجود دارد به جز گزینه‌ی

- (۱) زردرویی می‌کشم زان طبع نازک بی‌گناه
- (۲) بر من مگیر اگر شدم آشفته‌دل ز عشق
- (۳) اگر چه دوست به چیزی نمی‌خرد ما را
- (۴) راز درون پرده چه داند فلک، خموش

ساقیا جامی بده تا چهره را گلگون کنم
مانند این بسی ز قضا و قدر فتاد
به عالمی نفروشیم مویی از سر دوست
ای مدّعی نزاع تو با پرده‌دار چیست؟

ت۱۵۴ در کدام بیت «کنایه» کمتر یافت می‌شود؟

- ۱) سبک‌سری که زند پیش بحر لاف وجود
- ۲) هر که سجاده خود بر سر آب اندازد
- ۳) دهر سپیددست، سیه‌کاسه‌ای است، صعب
- ۴) فلک با تنگ‌چشمان گوشه‌ی چشم دگر دارد

ت۱۵۵ آرایه نوشته‌شده مقابل کدام بیت در آن بیت وجود ندارد؟

- ۱) کنار مزرع سبز فلک یک‌باره تر می‌شود
 - ۲) چنین که سجده برم بی‌حفاظ پیش جمالت
 - ۳) اگرچه دوست به چیز می‌خورد ما را
 - ۴) ما دگر در دهن خلق فتادیم ولیک
- اگر در گریه شب‌ها دیده را فواره می‌کردم (تشبیه)
به عالمی شده روشن که آفتاب پرستم (استعاره)
به عالمی نفروشیم مویی از سر دوست (کنایه)
چاره نبود زر اگر در دهن گاز آید (مجاز)



درس یکم

تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی

تاریخ ادبیات در قرن هفتم

- سبک عراقی از اوایل قرن هفتم تا اوایل قرن دهم رواج داشت.
- نجم الدین کبری و عطار نیشابوری توسط مغولان کشته شدند.
- کمال‌الدین اسماعیل سراینده رباعی زیر و مدّاح جلال الدین خوارزمشاه نیز توسط مغولان در سال ۶۳۵ هـ. ق کشته شد.
- کس نیست که تا بر وطن خود گرید
بر حال تباه مردم بد گرید
- دی بر سر مرده‌ای دو صد شیون بود
امروز یکی نیست که بر صد گرید
- با پایان خلافت عباسی، زبان رسمی و رایج عربی از رونق افتاد و توجه به زبان فارسی که زبان توده مردم بود، رونق بیشتری گرفت.

◆ دلیل نام‌گذاری سبک عراقی

- بعد از حمله مغول کانون‌های فرهنگی از خراسان به عراق عجم منتقل شد.
- شاعران و نویسندگان بزرگ این دوره غالباً از محدوده عراق عجم (اصفهان، همدان، ری و...) بودند.

◆ دلایل سستی و نابسامانی زبان و ادبیات فارسی

- بسیاری از دانشمندان و ادیبان کشته یا متواری شدند.
- از دربارهای ادب‌دوست و خاندان‌های ادب‌پرور خبری نبود.

◆ عوامل مثبت انتقال قدرت از خراسان به مرکز ایران

- گسترش زبان و ادبیات فارسی در ناحیه عراق عجم و پدید آمدن آثار ارزشمندی در این ناحیه
- ایجاد زمینه‌هایی برای تغییر سبک از خراسانی به عراقی

◆ تأثیرات تغییر سبک از خراسانی به عراقی

- شعر این عصر نرم و دل‌نشین و برخوردار از معانی عمیق و آسمانی شد.
- شاعران از حاکمان روی برتافتند (لذا شعر مردمی‌تر شد).
- قصیده که برای مدح بود از رونق افتاد و غزل که زبان دل و عشق بود گسترش یافت.
- قالب مثنوی نیز برای ظهور اشعار عاطفی، اخلاقی و عرفانی مورد توجه قرار گرفت.
- مثنوی معنوی، حماسه‌ای عرفانی است که قهرمان آن انسان خداجوست.

◆ نثر در قرن هفتم

- ساده‌نویسی: طبقات ناصری، مرصادالعباد
- پیچیده نویسی: تاریخ و صّاف، تاریخ جهانگشای جوینی
- پیچیده نویسی عمدتاً برای تاریخ حاکمان وقت به کار می‌رفت.

◆ معروفترین شاعران و نویسندگان قرن هفتم

مولانا جلال‌الدین بلخی معروف به مولوی

- مثنوی معنوی و دیوان شمس دو اثر ارزشمند منظوم از مولانا
- فیه ما فیه، مجالس سبعه از آثار منثوری که مولانا گفته و شاگردان نوشته‌اند.
- مکاتیب، مجموعه نامه‌های مولاناست. این اثر، سبک نثر مولانا را بیشتر و بهتر نشان می‌دهد.

سعدی

- فرمانروای ملک سخن
- گلستان به نثر مسجع و بوستان در قالب مثنوی
- اشعار تعلیمی و عاشقانه
- در بیشتر قالب‌های ادبی طبع‌آزمایی کرده است.

فخرالدین عراقی

- صاحب غزل‌های عرفانی زیبا
- مثنوی **عشاق‌نامه** او مشهور است. (به شیوه تمثیل و حکایت)
- در **لمعات**، سیر و سلوک عارفانه را در قالب نظم و نثر بیان کرده است.

نجم‌الدین رازی معروف به نجم‌دایه

- از منشیان و نویسندگان توانا و از عارفانه وارسته.
- مرصادالعباد من المبدأ الی المعاد را در بیان سلوک دین و تربیت نفس انسانی نوشت.
- نثر مرصادالعباد **گاه ساده و گاه دارای سجع و موازنه** است.
- در خلال کتاب اشعاری از خود و شاعران دیگر نقل می‌کند.
- مرصادالعباد نثری شیوا، آراسته و دل‌انگیز دارد و از کتب معتبر عرفانی است.

عطاملک جوینی

- از نثر نویسندگان قرن هفتم و مؤلف «تاریخ جهانگشا» می‌باشد.
- خاندان او از افراد بانفوذ حکومت مغولان بودند.
- عطاملک از نوجوانی به کارهای دیوانی پرداخت در سفرهای متعددی حضور داشت.
- تاریخ جهانگشا: **شرح ظهور چنگیز**، تاریخ خوارزمشاهیان، فتح قلعه‌های اسماعیلیه و حکومت جانشینان حسن صباح.
- نثر کتاب «تاریخ جهانگشا» **مصنوع و دشوار** است.

خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی

- از چهره‌های علمی و سیاسی در عصر ایلخانان
- وزیر مقتدر غازان خان و اولجایتو بود.
- مهم‌ترین کتابش «جامع التواریخ» نام دارد.
- نثر جامع التواریخ **نثری عالمانه و پخته** می‌باشد.
- **ربع رشیدی** که در حکم دانشگاه است، از اقدامات مهم فرهنگی اوست.

شمس قیس رازی

- از نویسندگان زبردست قرن هفتم
- المعجم فی معاییر اشعار العجم از آثار اوست.
- این اثر از نخستین و مهم‌ترین آثار در علم عروض، قافیه، بدیع و نقد شعر به شمار می‌رود.
- نثر المعجم در مقدمه **مصنوع و در اصل کتاب، ساده** و عالمانه است.



تاریخ ادبیات در قرن هشتم

◆ نکات قابل توجه

- به دلیل بی‌اعتقادی مغولان، مذاهب غیر از اسلام، فرصتی برای ابراز عقاید خود یافتند.
- قلمرو بالندگی زبان و فرهنگ فارسی گسترش یافت. (از شبه قاره تا آسیا صغیر)
- عراق عجم و به طور دقیق‌تر **شیراز**، مرکز ادبی این عصر به شمار می‌رود.
- از رونق افتادن قصیده‌سرایی به سبب از بین رفتن دربارهای ادب‌دوست.
- زبان شعر جز در سروده‌های شاعران شاخصی چون خواجه و حافظ به سستی گرایید.

◆ معروف‌ترین شاعران و نویسندگان قرن هشتم

خواجهی کرمانی

- از غزل‌پردازان برجسته قرن هشتم است.
- غزل‌های او بر حافظ تأثیر گذار بوده است.
- چند مثنوی به پیروی از پنج گنج **نظامی** نوشته است.
- شعر خواجه در مجموع، کمال یافته و پخته است.

ابن یمین

- شاعر عصر سربداران و مردی دهقان‌پیشه بود.
- قدرت شاعری او در **قطعات اخلاقی** اوست.
- قناعت‌پیشگی و بی‌اعتباری دنیا در شعرش مورد تأکید قرار گرفته است.
- وان که محتاج خلق شد خوار است گر چه در علم بوعلی سیناست

حافظ

- با تلفیق عشق و عرفان غزل فارسی را به کمال رسانید.
- لحن سخن او گزنده، طنزآمیز و سرشار از خیرخواهی و اصلاح‌طلبی است.
- در غزل حافظ، فرهنگ گذشته ایران با همه کمال ایرانی- اسلامی رخ می‌نماید.
- **به قول خودش** شعرش «همه بیت الغزل معرفت» است.

سلمان ساوجی

- در غزل توجه خاصی به سعدی و مولوی داشته است.
- دارای قصایدی نیز در سبک عراقی است.
- مثنوی **جمشید و خورشید** او به شیوه داستان‌های **نظامی** است.

عبید زاکانی

- نکته‌یابی و انتقادهای ظریف اجتماعی او معروف است.
- تزویر و ریاکاری حاکمان را در آثارش به تصویر می‌کشد.
- در منظومه «موش و گربه» ناهنجاری‌های اجتماعی را **به شیوه طنز و تمثیل** بیان کرده است.
- رساله دلگشا، اخلاق الاشراف، صد پند از آثار **منثور** اوست.

حمدالله مستوفی

- از مورخان مشهور ایران
- مولف کتاب «تاریخ گزیده»
- این کتاب، تاریخ پیامبران، خلفای چهارگانه، خلفای بنی‌عباس و تاریخ ایران تا سال ۷۳۰ هـ. ق است.

تاریخ ادبیات در قرن نهم

◆ نکات قابل توجه

- ایران دستخوش حمله‌ی بنیان‌برانداز دیگری شد.
- در این عهد علاوه بر مینیاتور، معماری، تذهیب، تاریخ‌نویسی ادامه یافت.
- ادبیات رونقی دوباره یافت و کتاب‌هایی نوشته شد.
- کتاب‌های تحقیقی این دوره سطحی و ادبیات دوره نیز تقلیدی و فاقد نوآوری است.
- پس از مرگ تیمور، شاه‌رخ از هنرمندان خوش‌نویس و نقاش و شاعر حمایت کرد.
- بایسنقر میرزا، پسر شاه‌رخ، نیز هنرمند و هنردوست بود و در زمان او هنرمندان قرآن کریم و شاهنامه را به خط خوش نوشتند.

◆ معروف‌ترین شاعران و نویسندگان قرن نهم

جامی

- معروف‌ترین شاعر قرن نهم است.
- بهارستان را به تقلید از گلستان نوشت.
- نفحات الانس را به شیوه تذکره الاولیا عطار نیشابوری در بیان حقایق عرفانی نوشت.
- تحفه الاحرار و مثنوی‌های دیگری به شیوه نظامی سرود.
- نیست به جز عشق در این پرده کس اول و آخر همه عشق است و بس

شاه نعمت‌الله ولی

- از شاعران قرن نهم که در تصوّف و طریقت مقامی بلند داشته (البته در قرن هشتم نیز بوده است).
- سرسلسله‌ی صوفیان نعمت‌اللهی به شمار می‌رود.
- دیوان شعرش مضامین عرفانی دارد.

دولت‌شاه سمرقندی

- از نویسندگان قرن نهم است و تذکره دولت‌شاه را به تشویق امیرعلیشیر نوایی نوشته است.
- این کتاب شرح احوال بیش از صد تن از شاعران ایرانی از آغاز تا زمان مؤلف است.

* توجه داشتید چه آثاری به نظم و چه آثاری به نثر نوشته شده بودند؟

* توجه داشتید چه آثاری محتوای عرفانی و چه آثاری محتوای تاریخی داشتند؟

* توجه داشتید چه آثاری هم نظم و هم نثر بودند؟

* توجه داشتید چه آثاری به پیروی از نظامی سروده شدند؟

* توجه داشتید چه آثاری ساده و چه آثاری مسجع یا مصنوع بودند؟

* توجه داشتید هر شخصیت در چه قالب یا قالب‌های شعری فعالیت داشت؟

درستی یا نادرستی هر یک از موارد زیر را مشخص کنید.

تمرین ۱ سبک عراقی از اوایل قرن ششم تا اوایل قرن نهم به مدت ۳۰۰ سال سبک غالب متون ادب فارسی بود.

درست ○ نادرست ○

تمرین ۲ بزرگانی چون نجم‌الدین کبری و فریدالدین عطار نیشابوری در یورش ویرانگر مغول کشته شدند. درست ○ نادرست ○

تمرین ۳ ابیات زیر از عطار نیشابوری در توصیف حمله مغول به ایران است. درست ○ نادرست ○

کس نیست که تا بر وطن خود گرید بر حال تباه مردم بد گرید

دی بر سر مرده‌ای دو صد شیون بود امروز یکی نیست که بر صد گرید

تمرین ۴ با حمله مغول کانون‌های فرهنگی از مرکز ایران (عراق عجم) به آذربایجان و شمال غربی کشور منتقل شد.

درست نادرست

تمرین ۵ اولین نشانه‌های تغییر سبک خراسانی از زمان غزنویان آغاز شده اما خراسان هنوز به طور کامل ویران نشده بود.

درست نادرست

تمرین ۶ در پایان سبک خراسانی و آغاز سبک عراقی شاعران و نویسندگان بزرگ، غالباً از اهالی شهرهای عراق عجم (اصفهان، همدان، ری، اراک کنونی و ...) بودند.

درست نادرست

تمرین ۷ در آغاز حمله مغول وضعیت زبان و ادبیات فارسی به نوعی دچار سستی و نابسامانی شد.

درست نادرست

تمرین ۸ با حمله مغول به ایران عوامل مثبتی که موجب رشد زبان و ادبیات و اعتبار ادیبان و دانشمندان باشد نیز به وجود آمد.

درست نادرست

تمرین ۹ شعر سبک عراقی نرم و دلنشین و برخوردار از معانی عمیق انسانی و آسمانی است.

درست نادرست

تمرین ۱۰ سلمان ساوجی در منظومه «موش و گربه» ناهنجاری‌های اجتماعی را به شیوه طنز و تمثیل بیان کرده است.

درست نادرست

تمرین ۱۱ «شمس قیس رازی»، «مولانا» و «فخرالدین عراقی» همگی آثاری به نثر دارند.

درست نادرست

تمرین ۱۲ با حمله مغول به ایران قالب‌های شعری جدیدی در شعر پدید آمد و قصیده نیز رونق بیشتری یافت.

درست نادرست

تمرین ۱۳ با حمله مغول به ایران قالب مثنوی برای ظهور عاطفه، اخلاق و عرفان میدان فراخی یافت و غزل نیز گسترش یافت.

درست نادرست

تمرین ۱۴ «تاریخ و صاف» و «تاریخ جهانگشای جوینی» به ترتیب نمونه‌هایی از نثر ساده‌نویسی و پیچیده نویسی می‌باشند.

درست نادرست

تمرین ۱۵ ابن یمین از شاعران قرن هفتم است که قدرت شاعری وی بیشتر در قطعات اخلاقی او آشکار است.

درست نادرست

تمرین ۱۶ نثر قرن‌های هفتم تا نهم به دو شیوه «ساده‌نویسی» و «پیچیده نویسی» جریان داشت.

درست نادرست

تمرین ۱۷ کتاب‌هایی همچون «طبقات ناصری» و «مرصادالعباد» نمونه‌هایی از ساده‌نویسی در نثر قرن‌های هفتم تا نهم می‌باشند.

درست نادرست

تمرین ۱۸ از میان آثار مولانا «فیه ما فیه» و «مکاتیب» از کتب منثوری است که مولانا گفته و شاگردانش نوشته‌اند.

درست نادرست

تمرین ۱۹ از میان آثار مولانا «فیه ما فیه» سبک نثر وی را بیشتر و بهتر نمودار می‌سازد.

درست نادرست

تمرین ۲۰ فخرالدین عراقی در هر فصل از کتاب لمعات خود، به یکی از مباحث عرفانی به صورت تمثیل و حکایات پرداخته است.

درست نادرست

تمرین ۲۱ فخرالدین عراقی در کتاب عشاق‌نامه خود سیر و سلوک عارفانه را در قالب نظم و نثر بیان کرده است.

درست نادرست

تمرین ۲۲ نجم الدین کبری معروف به نجم دایه از منشیان و نویسندگان توانا و عارفان وارسته‌ی قرن هفتم می‌باشند.

درست نادرست

- تمرین ۲۳** عطاملک جوینی از نثر نویسان قرن هفتم است که کتاب تاریخ جهانگشا را با نثر ساده در شرح ظهور چنگیز نوشت.
 نادرست درست
- تمرین ۲۴** خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی وزیر مقتدر غازان خان و اولجایتو بود که کتاب جامع التواریخ را با نثری عارفانه و پخته نوشته است.
 نادرست درست
- تمرین ۲۵** عطاملک جوینی از افراد بانفوذ حکومت مغولان بود و اقدام مهم فرهنگی او تأسیس عمارت ربع رشیدی در تبریز است.
 نادرست درست
- تمرین ۲۶** از میان کتب «جامع التواریخ»، «تاریخ جهانگشا» و «مرصاد العباد» تنها دو اثر منثور می‌باشند.
 نادرست درست
- تمرین ۲۷** در میان کتب «مکاتیب»، «مجالس سبعه»، «عشاق نامه» و «مرصاد العباد» تنها یک اثر منظوم است.
 نادرست درست
- تمرین ۲۸** عطاملک جوینی نویسنده مهم‌ترین آثار در علم عروض، قافیه، بدیع و نقد شعر به شمار می‌رود.
 نادرست درست
- تمرین ۲۹** کتاب «المعجم فی معاییر اشعار العجم» در مقدمه نثری ساده و در اصل کتاب نثر مصنوع و عالمانه دارد.
 نادرست درست
- تمرین ۳۰** در قرن هشتم با از بین رفتن دربارهای ادب‌دوست ایرانی تبار قالب غزل از رونق افتاد و زبان رو به سستی نهاد.
 نادرست درست
- تمرین ۳۱** اولین نشانه‌های تغییر سبک خراسانی از زمان غزنویان آغاز شده اما خراسان هنوز به طور کامل ویران نشده بود.
 نادرست درست
- تمرین ۳۲** خواجهی کرمانی از شاعران تأثیرگذار بر حافظ است و چند مثنوی به پیروی از پنج گنج نظامی سروده است.
 نادرست درست
- تمرین ۳۳** خواجهی کرمانی از شاعران قرن هشتم است که در شعر خود قناعت‌پیشگی و بی‌اعتباری دنیا را مورد تأکید قرار داده است.
 نادرست درست
- تمرین ۳۴** نجم‌الدین کبری کتاب مرصاد العباد من المبدأ الی المعاد را در بیان سلوک دین و تربیت نفس انسانی نوشت.
 نادرست درست
- تمرین ۳۵** بیت زیر از ابن یمین می‌باشد.
 وان کسه محتاج خلق شد خوار است گر چه در علم بوعلی سیناست
- تمرین ۳۶** سلمان ساوجی شعر حافظ را «همه بیت الغزل معرفت» می‌داند و بیت زیر را درباره حافظ سروده است.
 نادرست درست
- شعر حافظ همه بیت الغزل معرفت است آفرین بر نفس دلکش و لطف سخنش
- تمرین ۳۷** سلمان ساوجی در غزل توجه ویژه‌ای به سعدی و مولوی داشته است و در مثنوی نیز منظومه‌ی «جمشید و خورشید» را به سبک نظامی سروده است.
 نادرست درست
- تمرین ۳۸** با حمله مغول به ایران زبان فارسی از رواج افتاد و توجه به زبان عربی رونق بیشتری گرفت.
 نادرست درست
- تمرین ۳۹** «جمشید و خورشید» و «عشاق نامه» به ترتیب آثاری از خواجهی کرمانی و فخرالدین عراقی می‌باشند.
 نادرست درست
- تمرین ۴۰** سلمان ساوجی قصایدی به سبک عراقی داشته و مثنوی «جمشید و خورشید» یکی از آثار اوست.
 نادرست درست

- تمرین ۴۱** کتاب‌های «فیه ما فیه»، «اخلاق الاشراف» و «لمعات» تماماً به نثر نوشته شده‌اند. درست نادرست
- تمرین ۴۲** سراینده منظومه «موش و گربه» نویسنده کتاب «اخلاق الاشراف» نیز می‌باشد. درست نادرست
- تمرین ۴۳** عطاملک جوینی در کتاب «تاریخ گزیده» به تاریخ پیامبران، خلفای چهارگانه، خلفای بنی‌عباس و تاریخ ایران تا سال ۷۳۰ می‌پردازد. درست نادرست
- تمرین ۴۴** خواجه رشیدالدین، حمدالله مستوفی و دولت‌شاه سمرقندی به ترتیب نویسندگانی از قرن‌های هفتم و هشتم و نهم می‌باشند. درست نادرست
- تمرین ۴۵** «ابن یمین»، «خواجوی کرمانی» و «شاه نعمت‌الله ولی» به ترتیب شاعرانی از قرن‌های هفتم و هشتم و نهم می‌باشند. درست نادرست
- تمرین ۴۶** «خواجوی کرمانی»، «سلمان ساوجی» و «جامی» همگی آثاری به پیروی از نظامی خلق کرده‌اند. درست نادرست
- تمرین ۴۷** جامی از شاعران و نویسندگان برجسته قرن نهم است که آثاری را به تقلید از سعدی، عطار و نظامی خلق کرده است. درست نادرست
- تمرین ۴۸** «نفحات الانفس»، «مرصادالعباد» و «لمعات» همگی آثاری در زمینه عرفان و سیر و سلوک می‌باشند. درست نادرست
- تمرین ۴۹** فخرالدین عراقی صاحب غزل‌های عرفانی زیباست و مثنوی «عشاق نامه» را به پیروی از نظامی سروده است. درست نادرست
- تمرین ۵۰** جامی در هر فصل از کتاب بهارستان به یکی از مباحث عرفانی پرداخته است و سخن را با تمثیل و حکایت به پایان برده است. درست نادرست
- تمرین ۵۱** «تاریخ گزیده»، «تاریخ جهانگشا»، «المعجم فی معاییر اشعار العجم» به ترتیب آثاری مربوط به قرن‌های «هشتم، هفتم و هفتم» می‌باشند. درست نادرست
- تمرین ۵۲** کتاب «تاریخ گزیده» در شرح چنگیز، احوال و فتوحات او، تاریخ خوارزمشاهیان، فتح قلعه‌های اسماعیلیه و حکومت جانشینان حسن صباح است. درست نادرست
- تمرین ۵۳** شعر زیر از جامی است. درست نادرست
- نیست به جز عشق در این پرده کس اول و آخر همه عشق است و بس
- تمرین ۵۴** شاه نعمت‌الله ولی از شاعران قرن نهم است که دیوان شعرش مضامین عرفانی دارد. درست نادرست
- تمرین ۵۵** دولت‌شاه سمرقندی کتابی به تشویق امیر علیشیر نوایی نوشته است که محتوای آن تاریخ مغولان است. درست نادرست
- تمرین ۵۶** «گلستان»، «تاریخ جهانگشا» و «مرصادالعباد» به ترتیب نثرهایی به سبک‌های مسجع، فنی و ساده می‌باشند. درست نادرست
- تمرین ۵۷** عبید زاکانی، جامی، سلمان ساوجی و مولانا همگی هم در زمینه نظم و هم در زمینه نثر آثاری خلق کرده‌اند. درست نادرست

تست‌های درس یکم علوم و فنون سال یازدهم

تست ۱۵۶ هر یک از پدیدآورندگان آثار زیر به ترتیب، خالق کدام آثارند؟

«نفحات الأنس، رساله دلگشا، لمعات، مجالس سبعة»

- ۱) تحفة الاحرار، صد پند، عشاق نامه، فیه مافیه
- ۲) بهارستان، موش و گربه، اسرارالتوحید، دیوان شمس
- ۳) جمشید و خورشید، اخلاق الاشراف، عشاق نامه، تذکرة الاولیا
- ۴) تذکرة الاولیاء اخلاق الاشراف، جمشید و خورشید، مثنوی معنوی

تست ۱۵۷ از دیدگاه «تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی» همه موارد «کاملاً» درست است؛ به جز:

- ۱) فخرالدین عراقی در کتاب لمعات خود سیر و سلوک عارفانه را در قالب نظم و نثر بیان کرده است.
- ۲) خواجه رشیدالدین فضل‌الله کتاب «جامع التواریخ» را به نثری عالمانه و پخته در عصر ایلخانان به نگارش درآورده است.
- ۳) نثر کتاب مرصادالعباد ساده و گاهی دارای سجع و موازنه است و نویسنده آن را در بیان سلوک دین و تربیت نفس انسانی نوشته است.
- ۴) المعجم فی معاییر اشعار العجم از مهم‌ترین آثار در علم عروض، قافیه، بدیع و نقد شعر به شمار می‌رود که نثر آن در مقدمه مسجع و در اصل کتاب مصنوع است.

تست ۱۵۸ پدید آورندگان «مکاتیب - صد پند - نفحات الانس - عشاق نامه» به ترتیب خالق آثار نیز هستند.

- ۱) مجالس سبعة - رساله دلگشا - بهارستان - لمعات
- ۲) فیه ما فیه - تاریخ گزیده - تحفة الاحرار - جامع التواریخ
- ۳) مثنوی معنوی - اخلاق الاشراف - تذکرة الاولیا - تاریخ جهانگشا
- ۴) دیوان شمس - موش و گربه - مرصادالعباد - جمشید و خورشید

تست ۱۵۹ هر دو اثر کدام گزینه، از یک نویسنده یا شاعر نمی‌باشد؟

- ۱) عشاق نامه - لمعات
- ۲) صد پند - موش و گربه
- ۳) تحفة الاحرار - جمشید و خورشید
- ۴) نفحات الانس - بهارستان

تست ۱۶۰ در هر گزینه یک اثر منظوم و یک اثر منثور وجود دارد به جز

- ۱) نفحات الانس - تحفة الاحرار
- ۲) جمشید و خورشید - جامع التواریخ
- ۳) المعجم فی معاییر اشعار العجم - عشاق نامه
- ۴) صد پند - تذکرة دولتشاه

تست ۱۶۱ کدام گزینه از نظر تاریخ ادبیات صحیح نمی‌باشد؟

- ۱) تذکرة دولتشاه به تشویق امیرعلیشیر نوایی نوشته شده است.
- ۲) جامی، بهارستان را به شیوه تذکرة الاولیای عطار ننوشته است.
- ۳) خواجوی کرمانی مثنوی جمشید و خورشید را به شیوه داستان‌های نظامی سروده است.
- ۴) از میان آثار مولانا «مکاتیب» نثر وی را بیشتر و بهتر نمودار می‌سازد.

تست ۱۶۲ کدام گزینه از نظر تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی صحیح نمی‌باشد.

- ۱) طبقات ناصری و مرصادالعباد به اسلوب «ساده‌نویسی» نوشته شده‌اند.
- ۲) اولین نشانه‌های تغییر سبک خراسانی از زمان سلجوقیان آغاز شده بود.
- ۳) با پایان یافتن خلافت عباسی، زبان عربی از رواج افتاد و زبان فارسی رونق بیشتری گرفت.
- ۴) سبک عراقی از اوایل قرن ششم تا اوایل قرن نهم سبک غالب متون ادب فارسی بود.

تست ۱۶۳ مؤلف چند اثر نادرست نوشته شده است؟

«جمشید و خورشید: سلمان ساوجی - جامع التواریخ: عطاملک جوینی - لمعات: جامی - مجالس سبعة: مولانا - رساله دلگشا: عبید

زاکانی - تاریخ گزیده: حمدالله مستوفی - تحفة الاحرار: خواجوی کرمانی - عشاق نامه: فخرالدین عراقی»

- ۱) دو
- ۲) سه
- ۳) چهار
- ۴) پنج



ت۱۶۴ همه نویسندگان زیر آثاری در زمینه تاریخ دارند به جز گزینه‌ی

- (۱) عطاملک جوینی
(۲) حمدالله مستوفی
(۳) دولتشاه سمرقندی
(۴) خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی

ت۱۶۵ چند مورد از آثار زیر محتوای عرفانی دارند؟

«دیوان شمس - جمشید و خورشید - مرصادالعباد من المبدأ الی المعاد - تذکره دولتشاه سمرقندی - عشاق نامه - اخلاق الاشراف - تذکره الاولیا - لمعات»

- (۱) سه (۲) چهار (۳) پنج (۴) شش

ت۱۶۶ کدام گزینه صحیح نمی‌باشد؟

- (۱) تذکره دولتشاه و صد پند به ترتیب مربوط به قرن‌های هشتم و نهم هستند.
(۲) جمشید و خورشید و جامع التواریخ به ترتیب مربوط به قرن‌های هشتم و هفتم هستند.
(۳) لمعات و نفحات الانس به ترتیب مربوط به قرن‌های هفتم و نهم هستند.
(۴) تاریخ گزیده و تاریخ جهانگشای جوینی به ترتیب مربوط به قرن‌های هشتم و هفتم هستند.

ت۱۶۷ آثار کدام گزینه به ترتیب «منظوم - منثور - منظوم» نمی‌باشد؟

- (۱) عشاق نامه - بهارستان - جمشید و خورشید
(۲) موش و گربه - مکاتیب - تحفه الاحرار
(۳) لمعات - مرصادالعباد - صد پند
(۴) مثنوی معنوی - المعجم فی معاییر اشعار العجم - دیوان شمس

ت۱۶۸ کدام اثر در قالب نظم و نثر می‌باشد؟

- (۱) تحفه الاحرار (۲) لمعات (۳) جمشید و خورشید (۴) اخلاق الاشراف

ت۱۶۹ در هر گزینه یکی از آثار عبید زاکانی وجود دارد به جز گزینه ...

- (۱) مکاتیب - مرصادالعباد - تاریخ گزیده - عشاق نامه
(۲) صد پند - جامع التواریخ - جمشید و خورشید - بهارستان
(۳) تذکره الاولیا - تذکره دولتشاه سمرقندی - موش و گربه - مجالس سبعة
(۴) لمعات - المعجم - تاریخ جهانگشا - رساله دلگشا

ت۱۷۰ در کدام گزینه دو اثر منثور و یک اثر منظوم وجود ندارد؟

- (۱) جمشید و خورشید - مرصادالعباد - جامع التواریخ
(۲) تاریخ جهانگشا - تحفه الاحرار - تاریخ و صاف
(۳) طبقات ناصری - بهارستان - موش و گربه
(۴) نفحات الانس - تاریخ گزیده - صد پند

ت۱۷۱ سراینده کدام شعر صحیح نمی‌باشد؟

- (۱) وان که محتاج خلق شد، خوار است
(۲) کس نیست که تا بر وطن خود گرید
(۳) نیست به جز عشق در این پرده کس
(۴) شکر کند عارف حق، کز همه بردیم سبق
گر چه در علم بوعلی سیناست (ابن یمین)
بر حال تباه مردم بد گرید (کمال‌الدین اسماعیل)
اول و آخر همه عشق است و بس (خواجوی کرمانی)
بر زیر هفت طبق، اختر رخشنده شدم (مولوی)

ت۱۷۲ همه شاعران زیر در آثار خود توجه ویژه‌ای به آثار نظامی داشته‌اند به جز ...

- (۱) خواجوی کرمانی (۲) ابن یمین (۳) سلمان ساوجی (۴) جامی

درس چهارم

تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی

سبک‌شناسی شعر دوره عراقی

♦ ویژگی‌های زبانی شعر سبک عراقی

- ۱- چهارچوب زبان همان چهارچوب فارسی قدیم یعنی زبان سبک خراسانی است که تا حدودی مختصات جدید یافته
 - ۲- لغات فارسی اصیل قدیم کم شده و جای آن‌ها را لغات عربی گرفته است.
 - ۳- «می» اندک‌اندک جای «همی» را گرفته است.
 - ۴- «در» به جای «اندر» در حال جایگزین شدن است.
 - ۵- واژگان «ایدون، ایدر، ابا، ابر و ...» بسیار اندک به کار می‌روند.
 - ۶- به کارگیری حرف نشانه «مر» در کنار مفعول جمله کم شده است.
- اساساً مهم‌ترین ویژگی زبانی سبک عراقی درهم آمیختگی مختصات نو و کهن است.

♦ ویژگی‌های ادبی شعر سبک عراقی

- ۱- در شعر این دوره کاربرد غزل بیشتر شد و جایگاه تخلص در انتهای آن تثبیت گردید.
- ۲- توجه به علوم ادبی از جمله بیان و بدیع بیشتر شد.
- ۳- به سبب خارج شدن شعر از دربار، قصیده از رونق افتاد.
- ۴- غزل عارفانه و عاشقانه رایج شد.

♦ ویژگی‌های فکری شعر سبک عراقی

- ۱- فکر در این دوره با تاثیرپذیری از مسائل سیاسی و اجتماعی دست‌خوش تغییر شد.
- ۲- مقام معشوق اندک‌اندک متعالی می‌گردد تا آنجا که گاه با معبود یکی می‌شود.
- ۳- توجه به امور اخروی بیشتر می‌شود و تصوف بیشتر رایج می‌شود.
- ۴- بی‌اعتباری دنیا و اعتقاد به قضا و قدر رواج بیشتری می‌یابد.
- ۵- پرهیز از زهد ربایی، توجه به صفا و پالایش درون، برتری عشق بر عقل و ...

مقایسه ویژگی‌های فکری سبک خراسانی و عراقی

خراسانی	عراقی
ستایش خرد	ستایش عشق
شادی‌گرایی	غم‌گرایی
وصال	فراق
واقع‌گرایی یا توجه به دنیا بیرون	ذهن‌گرایی یا توجه به دنیای درون
رواج روحیه پهلوانی و حماسی	رواج روحیه عرفانی و اخلاقی
باور به اختیار و اراده	باور به قضا و قدر
زمینی بودن معشوق	آسمانی بودن معشوق
بازتاب اندک علوم در شعر	بازتاب بیشتر علوم در شعر



مختصات سبکی نثر در سال‌های ۶۰۰ تا ۹۰۰

♦ ویژگی‌های زبانی نثر سبک عراقی

- ۱- ضعیف شدن نثر فنی و جایگزینی آن با نثر ساده
- ۲- تاریخ‌نویسی به اسلوب ساده (و البته به نثر پیچیده)
- ۳- حاشیه‌نویسی به نثر ساده بر تاریخ‌های قدیم
- ۴- ورود لغات قبایل ترک و مغول مانند ییلاق و قشلاق و قشون و بورش
- ۵- به وجود آمدن سستی و ضعف در ساخت دستوری جملات

♦ چند نکته مهم در مورد نثر سال‌های ۶۰۰ تا ۹۰۰

- در قرن هشتم با سیطره تیموریان بر ایران، نثر فنی از میان می‌رود.
- نثر ساده در اکثر کتاب‌های این دوره جای نثر فنی را می‌گیرد.
- در قرن ششم آثار ساده را به نثر فنی بازمی‌نوشتند.
- در قرن‌های هفتم و هشتم کتاب‌های مشکل را به زبان ساده بازمی‌نویسند.
- ملاحسین واعظ کاشفی کلیله و دمنه را به انشای خود بازگرداند و آن را «انوار سهیلی» نامید.
- تاریخ‌نویسی به اسلوب ساده رواج یافت. البته نمونه‌هایی با نثر پیچیده نیز یافت می‌شود.
- ظفرنامه شامی قدیمی‌ترین تاریخ نوشته شده درباره تیمور است.
- حاشیه‌نویسی‌های متعددی نیز به نثر ساده بر تاریخ‌های قدیم انجام گرفت.
- نثر ساده این دوره را نمی‌توان فصیح و بلیغ دانست.
- سلطان حسین بایقرا و امیرعلیشیر نوایی در حوزه ادبی هرات، ترکی‌گویی و ترکی‌نویسی را تشویق می‌کردند.
- امیرعلیشیر نوایی چند کتاب از جمله «محاکنه اللغتين» را به ترکی نوشت.
- ظهیرالدین بابر نیز «بابرنامه» را به ترکی نوشت.

♦ ویژگی‌های ادبی نثر سبک عراقی

- ۱- صنایع ادبی جای تعمق و تفکر را گرفت.
- ۲- کتاب‌های مصنوع و متکلف به ظاهرسازی و تصنع پرداختند.
- ۳- استعاره‌های دور از ذهن و آوردن سجع‌های متوالی و بی‌روح

♦ ویژگی‌های فکری نثر سبک عراقی

- ۱- کاسته شدن از صحت و اتقان مطالب و ضعف و انحطاط فکری
- ۲- کم شدن تحقیق و تتبع در بین علما و ادیبان
- ۳- درسی شدن عرفان و شرح اصطلاحات آن و پیچیده جلوه دادن آن

درستی یا نادرستی هر یک از موارد زیر را مشخص کنید.

- تمرین ۱ کاهش لغات فارسی اصیل و جایگزینی آن‌ها با لغات عربی از ویژگی‌های زبانی شعر سبک عراقی است.
- درست نادرست
- تمرین ۲ معشوق شعر سبک خراسانی نسبت به معشوق سبک عراقی جایگاهی کم‌تر دارد.
- درست نادرست
- تمرین ۳ به علت نبودن استادان بزرگ در قرن‌های هفتم تا نهم، تحقیق و تتبع در بین علما و ادیبان قوت می‌گیرد.
- درست نادرست
- تمرین ۴ پرهیز از زهد ریایی، توجه به صفا و پالایش درون و اعتقاد به اختیار از ویژگی‌های فکری سبک عراقی است.
- درست نادرست
- تمرین ۵ غم‌گرایی، فراق، بازتاب بیشتر علوم در شعر و ذهن‌گرایی یا توجه به دنیای درون از مشخصه‌های شعر سبک عراقی است.
- درست نادرست

- ۶ **تمرین** در نثر قرن‌های هفتم تا نهم نثر فنی کم‌کم قوت می‌گیرد و نثر ساده ضعیف و کم‌کاربرد می‌شود. درست نادرست
- ۷ **تمرین** با سیطره تیموریان نثر فنی کم‌کم جای نثر ساده را می‌گیرد. درست نادرست
- ۸ **تمرین** ملاحسین حسین واعظ کاشفی کتاب کلیله و دمنه را که به نثر فنی بود به سبک نثر دوره خود یعنی نثر ساده بازگرداند. درست نادرست
- ۹ **تمرین** در قرن‌های هفتم و هشتم برخی نویسندگان کتاب‌های مشکل را به زبان ساده بازنویسی می‌کردند. درست نادرست
- ۱۰ **تمرین** در قرن‌های هفتم تا نهم تاریخ‌نویسی به اسلوب ساده رواج یافت. درست نادرست
- ۱۱ **تمرین** کتاب تاریخ جهانگشای جوینی قدیمی‌ترین تاریخ نوشته‌شده درباره تیمور است. درست نادرست
- ۱۲ **تمرین** از ویژگی‌های زبانی نثر قرن‌های هفتم تا نهم ورود لغات ترکی و مغولی به زبان فارسی است. درست نادرست
- ۱۳ **تمرین** سلطان حسین بایقرا و امیرعلیشیر نوایی در حوزه ادبی هرات، فارسی‌نویسی ساده را تشویق می‌کردند. درست نادرست
- ۱۴ **تمرین** سلطان حسین بایقرا چند کتاب از جمله «محاكمه اللغتين» را به ترکی نوشت. درست نادرست
- ۱۵ **تمرین** سستی و ضعف در ساخت دستوری جملات از ویژگی‌های نثر قرن‌های هفتم تا نهم است. درست نادرست
- ۱۶ **تمرین** در نثر قرن‌های هفتم تا نهم تصنع و تکلف، جای تعمق و تفکر را گرفت. درست نادرست
- ۱۷ **تمرین** در شعر سبک عراقی قصیده و مثنوی از رونق افتاده و غزل عارفانه و عاشقانه رواج می‌یابد. درست نادرست
- ۱۸ **تمرین** در قرن هفتم تا نهم با کتاب‌های نثری مواجه می‌شویم که به استعاره‌ها و سجع‌های زیبا آراسته شده‌اند. درست نادرست
- ۱۹ **تمرین** نثر قرن‌های هفتم تا نهم نثری دارای ضعف و انحطاط فکری است و از صحت و اتقان مطالب کاسته شده است. درست نادرست
- ۲۰ **تمرین** در قرن ششم چنین مرسوم بود که نویسندگان نثرهای فنی را به نثرهای ساده بازمی‌گرداندند. درست نادرست
- ۲۱ **تمرین** متواری ساختن فضلا یا کشتن آن‌ها تأثیر چشم‌گیری در انحطاط فکری نثر دوره مغول دارد. درست نادرست
- ۲۲ **تمرین** مدعیان عرفان به درسی کردن عرفان و شرح اصطلاحات و پیچیده جلوه دادن مفاهیم آن پرداختند. درست نادرست
- ۲۳ **تمرین** بیت زیر از مولوی است.
آن یکی آمد در یاری نبرد
گفت یارش: کیستی ای معتمد؟ درست نادرست
- ۲۴ **تمرین** شعر زیر از حافظ است.
غمناک نباید بود از طعن حسود ای دل
شاید که چو وایینی خیر تو در این باشد درست نادرست
- ۲۵ **تمرین** بیت زیر از عبید زاکانی است.
آتش است آب دیده مظلوم
چون روان گشت خشک و تر سوزد درست نادرست
- ۲۶ **تمرین** «باور به اختیار و اراده» و «ذهن‌گرایی یا توجه به دنیای درون» نمی‌تواند از ویژگی‌های سبکی یک دوره باشد. درست نادرست

- تمرین ۲۷** «بازتاب بیشتر علوم در شعر» و «ستایش خرد» از ویژگی‌های فکری یک دوره نیستند. درست نادرست
- تمرین ۲۸** شادی‌گرایی، واقع‌گرایی، آسمانی بودن معشوق و رواج روحیه حماسی از ویژگی‌های فکری یک دوره هستند. درست نادرست
- تمرین ۲۹** اساساً مهم‌ترین ویژگی ادبی سبک عراقی درهم آمیختگی مختصات نو و کهن است. درست نادرست
- تمرین ۳۰** در سبک عراقی «همی»، «مر»، «اندر» کماکان به قوت خود باقی هستند. درست نادرست
- تمرین ۳۱** ویژگی‌های زبانی دو سبک عراقی و خراسانی اساساً با یکدیگر تفاوت دارند. درست نادرست
- تمرین ۳۲** در شعر سبک عراقی واژگانی مانند «ایدون، ایدر، آبا، آبر» به ندرت به چشم می‌خورد. درست نادرست
- تمرین ۳۳** توجه به علوم ادبی از جمله بیان و بدیع در سبک عراقی افزایش می‌یابد. درست نادرست
- تمرین ۳۴** اساساً مختصات فکری شعر خراسانی و عراقی یکسان بوده و اختلافات جزئی است. درست نادرست
- تمرین ۳۵** در سبک عراقی غرور و احساسات ملی موجب پیدایش اشعار ملی و میهنی گردید. درست نادرست
- تمرین ۳۶** بی‌اعتباری دنیا و اعتقاد به قضا و قدر و ستایش خرد از ویژگی‌های سبکی یک دوره نیستند. درست نادرست
- تمرین ۳۷** «بیلاق، قشلاق، قشون و یورش» از کلمات دخیل زبان ترکی به زبان فارسی می‌باشند. درست نادرست
- تمرین ۳۸** غزل معروف «من ندانستم از اول که تو بی مهر و وفايي / عهد نابستن از آن به، که ببندی و نیایی» از مولاناست. درست نادرست
- تمرین ۳۹** بیت «ز یزدان دان نه از ارکان که کوتاه‌دیدگی باشد / که خطی کز خرد خیزد تو آن را از بنان بینی» از اشعار سنایی غزنوی است. درست نادرست

تست‌های درس چهارم علوم و فنون سال یازدهم

تست ۱۷۳ کدام مورد از ویژگی فکری شعر «سبک عراقی» است؟

- (۱) درهم آمیختگی مختصات نو و کهن، در شعر این دوره کاملاً بارز است.
- (۲) گرایش به تصوف موجب رواج اندیشه‌هایی مانند بی‌اعتباری دنیا در شعر شد.
- (۳) مدعیان عرفان به شرح اصطلاحات و پیچیده جلوه دادن مفاهیم آن پرداختند.
- (۴) شاعران برای مضمون‌سازی از هر پدیده طبیعی یا هر موضوعی در قلمرو ذهن استفاده کردند.

تست ۱۷۴ کدام ابیات دارای ویژگی‌های فکری سبک عراقی‌اند؟

- | | |
|---|--|
| (الف) من اگر خارم اگر گل چمن آرایی هست | که از آن دست که او می‌کشدم می‌رویم |
| (ب) نمی‌توان غم دل را به خنده بیرون برد | ز خنده رویی گل تلخی از گلاب نرفت |
| (ج) به سان پرستاره آسمان گردد سحرگاهان | ز سبزه آبدار و سرخ گل وز لاله بستان‌ها |
| (د) جسم خاک از عشق بر افلاک شد | کوه در رقص آمد و چالاک شد |

(۱) الف، ج (۲) الف، د (۳) ب، ج (۴) ب، د

تست ۱۷۵ از دیدگاه تاریخ ادبیات همه موارد کاملاً درست است، به جز:

- (۱) بازماندگان تیمور کم و بیش از فرهنگ ایرانی تأثیر پذیرفتند و ادبیات رونقی تازه گرفت و تاریخ‌نویسی نیز ادامه یافت.
- (۲) جامی در کتاب نفحات الانس خود به شیوه تحفة الاحرار نظامی به بیان حقایق عرفانی و ذکر احوال عارفان پرداخته است.
- (۳) بایسنقر میرزا هنرمند و هنردوست بود و در زمان او هنرمندان قرآن کریم و شاهنامه فردوسی را به خط خوش نگاشتند.
- (۴) پس از مرگ تیمور، شاهرخ با علاقه‌ای که به هنر و فرهنگ اسلامی پیدا کرده بود، از هنرمندان خوش‌نویس، نقاش و شاعر حمایت نمود.

تت ۱۷۶ از دیدگاه تاریخ ادبیات در متن زیر، به چند مورد «خطا» برخورد می‌کنیم؟

«نثر فنی کم‌کم در قرن هفتم قوت می‌یابد و در قرن هشتم با سیطره غزنویان بر ایران رواج می‌یابد، تا آن‌جا که نثر فنی در اکثر کتاب‌های این دوره جای نثر ساده را می‌گیرد و نویسندگان، کتاب‌های آسان را به زبان فنی بازنویسی می‌کنند.»

(۱) چهار (۲) پنج (۳) شش (۴) هفت

تت ۱۷۷ در قرن دهم، چه کسی کتاب کلیده و دمنه را به زبان ساده‌فارسی بازنویسی کرد و آن را چه نامید؟

(۱) ظهیرالدین بابر، بابرنامه
(۲) فیض کاشانی، انوار سهیلی
(۳) ملاحسین واعظ کاشفی، انوار سهیلی
(۴) ملاحسین واعظ کاشفی، محاکمه اللغتين

تت ۱۷۸ به ترتیب چند مورد از ویژگی‌های زیر مربوط به سبک خراسانی و چند مورد مربوط به سبک عراقی است؟

«رواج روحیه پهلوانی - باور به قضا و قدر - واقع‌گرایی و توجه به دنیای بیرون - بازتاب اندک علوم در شعر - زمینی بودن معشوق - غم‌گرایی - ستایش عشق - وصال»

(۱) سه - پنج (۲) پنج - سه (۳) شش - دو (۴) چهار - چهار

تت ۱۷۹ کدام گزینه از ویژگی‌های شعر سبک عراقی نمی‌باشد؟

(۱) توجه بیشتر به علوم ادبی از جمله بیان و بدیع.
(۲) چهارچوب زبان همان چهارچوب فارسی قدیم است.
(۳) قالب مثنوی از رونق افتاد و غزل عارفانه و عاشقانه رواج یافت.
(۴) رواج بیشتر تصوف و اندیشه‌هایی همچون اعتقاد به قضا و قدر.

تت ۱۸۰ کدام گزینه از نظر سبک‌شناسی نثر دوره عراقی، صحیح نمی‌باشد؟

(۱) نثر فنی در قرن هفتم قوت می‌یابد و در قرن هشتم به اوج خود می‌رسد.
(۲) در قرن ششم چنین مرسوم بود که برخی نویسندگان نثرهای ساده را به نثر فنی باز می‌نوشتند.
(۳) ظفرنامه شامی قدیمی‌ترین تاریخ نوشته‌شده درباره تیمور است که به اسلوب ساده نوشته شده است.
(۴) به وجود آمدن سستی و ضعف در ساخت دستوری جملات و ورود لغات قبیایل ترک و مغول.

تت ۱۸۱ کدام گزینه در رابطه با سبک نثر دوره عراقی صحیح نمی‌باشد؟

(۱) در اندیشه ادیبان این دوره، صنایع ادبی جای تعمق و تفکر را گرفت.
(۲) از صحت و اتقان مطالب کاسته شد و ضعف و انحطاط فکری این دوره را فراگرفت.
(۳) بازنویسی کتاب‌های مشکل به زبان ساده توسط برخی از نویسندگان در قرن هفتم و هشتم.
(۴) در این دوره حاشیه‌نویسی‌های متعددی به نثر مصنوع بر تاریخ‌های قدیم انجام گرفت.

تت ۱۸۲ قدیمی‌ترین تاریخ نوشته‌شده درباره تیمور چه نام دارد؟

(۱) جامع التواریخ (۲) تاریخ گزیده (۳) ظفرنامه‌ی شامی (۴) تاریخ جهانگشا

تت ۱۸۳ کدام گزینه از نظر تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی صحیح می‌باشد؟

(۱) سلطان حسین بایقرا و امیرعلیشیر نوایی در حوزه ادبی هرات فارسی‌نویسی را تشویق می‌کردند.
(۲) سستی و ضعف در ساخت دستوری جملات از ویژگی‌های نثر قرن‌های هفتم تا نهم است.
(۳) در شعر سبک عراقی قصیده و مثنوی از رونق افتاده و غزل عارفانه و عاشقانه رواج می‌یابد.
(۴) توجه به صفا و پالایش درون و اعتقاد به اختیار از ویژگی‌های فکری شعر سبک عراقی است.

تت ۱۸۴ «محاکمه اللغتين» و «انوار سهیلی» به ترتیب از چه کسانی است؟

(۱) امیرعلیشیر نوایی - ملا حسین واعظ کاشفی
(۲) ظهیرالدین بابر - ملا حسین واعظ کاشفی
(۳) امیرعلیشیر نوایی - علی بن حسین واعظ کاشفی
(۴) ظهیرالدین بابر - علی بن حسین واعظ کاشفی

ت۱۸۵ سراینده بیت زیر چه کسی است؟

آتش است آب دیده مظلوم چون روان گشت خشک و تر سوزد

(۱) سیف فرغانی (۲) عبید زاکانی (۳) ابن یمن (۴) خواجه کرمانی

ت۱۸۶ عبارت «بدان که شریعت، گفت انبیاست و طریقت، کرد انبیاست و حقیقت، دید انبیاست» از چه کسی است؟

(۱) مولانا (۲) فخرالدین عراقی (۳) عزیزالدین بن محمد نسفی (۴) نجم الدین رازی

ت۱۸۷ همه موارد از ویژگی های نثر دوره عراقی است به جز گزینه ...

(۱) پیچیده جلوه دادن مفاهیم عرفانی (۲) آمدن صنایع ادبی به جای تعمق و تفکر

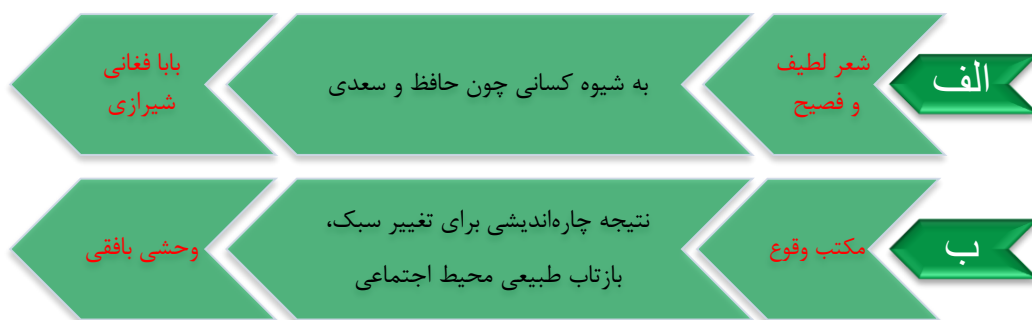
(۳) به وجود آمدن سستی و ضعف در ساخت دستوری (۴) رواج تاریخ نویسی به اسلوب پیچیده

درس هفتم

تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی

تاریخ ادبیات در قرن دهم

- در این دوره اوضاع ایران و به تبع آن اوضاع ادبیات آشفته بود.
- در این سال‌ها دو جریان شعری بیشتر رونق داشت:



چند نکته مهم

- به دلیل تسلط مغولان و تیموریان جایی برای رشد زبان و ادبیات فارسی و ادیبان باقی نماند.
- شاعران این عصر تشخیص داده بودند که سبک عراقی از واقعیت دور شده است. پس باید به‌سوی **حقیقت‌گویی و واقع‌گویی** بازگشت.
- قالب غزل برای پرداختن به مسائل اجتماعی و انتقادهای سیاسی مناسب نبود.
- آشنایی با تفکرات و معارف هندوان کم و بیش در تغییر سبک دخیل بود.

♦ دربار هند و ادبیات فارسی

- علل روی آوردن شاعران به دربارهای هند
- کم‌توجهی و بی‌مهری شاهان صفوی
شاعرنوازی و ادب‌گرایی سلاطین هند

♦ برخورد هندوان با ادب فارسی

- فرهنگ هند در این دوره از فرهنگ ایرانی تاثیر می‌پذیرفت.
- فضای هند از تالیف کتاب و سرودن شعر به زبان فارسی استقبال می‌کردند.
- شاهان گورکانی هند همگی به فارسی سخن می‌گفتند.
- زبان فارسی در شبه قاره هند همه‌گیر و رسمی شد.

♦ اصفهان نیز از نظر ادبی توسعه یافت.

- شاهان صفوی در ترویج زبان ترکی نقش بسزایی داشتند.
- شاهان صفوی کم و بیش به زبان فارسی نیز کتاب نوشته یا شعر گفته‌اند.

○ علل توجه و علاقه شاهان صفوی به زبان و ادب فارسی

- برخی از ایشان مقام شیخی داشتند لذا می‌بایست خود را در این مقام فرهنگی نگاه می‌داشتند.
- با رؤسای مذاهب در تماس نزدیک بودند.
- رقبایی چون شاهان عثمانی و هندی داشتند.
- هنرهایی چون قالی‌بافی، سفالگری، شیشه‌سازی، نقاشی، تذهیب و خوشنویسی در دوره صفویه رشد یافت.
- بهزاد در دوره شاه اسماعیل و **رضا عباسی** در دوره **شاه عباس** از مفاخر هنر هستند.

◆ شاعران مطرح قرن دهم

باباغانی شیرازی

- ✎ از شعرای تأثیرگذار این دوره است.
- ✎ شعرش از نظر دقت، **ظرافت و رقت معانی** مشهور است.

وحشی بافقی

- ✎ شعرش حد واسط سبک دوره عراقی و هندی است.
- ✎ **واقع‌گرایی** شاخصه اصلی شعرش است.

محتشم کاشانی

- ✎ در سرودن شعر مذهبی معروف است.
- ✎ ترکیب‌بند عاشورایی «**باز این چه شورش است که در خلق عالم است**» از اوست.

تاریخ ادبیات در قرن یازدهم

- ✎ حکومت صفوی پس از کشاکش‌های به وجود آمده روی کار آمد.
- ✎ حکومت صفوی به شعر ستایشی، درباری و عاشقانه‌های زمینی بی‌توجه بود.
- ✎ شاعران سروده‌های خود را با مضامین پند و اندرز و... همراه کردند.
- ✎ طبقات و گروه‌های بیشتری مدعی شعر و شاعری شدند.
- ✎ به دلیل پها ندادن به شعر مدحی، شاعران راهی دیار هند شدند.
- ✎ رفاه اقتصادی موجب توجه بیشتر مردم به امور فرهنگی از جمله شعر شد.
- ✎ قهوه‌خانه‌ها محلی برای مشاعره، مناظره و نقد آثار شاعران شد در این سال‌ها دو جریان شعری بیشتر رونق داشت.

◆ شاعران مطرح قرن یازدهم

کلیم کاشانی

- ✎ در ابداع معانی و خیال‌های رنگین مشهور است.
- ✎ ضرب‌المثل‌ها و **الفاظ محاوره** سخن او را برجسته ساخته است.
- ✎ وی با به کار بردن مضمون‌های ابداعی فراوان «**خلاق المعانی ثانی**» لقب گرفت.

صائب تبریزی

- ✎ معروف‌ترین شاعر سبک هندی است.
- ✎ از پرکارترین شاعران زبان فارسی است.
- ✎ **تک‌بیت‌های** غزلش شاهکارهایی از ذوق و اندیشه‌اند.
- ✎ بسیاری از تک‌بیت‌هایش به صورت ضرب‌المثل رواج یافته‌اند.
- ✎ صائب را **خداوندگار** مضامین تازه شعری دانسته‌اند.

بیدل دهلوی

- ✎ دارای غزل‌های خیال‌انگیز و مضمون‌های بدیع و گاه **دوره از ذهن** است.
- ✎ **مضمون‌های پیچیده** و استعاره‌های رنگین، خیال‌انگیز و سرشار از **ابهام** و تخیل شاعرانه، از ویژگی‌های عمده شعرش است.

درستی یا نادرستی هر یک از موارد زیر را مشخص کنید.

۱. **تمرین** بابا فغانی شیرازی پرچم‌دار شعری است که به شیوه کسانی چون سعدی و حافظ بوده است. درست نادرست
۲. **تمرین** مکتب وقوع در قرن نهم نتیجه چاره‌اندیشی شاعران برای تغییر سبک و رهایی از گرفتاری تقلید بود. درست نادرست
۳. **تمرین** شاعران قرن دهم ادامه پایبندی به سنن ادبی را راه نجات زبان و ادب فارسی می‌دانستند. درست نادرست
۴. **تمرین** بی‌مهری شاهان صفوی از دلایل عمده روی آوردن شاعران به دربارهای هند می‌باشد. درست نادرست
۵. **تمرین** از دلایل تغییر سبک عراقی می‌توان به آشنایی با تفکرات و معارف هندوان اشاره کرد. درست نادرست
۶. **تمرین** زبان فارسی در شبه قاره هند قوت یافته و شاهان گورکانی هند به این زبان سخن می‌گفتند. درست نادرست
۷. **تمرین** هم‌زمان با رشد ادبیات در هند، اصفهان که پایتخت و محل اجتماع شعرا و فضلا بود، از دیدگاه ادبی تضعیف می‌شد. درست نادرست
۸. **تمرین** علاوه بر هند، خراسان، آذربایجان و نواحی مرکزی ایران به کانون‌های مهمی برای شاعران و دانشمندان تبدیل می‌شد. درست نادرست
۹. **تمرین** برخی از شاهان صفوی علاوه بر ترویج و نفوذ زبان ترکی در ایران به زبان فارسی نیز کتاب نوشته یا شعر سروده‌اند. درست نادرست
۱۰. **تمرین** بیدل دهلوی با به کار بردن مضمون‌های ابداعی فراوان، زبان غزل قرن یازدهم را به افق خیال عامه نزدیک کرده است. درست نادرست
۱۱. **تمرین** توجه شاهان عثمانی و هندی به مسائل فرهنگی از عوامل توجه شاهان صفوی به زبان و فرهنگ فارسی است. درست نادرست
۱۲. **تمرین** سبک شعر بابا فغانی شیرازی حد واسط سبک دوره عراقی و سبک هندی است و واقع‌گرایی شاخصه اصلی آن است. درست نادرست
۱۳. **تمرین** بابا فغانی از شاعران قرن نهم است که شعرش از نظر دقت، ظرافت و رقت معانی مشهور است. درست نادرست
۱۴. **تمرین** محتشم کاشانی از شاعران مشهور قرن یازدهم است که شعر مذهبی او معروف و ترکیب‌بند عاشورایی‌اش زبانزد است. درست نادرست
۱۵. **تمرین** بیت زیر از کلیم کاشانی است.
بخیه کفشم اگر دندان نما شد عیب نیست خنده می‌آرد همی بر هرزه گردی‌های من درست نادرست
۱۶. **تمرین** حکومت صفوی از شعر ستایشی، درباری و عاشقانه استقبال نمود و موجبات پیشرفت آن را فراهم کرد. درست نادرست
۱۷. **تمرین** بی‌توجهی شاهان صفوی به اشعار درباری و عاشقانه، مضامین پند و اندرز، توصیف و بیان امور طبیعی را افزایش داد. درست نادرست
۱۸. **تمرین** فضایی هند از تألیف کتاب و سرودن شعر به زبان فارسی و بها دادن به فرهنگ آن روی برمی‌تافتند. درست نادرست
۱۹. **تمرین** در دوره مغولان و تیموریان رشد زبان و ادبیات فارسی و شاعران با سرعت بیشتری ادامه یافت. درست نادرست
۲۰. **تمرین** در دوره صفوی طبقات و گروه‌های بیشتری مدعی شعر و شاعری شدند و همچنین در این دوره تمثیلات کهن به مضامین تازه و به زبان جدید بیان شد. درست نادرست

تمرین ۲۱ در دربارهای هند، هم‌زمان با حکومت صفوی، بازار قصیده و مدح با کم توجهی و بی‌مهتری همراه شد.

درست نادرست

تمرین ۲۲ بهزاد در دوره شاه عباس و رضا عباسی در دوره شاه اسماعیل از مفاخر هنر ایرانند.

درست نادرست

تمرین ۲۳ رفاه اقتصادی مردم در دوره صفوی موجب توجه بیشتر مردم به امور فرهنگی از جمله ادبیات بود.

درست نادرست

تمرین ۲۴ کلیم کاشانی، صائب تبریزی و وحشی بافقی از شاعران مطرح قرن یازدهم می‌باشد.

درست نادرست

تمرین ۲۵ صائب را خداوندگار مضامین تازه شعری می‌دانند. او از پرکارترین شاعران فارسی زبان است.

درست نادرست

تمرین ۲۶ کلیم کاشانی را به سبب به کار بردن غزل‌های خیال‌انگیز و به کار بردن مضمون‌های دور از ذهن «خلاق المعانی ثانی» نامیده‌اند.

درست نادرست

تمرین ۲۷ قالب غزل با توجه به نقش و سابقه‌ی کاربردش قالب مناسبی برای بیان مسائل اجتماعی و سیاسی نبود.

درست نادرست

تمرین ۲۸ مضمون‌های پیچیده و استعاره‌های رنگین، خیال‌انگیز و سرشار از ابهام و تخیل‌های رمزآمیز شاعرانه از ویژگی‌های عمده

شعر بیدل است.

درست نادرست

تمرین ۲۹ بیت زیر از از بیدل دهلوی است.

درست نادرست

غرقه‌ی وهیم و نه این محیط از تنک‌لایی کناری بیش نیست

تمرین ۳۰ «مضمون‌های بدیع و گاه دور از ذهن» و «استفاده از الفاظ محاوره» به ترتیب از ویژگی‌های شعری بیدل دهلوی و صائب

تبریزی است.

درست نادرست

تمرین ۳۱ بیدل دهلوی به ابداع معنای و خیال‌های رنگین مشهور است و این ویژگی به غزل‌های او لطف ویژه‌ای بخشیده است.

درست نادرست

تست‌های درس هفتم علوم و فنون سال یازدهم

تست ۱۸۸ از دیدگاه تاریخ ادبیات کدام مورد غلط است؟

(۱) بعد از ظهور شاعران بزرگی چون سعدی و حافظ در دوره عراقی به دلیل تسلط طولانی‌مدت مغولان و تیموریان جایی برای رشد زبان و ادبیات فارسی باقی نماند.

(۲) مکتب وقوع نتیجه چاره‌اندیشی شاعران برای تغییر سبک و رهایی از گرفتاری تقلید بود و بازتاب طبیعی محیط اجتماعی قرن دهم به شمار می‌رفت.

(۳) هرچند شاهان صفوی در ترویج و نفوذ زبان ترکی در ایران نقش بسزایی داشتند؛ اما به زبان فارسی اصلاً علاقه‌ای نشان نداده‌اند.

(۴) اوضاع اجتماعی و سیاسی ایران در قرن دهم به‌طور کلی و وضع ادبیات نیز به تبع آن آشفته شده بود.

تست ۱۸۹ سبک شعر کدام شاعر، حد واسط سبک دوره عراقی و سبک هندی است و شاخصه اصلی آن چیست؟

(۱) وحشی بافقی، واقع‌گرایی (۲) محتشم کاشانی، مرثیه‌سرایی

(۳) بابا فغانی شیرازی، ظرافت و رقت معانی (۴) کلیم کاشانی، ابداع معانی و خیال‌های رنگین

تست ۱۹۰ کدام عبارات، از نظر تاریخ ادبیات درست است؟

(الف) کلیم کاشانی از شاعران بزرگ قرن دهم به خلاق المعانی ثانی شهرت یافت.

(ب) بهزاد در دوره شاه عباس و رضا عباسی در دوره شاه اسماعیل از مفاخر هنرند.

(ج) مکتب وقوع در قرن دهم نتیجه چاره‌اندیشی شاعران برای رهایی از تقلید بود.

(د) درسبک هندی بازسازی اندرزها و تمثیل‌های کهن به شیوه نو در شعر رواج یافت.

(۴) الف - د

(۳) الف - ب

(۲) ج - د

(۱) ب - ج

تست ۱۹۱ هر دو اثر کدام گزینه، از یک نویسنده یا شاعر نمی‌باشد؟

- (۱) هم‌زمان با رشد ادبیات در هند، اصفهان که پایتخت و محل اجتماع شعرا و فضلا بود از دیدگاه ادبی تضعیف می‌شد.
- (۲) مضمون‌های پیچیده و استعاره‌های رنگین، و سرشار از ابهام و تخیل‌های رمزآمیز از ویژگی‌های عمده شعر بیدل است.
- (۳) سبک شعری بابا فغانی شیرازی حد واسط دوره عراقی و سبک هندی است و واقع‌گرایی شاخصه اصلی آن است.
- (۴) کلیم کاشانی را به سبب غزل‌های خیال‌انگیز و به کار بردن مضمون‌های دور از ذهن «خلاق المعانی ثانی» نامیده‌اند.

تست ۱۹۲ «بیدل دهلوی، محتشم کاشانی، بابا فغانی شیرازی و کلیم کاشانی» به ترتیب شاعران کدام قرن می‌باشند؟

- (۱) یازده، ده، یازده (۲) یازده، یازده، ده (۳) ده، یازده، یازده (۴) ده، یازده، یازده، ده

تست ۱۹۳ عبارت «او را به سبب سرودن غزل‌های خیال‌انگیز و به کار بردن مضمون‌های بدیع و گاه دور از ذهن می‌شناسیم» معرف کدام شاعر است؟

- (۱) کلیم کاشانی (۲) صائب تبریزی (۳) بیدل دهلوی (۴) وحشی بافقی

تست ۱۹۴ شاعر مقابل کدام توضیح نادرست است؟

- (۱) سبک شعرش حد واسط سبک دوره عراقی و دوره هندی است. (وحشی بافقی)
- (۲) شعرش از نظر دقت، ظرافت و رقت معانی مشهور است. (محتشم کاشانی)
- (۳) ضرب‌المثل‌ها و الفاظ محاوره سخن او را برجسته کرده است. (کلیم کاشانی)
- (۴) برخی از تک بیت‌های غزلش شاهکارهایی از ذوق و اندیشه‌اند. (صائب تبریزی)

تست ۱۹۵ در متن زیر از نظر تاریخ ادبیات چند غلط وجود دارد؟

«وابسته نبودن شعر به دربار و از بین رفتن طبقه مدیحه‌سرایان درباری باعث شد که طبقات و گروه‌های کمتری مدعی شعر و شاعری شوند. از سوی دیگر بها دادن به شعر ستایشی در دربار صفوی موجب شد شاعران مدیحه‌سرا برای امرار معاش یا ثروت‌اندوزی راهی دیار هند شوند؛ زیر آنجا به رسم دربارهای قدیم ایران، هنوز بازار غزل و ستایش رواج داشت. رفاه اقتصادی مردم در دوره صفوی توجه مردم را به امور فرهنگی از جمله ادبیات کاهش داده بود.»

- (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

تست ۱۹۶ کدام گزینه از نظر تاریخ ادبیات صحیح نمی‌باشد؟

- (۱) شعر بابافغانی شیرازی به شیوه سعدی و حافظ شبیه بود.
- (۲) شاهان صفوی کم و بیش به زبان فارسی کتاب نوشته یا شعر گفته‌اند.
- (۳) فضلی هند از تألیف کتاب و سرودن شعر به زبان فارسی استقبال می‌کردند.
- (۴) بهزاد در دوره شاه‌عباس و رضا عباسی در دوره شاه اسماعیل از مفاخر هنرند.

تست ۱۹۷ شعر «غرفه وهمیم ور نه این محیط از تنگ‌آبی کناری بیش نیست» از کیست؟

- (۱) صائب تبریزی (۲) بیدل دهلوی (۳) بابا فغانی شیرازی (۴) کلیم کاشانی

تست ۱۹۸ سراینده شعر زیر چه کسی است؟

- (۱) صائب تبریزی (۲) کلیم کاشانی (۳) بیدل دهلوی (۴) وحشی بافقی

جان به لب داریم و همچون صبح خندانیم ما دست و تیغ عشق را زخم نمایانیم ما

تست ۱۹۹ «واقع‌گرایی» و «ظرافت و رقت معانی» به ترتیب ویژگی شعری کدام شاعران است؟

- (۱) وحشی بافقی - بابا فغانی شیرازی (۲) بابا فغانی شیرازی - وحشی بافقی
- (۳) بیدل دهلوی - صائب تبریزی (۴) صائب تبریزی - بیدل دهلوی

تست ۲۰۰ کدام گزینه صحیح نمی‌باشد؟

- (۱) شاعران صفوی کم و بیش به زبان فارسی علاقه نشان داده‌اند.
- (۲) در قرن دهم آذربایجان نیز از کانون‌های تجمع مهم شاعران بود.
- (۳) مکتب وقوع بازتاب طبیعی محیط اجتماعی قرن یازدهم بود که راه به‌جایی نبرد.
- (۴) شاهان گورکانی هند، همگی به فارسی سخن می‌گفتند.



درس دهم

تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی

شعر در قرن‌های یازدهم و نیمه اول قرن دوازدهم

- سبک هندی از اوایل قرن یازدهم تا اواسط قرن دوازدهم هجری قمری به مدت ۱۵۰ سال رواج داشت.
- حکومت صفوی به شعر مدحی و درباری و عاشقانه بهایی نمی‌داد.
- شاعران به موضوعاتی مثل اندرز، مضمون‌آفرینی و باریک‌اندیشی روی آوردند.
- شعر از حوزه تصرف شاعران باسواد و آگاه به فنون ادب خارج شد و در دست عامه قرار گرفت.

فواید ورود عامه به شاعری: مضمون‌ها و قلمروهای تازه.

معایب ورود عامه به شاعری: خارج شدن شعر از استواری و سلامت پیشین خود.

شعر سبک هندی

◆ ویژگی‌های زبانی شعر سبک هندی

- ۱- ورود زبان کوچه و بازار به شعر که روح تازه‌ای به شعر دمید.
- ۲- دایره واژگان شعر گسترش یافت و بسیاری از لغات قدیمی از صحنه شعر رخت برپست.
- ۳- می‌توان گفت زبان شعر سبک هندی، زبان جدید فارسی است و از مختصات زبان قدیم در آن خبری نیست.
- ۴- رواج لغاتی چون **نزاکت، قالی، شیشه، پل، بخیه، سفال و...**
- ۵- ورود لغات مربوط به مذاهب و آداب و رسوم هندوان به حوزه شعر.
- ۶- کم شدن کاربرد لغات عربی و رواج لغات ترکی و ضعف زبان فارسی
- ۷- زبان سبک هندی زبانی **واقع‌گراست** زیرا زبان حقیقی مردم آن دوره بوده است.
- ۸- در مجموع بی‌توجهی به زبان، بی‌دقتی در کاربرد جمله‌ها و ترکیب‌ها و ورود واژه‌های عامیانه در شعر این دوره کاملاً مشهود است.

◆ دلایل حذف ویژگی‌های سبکی زبان قدیم

- ۱- حملات پی در پی بیگانگان که به نابودی کتابخانه‌ها و از بین رفتن آثار کهن منجر شد. فضلا دیگر با کتب قدیم و در نتیجه با زبان قدیم مأنوس نبودند.
- ۲- تغییر جغرافیایی حوزه‌های شعری و تاثیر پذیرفتن از نواحی گوناگون.

♦ ویژگی‌های ادبی شعر سبک هندی

- ✎ بدیع و بیان جز به صورت طبیعی و تصادفی کمتر استفاده شده است.
- ✎ رواج تشبیه، استفاده از تلمیحات رایج، حُسن تعلیل، حس آمیزی، تمثیل، اسلوب معادله.
- ✎ قالب مسلط غزل است؛ اما غزلی که گاه به چهل بیت می‌رسد و تکرار قافیه در آن امری طبیعی است.
- ✎ می‌توان گفت قالب حقیقی شعر مفردات است.
- ✎ استفاده از ردیف‌های طولانی و خوش‌آهنگ مانند؛ خواهیم شدن، می‌شود پیدا، می‌برد مرا، دیگر است و ...

♦ ویژگی‌های فکری شعر سبک هندی

- ✎ شعر سبک هندی شعری معنی‌گرا است نه صورت‌گرا و شاعران به معنی بیشتر توجه دارند تا به زبان.
- ✎ شاعران برای مضمون‌سازی، از هر پدیده‌ای در عالم طبیعت یا هر موضوعی در قلمرو ذهن استفاده کردند.
- ✎ شعر در تک بیت خلاصه می‌شود و طول و عرض معنا از یک بیت بیشتر نمی‌رود.
- ✎ شاعران این دوره معمولاً مطالب فلسفی، عرفانی و غنایی گذشتگان را به شیوه خود بازگو می‌کردند.
- ✎ کوشش شاعر سبک هندی مضمون‌یابی و ارائه خیال خاص و معنی برجسته است. یعنی یافتن فکری جزئی اما تازه و نکته و بیان آن به صورتی اعجاب‌انگیز.

نثر در قرن‌های یازدهم و نیمه اول قرن دوازدهم

در کتاب‌های این دوره ۳ نوع نثر می‌توان دید: نثر ساده، نثر مصنوع، نثر بینابین

♦ الف - نثر ساده

- مراد از نثر ساده در این دوره، نثر مرسل در آثاری مانند تاریخ بلعمی نیست.
- در نثر ساده این دوره، لغات و ترکیبات عربی، اشاره به آیات و احادیث و درآمیختگی شعر و نثر یافت می‌شود.
- در نثر این دوره علاوه بر کتاب‌هایی که در ایران نوشته شده‌اند، کتاب‌هایی نیز در خارج از ایران به زبان فارسی نوشته شده است.
- آثار زیر به نثر ساده در این دوره نوشته شده‌اند، در مورد آثار زیر باید به این موارد دقت داشته باشیم:

✎ نوع نثر (ساده، مصنوع، بینابین)

✎ نام مؤلف

✎ موضوع اثر

✎ نوشته شده در داخل یا خارج کشور.

○ کتاب‌هایی که در خارج از ایران نوشته شده‌اند:

۱- کتب دارا شکوه در هند (به نثر ساده)

۲- شرفنامه بدلیسی در عثمانی (به نثر ساده)

۳- بدایع الوقایع واصفی در ماوراءالنهر (به نثر ساده)

○ کتاب‌هایی که در ایران نوشته شده‌اند:

۱- تذکر شاه طهماسب؛ از شاه طهماسب صفوی، در زمینه تاریخ (به نثر ساده)

۲- عالم آرای عباسی؛ از اسکندر بیگ ترکمان، در زمینه تاریخ (به نثر ساده)

۳- رشحات عین الحیات؛ از علی بن حسین واعظ کاشفی، در زمینه عرفان (به نثر ساده)

۴- مجالس المؤمنین؛ از قاضی نورالله شوشتری، در زمینه زندگی‌نامه (به نثر ساده)

۵- جامع عباسی؛ از شیخ بهایی، در زمینه فقه (به نثر ساده)

♦ **ب - نثر مصنوع**

- از این نوع نثر در فرمان‌ها، منشآت و دیباچه‌ی کتاب‌ها استفاده می‌شد.
- نثر فنی این دوره حلاوت و فخامت نثر فنی قرن‌های ششم و هفتم را ندارد و هر چه هست تکلف و بی‌ذوقی و غلط‌پردازی است.

- ۱- **دیباچه‌ی شرفنامه** بدلیسی (به نثر مصنوع)
- ۲- **دیباچه‌ی عیار دانش** (به نثر مصنوع)
- ۳- عباس‌نامه؛ از وحید قزوینی (به نثر مصنوع)
- ۴- محبوب‌القلوب؛ از میرزا برخوردار فراهی (به نثر مصنوع)

♦ **ج - نثر بینابین**

- نثری است نه چندان ساده و نه چندان دشوار.
- می‌توان گفت قصد نویسندگان در اصل آسان‌نویسی بوده است هر چند امروزه روان و آسان به نظر نمی‌رسد.
- ۱- حبیب‌السیر؛ از خواند میر (در نثر بینابین)
- ۲- احسن‌التواریخ؛ از حسن بیگ روملو (در نثر بینابین)

نثر در قرن‌های یازدهم و نیمه اول قرن دوازدهم

♦ **ویژگی‌های زبانی نثر این دوره**

- ✍ در آمیختگی نظم و نثر
- ✍ کاربرد وجه وصفی
- ✍ جمع بستن با «ات» علاوه بر کلمات عربی (محاربات) در واژه‌های فارسی (گیلان‌ات) و ترکی و مغولی (بیلاقات)
- ✍ مطابقت صفت و موصوف به تقلید از عربی
- ✍ آوردن تنابع اضافات در مقام تعارف و تمجید از بزرگان یا به سبب قرینه‌پردازی و موازنه
- ✍ آوردن جملات طولانی
- ✍ کاربرد افعال با پیشوندهای متعدد
- ✍ فراوانی لغات ترکی و مغولی

♦ **ویژگی‌های ادبی نثر این دوره**

- ✍ نثر این دوره از دیدگاه ادبی ارزش‌الایی ندارد. زیرا به زبان عامیانه نزدیک است و متن‌های ادبی نیز با تصنع و تکلف همراه است.
- ✍ انحطاط ادبی در این زمان از دوره تیموری بیشتر شده است.
- ✍ استفاده از آیات، احادیث و عبارات عربی رواج بیشتری یافته و در تلمیح نمودار شده است.
- ✍ کاربرد شعرهای ضعیف در متن کتاب‌های نثر که غالباً سروده خود مؤلفان است.
- ✍ بی‌دقتی در ذکر تاریخ و حوادث تاریخی و رواج مدح و چاپلوسی، نثر را از رونق انداخته است.
- ✍ آمیزش زبان فارسی با دیگر زبان‌ها (مغولی، ترکی، عربی و ...) **نگارش کتاب‌هایی با عنوان فرهنگ لغت** را رواج داده است.

♦ **ویژگی‌های فکری نثر این دوره**

- ✍ به علت فساد و تیره‌بختی چند قرن گذشته، کشتار مردم و فرار دسته جمعی افراد باذوق و آزاده و کشته‌شدن یا مردن آنان از گرسنگی و فقر موجب شد ایران از نویسندگان قوی دست خالی ماند.
- ✍ تاریخ‌نگاری از جمله عرصه‌هایی بود که از این حادثه بزرگ متأثر گردید. چنانکه تواریخ عمومی این دوره در کنار نهادهای سیاسی و فرهنگی صفویه در جهت نهادینه‌کردن فرهنگ تشیع گام برداشتند.

درستی یا نادرستی هر یک از موارد زیر را مشخص کنید.

- تمرین ۱** سبک هندی از اوایل قرن دهم تا اواسط قرن یازدهم به مدت ۱۵۰ سال در تاریخ ادبیات فارسی رواج داشت. نادرست درست
- تمرین ۲** در سبک هندی شعر از حوزه تصرف شاعران عامه خارج شد و در تصرف شاعران باسواد و آگاه به فنون ادب قرار گرفت. نادرست درست
- تمرین ۳** قرارگیری شعر در میان عامه مردم، مضمون‌ها و قلمروهای تازه‌ای در شعر وارد کرد که حرکت سودمندی در شعر بود. نادرست درست
- تمرین ۴** ورود زبان کوچه و بازار به شعر، استفاده مجدد از لغات ادبی قدیم و گسترش دایره واژگان در شعر از ویژگی‌های زبانی شعر سبک هندی است. نادرست درست
- تمرین ۵** «اسکندر بیک ترکمان» نویسنده یکی از کتاب‌های «داراشکوه»، «جامع عباسی» «عالم‌آرای عباسی» و «عباس‌نامه» می‌باشد. نادرست درست
- تمرین ۶** حملات پی‌درپی مغول و تیموریان و ازبکان و به تبع آن نابودی کتابخانه‌ها و از بین رفتن آثار کهن، از دلایل حذف ویژگی‌های زبان قدیم است. نادرست درست
- تمرین ۷** تغییر جغرافیایی حوزه‌های شعری در نقاط مختلف ایران از دلایل حذف ویژگی‌های زبانی سبک قدیم است. نادرست درست
- تمرین ۸** افزایش استفاده از واژگانی مانند (نزاقت، قالی، شیشه، پل، بخیه، سفال و...) در شعر سبک هندی دیده می‌شود. نادرست درست
- تمرین ۹** لغات مربوط به مذاهب و آداب و رسوم هندوان در شعر سبک هندی مشاهده می‌شود. نادرست درست
- تمرین ۱۰** حملات تیموریان و ازبکان، سبب رواج لغات ترکی و عربی شد که ضعف زبان فارسی را در پی داشت. نادرست درست
- تمرین ۱۱** حسن تعلیل، اسلوب معادله، تلمیح و حس آمیزی و تمثیل از آرایه‌های پرکاربرد شعر سبک هندی می‌باشند. نادرست درست
- تمرین ۱۲** حسن بیگ روملو و علی بن حسین واعظ کاشفی به ترتیب مولف کتاب‌های محبوب‌القلوب و رشحات عین الحیات می‌باشند. نادرست درست
- تمرین ۱۳** شاعران سبک هندی از آرایه‌های ادبی، بدیع و بیان به صورت اغراق آمیز در اشعار استفاده می‌کردند. نادرست درست
- تمرین ۱۴** ردیف‌های شعری در سبک هندی معمولاً بلند و طولانی هستند. نادرست درست
- تمرین ۱۵** شعر سبک هندی شعری صورت‌گراست و شاعران به لفظ بیش از معنا توجه دارند. نادرست درست
- تمرین ۱۶** آثار سبک هندی همچون آثار فردوسی و مولانا و عطار و سنایی آثاری عمیق و پرمحتوا می‌باشند. نادرست درست
- تمرین ۱۷** هر سه کتاب احسن‌التواریخ، محبوب‌القلوب و عباس‌نامه به سبک متفاوتی نوشته شده‌اند. نادرست درست
- تمرین ۱۸** در سبک هندی محتوا و مضمون در یک بیت خلاصه می‌شود و طول و عرض معنا از یک بیت فراتر نمی‌رود. نادرست درست
- تمرین ۱۹** عالم‌آرای عباسی و جامع عباسی هر دو در محتوای تاریخ و به نثر ساده نوشته شده‌اند. نادرست درست
- تمرین ۲۰** شاعران سبک هندی مطالب فلسفی و عرفانی و غنائی گذشتگان را در شعر خود بازگو می‌کردند. نادرست درست
- تمرین ۲۱** مطالب فلسفی عرفانی و غنائی گذشتگان در شعر شاعران سبک هندی به صورت پیچیده‌تر بیان شده است. نادرست درست

تمرین ۲۲ زبان شعر سبک هندی، به نحوی زبان جدید فارسی است و از مختصات زبان قدیم مخصوصاً سبک خراسانی در آن خبری نیست.

درست نادرست

تمرین ۲۳ شرفنامه بدلیسی، بدایع الوقایع و عالم آرای عباسی از کتب نثر ساده‌ای هستند که در خارج از ایران نوشته شده‌اند.

درست نادرست

تمرین ۲۴ بدایع الوقایع واصفی، داراشکوه و شرفنامه بدلیسی به ترتیب در ماوراءالنهر، هند و عثمانی نوشته شده‌اند.

درست نادرست

تمرین ۲۵ کتب داراشکوه و شرفنامه بدلیسی به ترتیب در عثمانی و هند نوشته شده‌اند.

درست نادرست

تمرین ۲۶ در مجموع زبان سبک هندی را می‌توان زبانی واقع‌گرا و دور از ویژگی‌های زبانی قدیم دانست.

درست نادرست

تمرین ۲۷ کاربرد شعرهای ضعیف در متن کتاب‌های نثر از ویژگی‌های زبانی نثر سبک هندی است.

درست نادرست

تمرین ۲۸ شرفنامه بدلیسی و عالم آرای عباسی به ترتیب توسط شاه‌په‌ماسب صفوی و اسکندر بیگ ترکمان نوشته شده است.

درست نادرست

تمرین ۲۹ تذکره شاه‌په‌ماسب و جامع عباسی هر دو محتوای تاریخی دارند.

درست نادرست

تمرین ۳۰ مجالس المومنین و جامع عباسی به ترتیب تالیف قاضی نورالله شوشتری و شیخ بهایی می‌باشند.

درست نادرست

تمرین ۳۱ هیچ‌کدام از کتاب‌های مجالس المومنین، جامع عباسی و عالم آرای عباسی در خارج از ایران نوشته نشده‌اند.

درست

نادرست

تمرین ۳۲ هیچ‌کدام از کتاب‌های تذکره شاه‌په‌ماسب، رشحات عین الحیات و مجالس المومنین محتوای فقهی محسوب نمی‌شوند.

درست نادرست

تمرین ۳۳ قالب مسلط در سبک هندی غزل است ولی شاعر سبک هندی در حقیقت تک‌بیت گو است.

درست

نادرست

تمرین ۳۴ هیچ‌کدام از کتاب‌های شرفنامه بدلیسی، رشحات عین الحیات و مجالس المومنین توسط شیخ بهایی نوشته نشده است.

درست نادرست

تمرین ۳۵ هیچ‌کدام از کتاب‌های عباس نامه، جامع عباسی و داراشکوه به نثر مصنوع نوشته نشده است.

درست

نادرست

تمرین ۳۶ بی‌توجهی به زبان، بی‌دقتی در کاربرد جمله‌ها و ترکیب‌ها و ورود واژگان عامیانه در شعر سبک هندی کاملاً مشهود است.

درست نادرست

تمرین ۳۷ روی آوردن افراد کم‌اطلاع و عامی شعر را از استواری و سلامت پیشین خود دور ساخت و این موضوع برای آینده ادبیات

درست

زبان‌بار بود.

نادرست

تمرین ۳۸ نثر سبک هندی به سه نثر ساده، فنی و مصنوع تقسیم می‌شود.

درست نادرست

تمرین ۳۹ کاربرد وجه وصفی، مطابقت صفت و موصوف به تقلید از عربی و آوردن جملات طولانی از ویژگی‌های زبانی نثر دوره سبک

درست نادرست

هندی است.

تمرین ۴۰ میرزا برخوردار فراهی نویسنده هیچ‌کدام از کتاب‌های حبیب السیر، احسن التواریخ و محبوب القلوب نیست.

درست نادرست

تمرین ۴۱ دیباچه شرفنامه بدلیسی و احسن التواریخ از نظر سبکی به ترتیب با عباس‌نامه و کتاب حبیب السیر یکسان می‌باشند.

درست نادرست

تمرین ۴۲ بدایع الوقایع واصفی و مقدمه شرفنامه بدلیسی از نظر سبکی یکسان نمی‌باشند.

درست نادرست

تمرین ۴۳ تذکره شاه‌طهماسب، مجالس المومنین و عالم آرای عباسی در سه محتوای متفاوت نوشته شده‌اند.

نادرست درست

نادرست درست

نادرست درست

تمرین ۴۴ رشحات عین الحیات در زمینه عرفان و در ماوراءالنهر نوشته شده است.

نادرست درست

تمرین ۴۵ در دوره صفویه در فرمان‌ها و منشآت و دیباچه‌ی کتاب‌ها از نثر ساده استفاده می‌شده است.

نادرست درست

تمرین ۴۶ عباس‌نامه و حید قزوینی و شرفنامه‌ی بدلیسی از جمله کتبی هستند که تماماً به یک شیوه نوشته شده‌اند.

نادرست درست

تمرین ۴۷ «خواندمیر» نویسنده هیچ‌کدام از کتاب‌های «محبوب‌القلوب»، «عباس‌نامه»، «حبیب‌السیر» و «تذکره شاه طهماسب» نمی‌باشد.

نادرست درست

تمرین ۴۸ دیباچه عیار دانش، احسن التواریخ و مجالس المومنین به سه سبک ساده، بینابین و مصنوع نوشته شده‌اند.

نادرست درست

تمرین ۴۹ نثر مصنوع دوره هندی از نظر حلاوت و فخامت از نثر فنی قرن‌های ششم و هفتم پخته‌تر و قابل قبول‌تر است.

نادرست درست

تمرین ۵۰ فراوانی لغات ترکی و مغولی، آوردن تتابع اضافات و درآمیختگی نظم و نثر از ویژگی‌های زبانی نثر سبک هندی است.

نادرست درست

تست‌های درس دهم علوم و فنون سال یازدهم

تست ۲۰۱ ویژگی‌های ادبی سبک هندی در همهٔ ابیات مشهود است؛ به جز:

- ۱) گر عشقم آشکار شد انکار من مکن
- ۲) از بس که گرفتار به خون خوردن خویشم
- ۳) نیست ممکن عشق را در سینه پنهان داشتن
- ۴) صبح از جان‌های روشن یاد می‌آید مرا

- ۱) کآتش به پنبه کس نتواند نهان کند
- ۲) انگشت ندامت نتوانم به دهان برد
- ۳) قرب این آیینه طوطی می‌کند زنگار را
- ۴) شام از تاریکی تن یاد می‌آید مرا

تست ۲۰۲ در کدام ابیات ویژگی ادبی «سبک هندی» مشهود است؟

- الف) طریق عقل را بر عشق رجحان می‌دهد زاهد
- ب) لباس مرگ بر اندام عالمی زیباست
- ج) هر کجا غم نیست آنجا زندگانی مشکل است
- د) خزینهٔ گهر ماست معنی رنگین
- ه) در این درگاه بی‌چونی همه لطف است و موزونی

- ۱) عصایی بهتر از صد شمع کافوری است اعمی را
- ۲) چه شد که کوتاه و زشت این قبا به قامت ماست
- ۳) زین سبب آدم به تعجیل از بهشت آمد برون
- ۴) پریدن از دو جهان است تیغ جرأت ما
- ۵) چه صحرايي، چه خضرايي، چه درگاهي، نمي‌دانم

۱) الف - ب - ه

۲) الف - ج - د

۳) ب - ج - د

۴) الف - د - ه

تست ۲۰۳ نثر هر یک از آثار زیر، به ترتیب، چگونه است؟

«شرفنامهٔ بدلیسی، محبوب‌القلوب، احسن التواریخ، دارا شکوه»

۱) مصنوع، ساده، بینابین، ساده

۲) ساده، بینابین، مصنوع، ساده

۳) ساده، بینابین، مصنوع، ساده

۴) مصنوع، ساده، بینابین، مصنوع

تست ۲۰۴ در کدام بیت، ویژگی «ادبی سبک هندی» به چشم نمی‌خورد؟

- ۱) دوری از ما مکن ای چشم بد از روی تو دور
- ۲) در سر مرده‌دلان شور ندیده است کسی
- ۳) دامن شادی چو غم آسان نمی‌آید به دست
- ۴) سختی رسد از چرخ به نازک‌سخنان بیش

- ۱) زان که جانی تو و از جان نتوان بود صبور
- ۲) نفس گرم ز کافور ندیده است کسی
- ۳) پسته را خون می‌شود دل تالبی خندان کند
- ۴) با سنگ سر و کار بود شیشه‌گری را

تت ۲۰۵ هر یک از آثار زیر به ترتیب، نمونه کدام نوع نثر است؟

«دیباچه عیار دانش، احسن التواریخ، عالم آرای عباسی»

- (۱) بینابین، مصنوع، ساده (۲) بینابین، ساده، مصنوع (۳) مصنوع، بینابین، ساده (۴) ساده، مصنوع، بینابین

تت ۲۰۶ نثر کدام آثار، به ترتیب «مصنوع، ساده و بینابین» است؟

- (۱) عباس نامه، عیار دانش، محبوب القلوب (۲) دیباچه شرفنامه بدلیسی، داراشکوه، حبیب السیر
(۳) محبوب القلوب، احسن التواریخ، دیباچه عیار دانش (۴) شرفنامه بدلیسی، تذکره شاه طهماسب، احسن التواریخ

تت ۲۰۷ کدام آثار، به ترتیب در زمینه «فقه، عرفان و زندگی نامه» نوشته شده است؟

- (۱) اسرار التوحید، تذکره الاولیا، چهارمقاله (۲) مرصادالعباد، مجالس المؤمنین، بدایع الوقایع
(۳) جامع عباسی، عین الحیات، مجالس المؤمنین (۴) حبیب السیر، عین الحیات، سرگذشت حاجی بابای اصفهانی

تت ۲۰۸ کدام گزینه با توجه به سبک هندی صحیح نمی باشد؟

- (۱) لغات مربوط به مذاهب و آداب و رسوم هندوان در این دوره به حوزه شعر وارد شد.
(۲) کاربرد لغات عربی کم شده و لغات ترکی رواج یافته و زبان فارسی تقویت گردید.
(۳) دایره واژگان شعر گسترش یافت و بسیاری از لغات ادبی قدیم از صحنه شعر رخت برپست.
(۴) زبان کوچه و بازار به شعر راه یافت و از این رهگذر روح تازه‌ای در زبان شعر دمیده شد.

تت ۲۰۹ کدام گزینه از دلایل حذف ویژگی‌های سبکی قدیم در دوره سبک هندی است؟

- (۱) روی آوردن طبقات مختلف مردم به عالم ادبیات که عمدتاً آموخته‌های ادبی لازم را نداشتند.
(۲) از بین رفتن سلطه حکومت بغداد در ایران و کم شدن کاربرد لغات عربی.
(۳) بی توجهی به زبان، بی دقتی در کاربرد جمله‌ها و ترکیب‌ها و ورود واژه‌های عامیانه در شعر.
(۴) تغییر جغرافیایی حوزه‌های شعری در نقاط مختلف ایران و تأثیر پذیرفتن از زبان‌های نواحی دیگر.

تت ۲۱۰ کدام گزینه در مورد ویژگی ادبی سبک هندی صحیح نمی باشد؟

- (۱) استفاده از تلمیحات غریب و نادر و آرایه‌هایی همچون حُسن تعلیل، حس آمیزی، تمثیل و اسلوب معادله.
(۲) استفاده از ردیف‌های طولانی و خوش‌آهنگ مانند «خواهم شدن، می شود پیدا» در شعر این دوره رایج است.
(۳) قالب مسلط در این دوره غزل است اما غزل‌هایی که گاه به چهل بیت هم می‌رسد و تکرار قافیه در آن امری طبیعی است.
(۴) به دلیل کم توجهی شاعران کوچه و بازار به آرایه‌های ادبی بدیع و بیان جز به صورت طبیعی کمتر استفاده شده است.

تت ۲۱۱ کدام گزینه با توجه به ویژگی فکری سبک هندی صحیح نمی باشد؟

- (۱) شعر در سبک هندی بیشتر در تک‌بیت خلاصه می‌شود و طول و عرض معنا از یک بیت فراتر نمی‌رود.
(۲) شاعران این دوره معمولاً مطالب فلسفی، عرفانی و غنایی گذشتگان را به شیوه خود بازگو می‌کردند.
(۳) شعر سبک هندی صورت‌گراست نه معنی‌گرا و شاعران به آرایه‌ها بیشتر از زبان و معنا توجه داشتند.
(۴) کوشش شاعران برای یافتن فکری جزئی اما تازه و نگفته و بیان آن به صورتی اعجاب‌انگیز.

تت ۲۱۲ چند مورد از آثار زیر جزء نثرهای ساده در دوره سبک هندی می‌باشند؟

«بدایع الوقایع - جامع عباسی - عباس نامه - احسن التواریخ - رشحات عین الحیات - تذکره شاه طهماسب - مقدمه شرفنامه بدلیسی -

محبوب القلوب - عالم آرای عباسی»

- (۱) دو (۲) سه (۳) چهار (۴) پنج

ت۲۱۳ کدام کتاب جزو کتاب‌هایی که در خارج از ایران نوشته شده‌اند، نمی‌باشد؟

- (۱) کتب داراشکوه (۲) شرف‌نامه بدلیسی (۳) بدایع الوقایع واصفی (۴) رشحات عین الحیات

ت۲۱۴ نوع نثر «احسن التواریخ- دیباچه‌ی عیار دانش- رشحات عین الحیات» به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

- (۱) بینابین - مصنوع - ساده (۲) ساده - مصنوع - بینابین

- (۳) بینابین - ساده - مصنوع (۴) ساده - بینابین - مصنوع

ت۲۱۵ نوع نثر چند مورد از آثار زیر اشتباه است؟

«عباس نامه: ساده - مجالس المومنین: بینابین - بدایع الوقایع واصفی: مصنوع - شرف نامه بدلیسی: ساده - رشحات عین الحیات:

ساده - محبوب‌القلوب: مصنوع - مقدمه عیار دانش: بینابین - حبیب السیر: مصنوع - احسن التواریخ: بینابین»

- (۱) سه (۲) چهار (۳) پنج (۴) شش

ت۲۱۶ مؤلف چند اثر به درستی نوشته شده است؟

(احسن التواریخ: حسن بیگ روملو) (محبوب‌القلوب: وحید قزوینی) (جامع عباسی: شیخ بهایی) (رشحات عین الحیات: قاضی نورالله

شوشتری) (حبیب السیر: خواند میر) (عالم‌آرای عباسی: اسکندر بیگ ترکمان)

- (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

ت۲۱۷ موضوع کدام اثر فقه، تاریخ یا عرفان نمی‌باشد؟

- (۱) عالم‌آرای عباسی (۲) رشحات عین الحیات (۳) مجالس المومنین (۴) جامع عباسی

ت۲۱۸ کدام گزینه صحیح نمی‌باشد؟

(۱) بدایع الوقایع و شرف‌نامه بدلیسی جزء آثاری هستند که خارج از ایران نوشته شده‌اند.

(۲) جامع عباسی و مجالس المومنین به ترتیب در زمینه تاریخ و زندگی‌نامه می‌باشند.

(۳) نثر عباس‌نامه و احسن التواریخ به ترتیب مصنوع و بینابین می‌باشند.

(۴) حبیب السیر و رشحات عین الحیات به ترتیب از خواند میر و علی بن حسین واعظ کاشفی می‌باشند.

ت۲۱۹ کدام گزینه از دیدگاه سبک‌شناسی درباره نثر دوره هندی صحیح نیست؟

(۱) به سبب نزدیکی به زبان عامیانه نثر این دوره از تکلف و تصنع به دور است.

(۲) کاربرد افعال با پیشوندهای متعدد و فراوانی لغات ترکی و مغولی.

(۳) مطابقت صفت و موصوف به تقلید از عربی و کاربرد وجه وصفی.

(۴) انحطاط ادبی در این زمان از دوره تیموری بیشتر شده است.

ت۲۲۰ سراینده کدام بیت صحیح نمی‌باشد؟

(۱) به یک کرشمه که در کار آسمان کردی هنوز می‌پرد از شوق چشم کوكب‌ها (صائب تبریزی)

(۲) ای گل که موج خنده‌ات از سر گذشته است آماده باش گریه‌ی تلخ گلاب را (بیدل دهلوی)

(۳) ز منجنیق فلک سنگ فتنه می‌بارد من ابله‌انه گریزم به آگینه حصار (عرفی شیرازی)

(۴) تو این عهدی که با من بسته بودی مگر بهر شکستن بسته بودی (طالب آملی)

۱	۳	۲۶	۴	۵۱	۴	۷۶	۲	۱۰۱	۱	۱۲۶	۴	۱۵۱	۲	۱۷۶	۴	۲۰۱	۳	۲۲۶	
۲	۳	۲۷	۳	۵۲	۱	۷۷	۱	۱۰۲	۴	۱۲۷	۱	۱۵۲	۴	۱۷۷	۳	۲۰۲	۳	۲۲۷	
۳	۴	۲۸	۴	۵۳	۱	۷۸	۱	۱۰۳	۳	۱۲۸	۴	۱۵۳	۴	۱۷۸	۲	۲۰۳	۴	۲۲۸	
۴	۳	۲۹	۲	۵۴	۲	۷۹	۱	۱۰۴	۳	۱۲۹	۲	۱۵۴	۲	۱۷۹	۳	۲۰۴	۱	۲۲۹	
۵	۴	۳۰	۳	۵۵	۴	۸۰	۳	۱۰۵	۱	۱۳۰	۱	۱۵۵	۲	۱۸۰	۱	۲۰۵	۳	۲۳۰	
۶	۲	۳۱	۱	۵۶	۳	۸۱	۲	۱۰۶	۱	۱۳۱	۲	۱۵۶	۱	۱۸۱	۴	۲۰۶	۲	۲۳۱	
۷	۲	۳۲	۳	۵۷	۳	۸۲	۲	۱۰۷	۱	۱۳۲	۱	۱۵۷	۴	۱۸۲	۳	۲۰۷	۳	۲۳۲	
۸	۲	۳۳	۱	۵۸	۴	۸۳	۴	۱۰۸	۴	۱۳۳	۴	۱۵۸	۱	۱۸۳	۲	۲۰۸	۲	۲۳۳	
۹	۳	۳۴	۲	۵۹	۳	۸۴	۱	۱۰۹	۱	۱۳۴	۲	۱۵۹	۳	۱۸۴	۱	۲۰۹	۴	۲۳۴	
۱۰	۲	۳۵	۴	۶۰	۳	۸۵	۴	۱۱۰	۴	۱۳۵	۱	۱۶۰	۴	۱۸۵	۱	۲۱۰	۱	۲۳۵	
۱۱	۲	۳۶	۱	۶۱	۱	۸۶	۴	۱۱۱	۳	۱۳۶	۴	۱۶۱	۳	۱۸۶	۳	۲۱۱	۳	۲۳۶	
۱۲	۱	۳۷	۳	۶۲	۳	۸۷	۳	۱۱۲	۱	۱۳۷	۳	۱۶۲	۴	۱۸۷	۴	۲۱۲	۴	۲۳۷	
۱۳	۲	۳۸	۲	۶۳	۲	۸۸	۱	۱۱۳	۳	۱۳۸	۱	۱۶۳	۲	۱۸۸	۳	۲۱۳	۴	۲۳۸	
۱۴	۴	۳۹	۲	۶۴	۳	۸۹	۳	۱۱۴	۳	۱۳۹	۱	۱۶۴	۳	۱۸۹	۱	۲۱۴	۱	۲۳۹	
۱۵	۴	۴۰	۳	۶۵	۴	۹۰	۴	۱۱۵	۲	۱۴۰	۲	۱۶۵	۳	۱۹۰	۲	۲۱۵	۳	۲۴۰	
۱۶	۱	۴۱	۱	۶۶	۳	۹۱	۴	۱۱۶	۳	۱۴۱	۴	۱۶۶	۱	۱۹۱	۲	۲۱۶	۴	۲۴۱	
۱۷	۲	۴۲	۳	۶۷	۲	۹۲	۲	۱۱۷	۲	۱۴۲	۳	۱۶۷	۳	۱۹۲	۱	۲۱۷	۳	۲۴۲	
۱۸	۱	۴۳	۲	۶۸	۳	۹۳	۳	۱۱۸	۴	۱۴۳	۳	۱۶۸	۲	۱۹۳	۳	۲۱۸	۲	۲۴۳	
۱۹	۴	۴۴	۲	۶۹	۲	۹۴	۲	۱۱۹	۴	۱۴۴	۱	۱۶۹	۱	۱۹۴	۲	۲۱۹	۱	۲۴۴	
۲۰	۳	۴۵	۳	۷۰	۳	۹۵	۱	۱۲۰	۱	۱۴۵	۲	۱۷۰	۴	۱۹۵	۴	۲۲۰	۲	۲۴۵	
۲۱	۳	۴۶	۲	۷۱	۴	۹۶	۱	۱۲۱	۳	۱۴۶	۲	۱۷۱	۳	۱۹۶	۴	۲۲۱		۲۴۶	
۲۲	۲	۴۷	۱	۷۲	۳	۹۷	۳	۱۲۲	۲	۱۴۷	۴	۱۷۲	۲	۱۹۷	۲	۲۲۲		۲۴۷	
۲۳	۲	۴۸	۳	۷۳	۳	۹۸	۱	۱۲۳	۳	۱۴۸	۱	۱۷۳	۲	۱۹۸	۱	۲۲۳		۲۴۸	
۲۴	۳	۴۹	۴	۷۴	۲	۹۹	۱	۱۲۴	۴	۱۴۹	۳	۱۷۴	۲	۱۹۹	۱	۲۲۴		۲۴۹	
۲۵	۲	۵۰	۳	۷۵	۳	۱۰۰	۳	۱۲۵	۱	۱۵۰	۳	۱۷۵	۲	۲۰۰	۳	۲۲۵		۲۵۰	